



رشد آموزش علوم اجتماعی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
دوره پانزدهم • بهار ۱۳۹۱
شماره بی دربی ۵۲

بسم الله الرحمن الرحيم

قطب جهانی علوم اجتماعی / ۲
بازشناسی الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی /
مهدی نعمت الله / ۴
مواجهه با آینده ناشناخته انسیرین علی حیدری،
نوروز در بوشهر / ۱۷
خلیج فارس، زیست اجتماعی در مدرسه / محمود اردو خانی / ۱۸

عوامل معنوی توسعه اقتصادی / باباله محمدی / ۲۳
نگاهی نو به گردشگری اجتماعی /
دکتر احمد کلاه مال همدانی / ۲۶
فرهنگ بوشهری را دریابید / محمود همدانی / ۳۶

نترس! فقط دفتر شعر است / ۴۰
کلاس درس و زندگی خانوادگی / ایمان روحی دهکردی / ۴۲
جامعه شناسی و دیدگاه تلفیقی / محمود اردو خانی / ۵۰
مدرسه زندگی، طرحی راهبردی / ۵۳
مسائل جدی اجتماعی آموزش و پرورش / محمود اردو خانی / ۵۶
بهار استان ها / ۵۸
آموزش و پرورش و جامعه / زهرا فیض آبادی / ۵۹
آشنایی با روزهای ملی / زهرا صادقی / ۶۲

۱. سعی شود مطالب ارسالی پیشتر جنبه کاربردی داشته باشد و از پرداختن طولانی به مبانی نظری و تئوری پرهیز شود. سرفصل های مجله رشد آموزش علوم اجتماعی مرتبط باشد و در جای دیگری هم چاپ نشده باشد.
۲. مطالب ترجمه شده با متن اصلی ارسال شود. بهتر است متن را از طریق پیام نگار (E-mail) برای ما بفرستید.
۳. نثر مطالب روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
۴. مجله در رد، قبول، اصلاح و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.
۵. در ابتدای مطالب ارسالی، واژه های کلیدی نوشته شود. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتما نوشته شود.
۶. در ابتدای مطالب ارسالی، واژه های کلیدی نوشته شود.
۷. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتما نوشته شود.
۸. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتما نوشته شود.

- مدیر مسئول: محمد ناصری
- سردبیر: دکتر مسعود فرهانیان مقدم
- مدیر داخلی: دکتر احمد کلاه مال همدانی
- هیئت تحریریه: دکتر فضیله خانی، دکتر حبیب الله فصیحی، دکتر شهلا باقری، دکتر لطیف عبوضی، فربرز بیات
- ویراستار: بهروز راستانی
- طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندوسی
- نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
- صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
- تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷
- نمایر: ۸۸۳۰۱۴۸۷
- وبگاه: www.roshdmag.ir
- پیام نگار: ejtemaie@roshdmag.ir
- تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
- کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴
- نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵
- شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

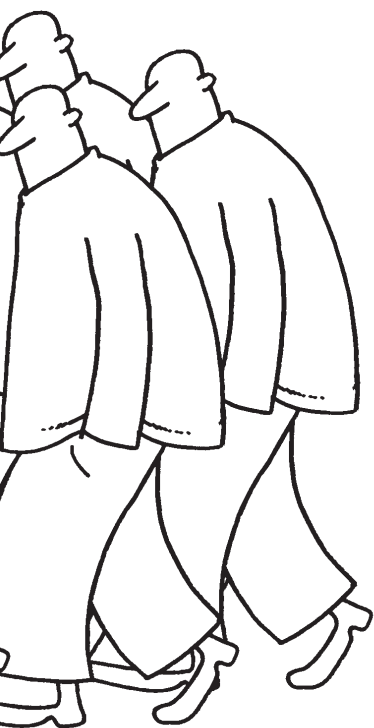
عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

سرمست و شورانگیز است. بهار دل‌ها فرارسیده است و در جان‌ها و روح‌ها در سرتاسر عالم دگرگونی دیده می‌شود. پس خوش‌تر آن‌که به بهترین صورت ممکن دگرگون شود! تا از شرایط ناپه‌نچار کنونی به شرایطی بهینه تبدیل شود. یادمان باشد که تحویل سال و دگرگونی آن به همه عرصه‌های در هم تنیده و چند لایه زندگی بشر تعلق می‌گیرد و بهار طبیعت تنها نمودی از این دگرگونی است. طبع و طبیعت انسان باید دگرگون شود؛ یعنی دنیایی که ما در آن زیست اجتماعی و زیست طبیعی داریم، باید دچار تحولی عظیم شود. سالی که گذشت بهار اسلام بود؛ بهاری که همه چیز را دگرگون کرد. اندیشه‌ها، دل‌ها، جان‌ها، باورها و نگرش‌ها و رفتارها را تغییر اساسی داد و در پی آن، امروز جهان اسلام قطبی فراگیر شد. اکنون جهان براساس طبیعت خدادادی (فطرت الهی جمعی = فطرت‌الناس علیها) و بر حسب ظرفیت و توان واقعی ملت‌ها می‌باید به معنویت آسمانی روی آورد و به عدالت الهی تن در دهد و دیدیم که در سراسر گیتی این ندای جهانی طنین افکن شد، و چه مردانه توانستند مردان مرد پاسخ ندای درونی خود را بدهند، چند قرن دروغ و تزویر و نیرنگ زراندوزان سرمایه‌سالار را بر ملا کنند و خود حاکمیت این دگرگونی‌ها را، با رویکرد عدالت‌جویانه و الهی به‌عهده بگیرند. اسلام باید قطب فراگیر دگرگونی‌ها با رویکرد الهی خود در سرتاسر گیتی باشد تا خطرات و تهدیدات رخت بریندند و دنیایی فراهم شود که در آن آموزه‌های زندگی بخش و عدالت‌گستر قرآن حکیم و عقول الهی و انسانی بشر (لیثیروالهم دفائن العقول) حاکم شود. تاکنون چنین نبوده است، اما حرکت‌های استقلال‌طلبانه و اسلام‌گرایانه مردم، حتی در کشورهای غیر مسلمان، نوید آن را می‌دهد که انسان در حال تحول عظیمی است و این تحول باید در همه عرصه‌ها دیده شود.

در آموزش و پرورش هم به گمان ما، باید در عرصه اندیشه و دیدگاه به خویشتن خویش بازگردیم و این میسر نیست مگر آن‌که تغییری بنیانی در این عرصه به کار گرفته شود. دنیای غرب در حوزه اندیشه دستاوردی نداشته است که انسان الهی بتواند بدان تکیه کند. پس لازم است ما به متون دینی خود بازگشتی اساسی داشته باشیم و اندیشه‌ها را از میان متون دینی خود باز تولید کنیم. دنیای غرب با این همه نظریه‌پردازی و ایده‌سازی، نتوانست آن‌چه را که انسان طالب آن است فراهم کند و دیدیم که همگان چگونه با این اندیشه‌ها در حد وسع و توان خود مقابله کردند. اندیشه‌های غربی فاقد اعتبار عقب‌افتاده و غیر واقعی هستند. به جرئت می‌توان گفت که اندیشه‌های غربی شکست خورده‌اند. در همه عرصه‌ها این چنین بوده است. پس برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید بدانند که تنها راه سعادت و حل مشکلات آموزش و پرورش رجوع به هویت اصیل اسلامی است. اکنون که زیرساخت‌ها به هم ریخته و اندیشه‌های ناتوان مادی غربی نتوانسته‌اند مشکلی از مشکلات بشریت را حل کنند و عدالت‌اجتماعی را در همه عالم بر پا سازند، پس روش‌ها و ساختارهای وارداتی نیز باید تغییر کند؛ زیرا هر اندیشه‌ای که با ساختاری مناسب عرضه نشود و ساختار نیز متناسب با اندیشه نباشد، شکست خورده تلقی می‌شود. بر این اساس، آموزش و پرورش در روش و ساختار و اجرا نیز باید متحول شود. آموزش و پرورش که ما از آن نام می‌بریم تنها ایران را در بر نمی‌گیرد، بلکه مقصود ما گستره جهانی است. اگر ایران آغازکننده این تحول بوده است، لذا می‌باید علاوه بر محتوا در روش‌ها، ساختار و اجرائیات نیز توجه داشته باشد که الگو قرار خواهد گرفت و این موضوع مسئولیت جهانی ایران اسلامی را بسیار دشوار می‌سازد. به‌عبارت روشن‌تر، آموزش و پرورش باید بداند که اکنون بار آموزش و پرورش جهانی به دوش اوست

■ سرمقاله

علوم اجتماعی



www.rahman.org

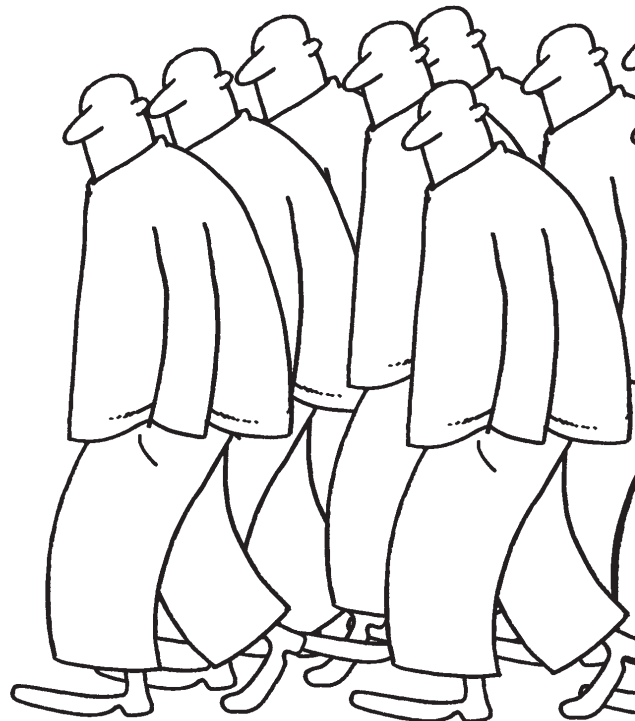
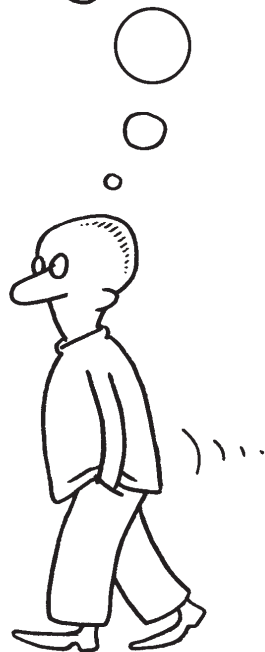
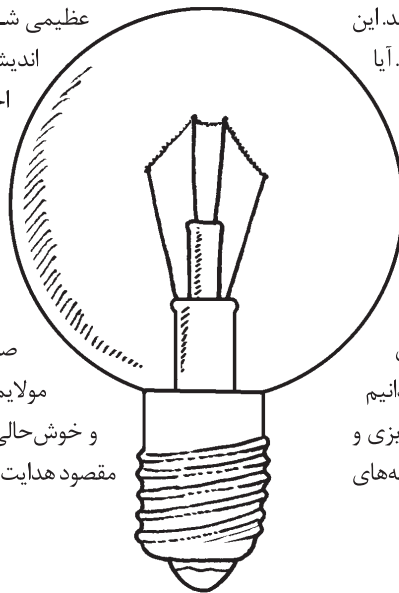
و اگر حیثاً مسئولان، این اندیشه سترگ را در نیابند، به اسلام و روح عدالت‌جویانه الهی انسان‌ها لطمه زده‌اند و این گناه کمی نیست. نخبگان و فرهیختگان مبادا دچار خسران شوند و تنها بدین بیندیشند که فعلاً گلیم خود را از آب بیرون کشند و بعد به دیگران بیندیشند؛ این خامی است. به یقین در شرایط فعلی نمی‌توان تنها به خود اندیشید، چرا که اکنون همه جهانیان به پا خاسته‌اند و نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا بود. در این میان اندیشه‌های اجتماعی اهمیت دوچندانی می‌یابند. مسئولان آموزش و پرورش باید بدانند که امروز زمان مقابله با اندیشه‌های اجتماعی منحرف است که اگر نسبت به آن بی‌تفاوت باشند، قافیه را خواهند باخت. کتاب‌های درسی که نماد این اندیشه‌ها هستند، باید بازنگری اصولی و بنیادین شوند. هر چند کتاب‌های علوم اجتماعی بازبینی شده و تألیفات جدیدی صورت گرفته‌اند، اما این کافی نیست. کتاب‌های جدید می‌باید عمیق‌تر و متناسب با اندیشه‌های اجتماعی اسلام تولید و تألیف شوند. این کتاب‌ها باید مقیاس اندیشه ناب اسلامی در حوزه اجتماعات باشند. آیا با این تغییرات چنین اتفاقی افتاده است؟

همه ما می‌دانیم که آن چه در نهاد مردم جای‌گزین می‌شود و اثرات آن سالیان سال تثبیت می‌شود، همه آموزه‌هایی هستند که در دوران کودکی در جان و روح شکل می‌گیرند. لذا در این دوران باید چیزی را آموزش داد که ریشه‌ای و بنیادین باشد و سال‌ها در روح و جسم فرزندان این ملت ریشه بدواند. از این منظر است که باید در کتاب‌های علوم اجتماعی اندیشه‌های جهانی اسلام را در عرصه اجتماعات مطرح کرد و البته می‌دانیم که این کاری دشوار و سترگ است. عزیزان ما در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» وارد این عرصه شده‌اند، اما باید بتوانند اندیشه‌های

اجتماعی را از فلسفه اجتماعی متمایز سازند و بیشتر به زیرساخت‌های اندیشه‌ها و مفاهیم اجتماعی کاربردی بپردازند. پدیده دیگری که در آن باید تحول و بهار و دگرگونی دیده شود، رفتار اجتماعی است. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین منابع رفتاری، اندیشه‌هایی است که در طول تحصیلات حاصل می‌شوند. بپذیریم که ما با رفتارهای اجتماعی اسلامی فاصله بسیاری داریم. باید بکشیم از همین کتاب‌های علوم اجتماعی آغاز کنیم و بدانیم که این مکتوبات تأثیرات تربیتی و رفتاری عمیقی دارند. این است که حوزه علوم اجتماعی را باید بسیار جدی گرفت. می‌دانیم که اکنون بین اندیشمندان نسبت به علوم انسانی عموماً و علوم اجتماعی خصوصاً، نوعی دیدگاه بدبینانه وجود دارد که یکی از دلایل آن، ریشه غیر طبیعی و غیر فطری علوم اجتماعی حاضر است. لذا در رفتارهای سیاسی - اجتماعی خود هم باید دچار تحول

عظیمی شویم که آن نیز باید ریشه در اندیشه‌های جهانی اسلام در عرصه اجتماعات داشته باشد. امید آن می‌رود که بهار اسلامی دنیا در همه عرصه‌های زندگی ما، به‌ویژه زیست اجتماعی‌مان شکل‌گیرد و تحولی به‌وجود آید که آن صاحب سرزمین جهانی عشق، مولایمان **مه‌دی (عج)**، با خشنودی و خوش‌حالی بیاید و همه ما را به سرمنزل مقصود هدایت کند.

سردبیر



کلیدواژه‌ها: چشم‌انداز پیشرفت، الگو، اقتصاد اسلامی

ضرورت تدوین الگوی پیشرفت درآمدی بر تحول

تحول، سنت الهی در زندگی بشر است، از آن استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش برد. دانشگاهیان، چه دانشجو و استاد، و چه حوزویان و چه طلبه‌ها، همه باید این خط و رشته فکری را تعقیب و دنبال کنند.

کارهای بزرگ از ایده‌پردازی آغاز می‌شوند. ایده‌پردازی کاری نیست که در اتاق‌های دربسته و در خلأ انجام بگیرد. باید فکرها و اندیشه‌های گوناگون در تماس با هم قرار بگیرند تا محصول کار، عملی و منطقی از آب دربیاید. پس جان کلام این است که ما باید توسعه و پیشرفت را بازشناسی کنیم. باید ببینیم برای کشور ما و برای جامعه ما، مدل پیشرفت چیست.

لازم است معنای درستی از پیشرفت و تحول داشته باشیم تا بفهمیم دنبال چه هستیم. البته نه این که ما تازه می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم و لذا برای پیشرفت الگو می‌خواهیم. نه، پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شده است. یک جامعه ایستا، راکد، زیر فشار با استعدادهای خفته، بدون اجازه هیچ تحرکی در دریای عمیق استعدادهای ملی ما، با حرکت انقلابی دگرگون شد. علاوه بر این که تشکیل نظام جمهوری اسلامی خود یک تحول بزرگ و پیشرفتی شگفت‌آور و عظیم بود. این که ملتی توانست حکومتی موروثی، کودتایی، فاسد و وابسته را به حکومتی مردمی تبدیل کند، بزرگ‌ترین تحول و پیشرفت بود.

چرا الگوی پیشرفت را باید بیان کرد؟ خیلی ساده است، به خاطر این که امروز در چشم برخی از نخبگان و کارگزاران در جوامع کمتر توسعه یافته، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است. به زعم اینان توسعه و

بازشناسی الگو پیشرفت ایران اسلامی

واکاوی مفاهیم پیشرفت، توسعه و الگو

با الهام و اقتباس از

دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

مهدی نعمت‌الله
پژوهشگر و کارشناس علوم قرآنی



فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده است. بنابراین، موفق نیست. شما الان اگر آثار ادبی کشورهای غربی - مثلاً فرانسه - را که مربوط به سه قرن یا دو قرن پیش است بخوانید، و وضع امروز آن جا را هم مطالعه کنید، خواهید دید مردم آن جا از لحاظ اخلاقی به میزان بسیار زیادی عقب رفته‌اند. این وضعیتی که امروز بر آن جا حاکم است، آن روزها حاکم نبود. پیشرفت تمدن غربی در طول قرن‌های متمادی، این کشورها را از لحاظ اخلاقی دچار مشکل کرده؛ آن‌ها را از لحاظ اخلاقی به انحطاط کشانده است. از لحاظ وضع زندگی هم به آن‌ها خدمتی نکرده؛ یعنی فقر در آن جاها برنیفتاده است. در آن جا کار و تلاش زیاد است، اما دستاورد و محصولی برای فرد و خانواده نداشته است. بنابراین پیشرفت غربی، پیشرفت ناموفقی است.

آن چه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم، در درجه اول این است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلف‌اند، اما بر این همه آن‌ها این است - با نگاه اسلام به انسان، به کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان است و به وسیله انسان صورت می‌گیرد، در منطق فلسفه غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، که با منطق اسلام انطباق ندارد. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است. هر چه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت، این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال آن است. منطق غربی و مدل غربی به دنبال آن است و همین را به همه توصیه می‌کند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.

پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. و این بسیار غلط و خطرناک است. غربی‌ها در تبلیغات خیلی ماهرند؛ یعنی ماهر شده‌اند. در طول این دو بیست سیصد سالی که کار تبلیغاتی پی‌درپی می‌کنند، با تبلیغات موفق خودشان توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهن‌ها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن! هر کشوری که بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب شود، باید غربی بشود! این تبلیغات آن‌هاست. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه‌یافته نیست! و هر چه فاصله‌اش بیشتر، فاصله‌اش از توسعه‌یافتگی بیشتر! این طوری می‌خواهند جا بیندازند و متأسفانه در ذهن‌ها جا انداخته‌اند.

البته با وجود این تبلیغات، به بیان رهبر انقلاب، غربی‌ها در مقام عمل، به آن کشورهایی که می‌خواستند غربی بشوند، کمک درستی هم نکرده‌اند؛ یعنی همین جا هم صداقت به خرج نداده‌اند. آن‌ها هیچ مایل نبودند و نیستند که غیر غربی وارد باشگاه علمی غرب شود. این که کسی تصور کند پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد، اندیشه کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی که با شرایط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان و با اصول خودشان شکل پیدا کرده‌اند، ناموفق بوده‌اند. الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت و ثروت رسیده‌اند، اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند. پیشرفت‌های غربی، پیشرفت‌هایی است که امروز همه دنیا و همه بشریت دارند از آن رنج می‌برند؛ کشورهای عقب‌مانده یک جور، کشورهای پیشرفته جور دیگری.

این همان پیشرفت و توسعه‌ای است که گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌ها را به ثروت رسانده، اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت، تحقیر و استعمار کرده است. جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است. در داخل خود آن کشورها هم اخلاق



هدف از تدوین الگوی پیشرفت

نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست؛ و نیست و نیست و نیست.

این، آن پیشرفتی نیست که کشور اسلامی و جامعه اسلامی دنبال می‌کند. خوش‌بختی در جامعه اسلامی، برخورداری مادی و معنوی است. یعنی فقر نباید باشد و عدالت باید باشد، اما تقوا، اخلاق، معنویت و پرهیزگاری هم باید باشد. این هدفی است که ما باید دنبال کنیم.

پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیایی سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور مدل مطلوبی باشد، اما عیناً همان مدل برای کشور دیگری نامطلوب باشد. بنابراین مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد. باید جست‌وجو کنیم و آن الگو را بیابیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند. نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورند؛ چه نسخه پیشرفت آمریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی، یعنی کشورهای اسکاندیناوی که آن‌ها هم نوع دیگری هستند. هیچ کدام از این‌ها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد.

هر جامعه و ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی خاص خود را دارد که آن مبانی تعیین‌کننده‌اند و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب و چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و ناخردانه، روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سر تا پای فرنگی و اروپایی شویم، توجه نکرد که اروپا سابقه، فرهنگ و مبانی معرفتی خاص خود را دارد که پیشرفت اروپا، براساس آن مبانی معرفتی است. ممکن است بعضی از آن مبانی مورد قبول ما نباشند و آن‌ها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطا، سابقه تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد. انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا را نسبت به گذشته نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی بر نوع پیشرفتی که انسان می‌خواهد انتخاب کند، تأثیر فوق‌العاده‌ای است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه.

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه فقط انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم براساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است.

فرق ما با بقیه گروه‌هایی که در کشورها رژیم‌ها را تغییر می‌دهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست می‌گیرند، این است که ما برای ایجاد یک جامعه اسلامی آمده‌ایم. ما آمده‌ایم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان باز تولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. اگر بخواهیم با نگاهی وسیع‌تر نگاه کنیم، چون باز تولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌توانست و می‌تواند هم‌چنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمده‌ایم برای این که دنیای اسلام را متوجه این حقیقت و این شجره طیبه کنیم. ما برای این موضوع آمده‌ایم. هدف، جز این نبوده است و الان هم هدف جز این نیست.

نظام اسلامی، نظامی است بر پایه مبانی اسلام. هر جا که توانسته‌ایم وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه اسلام قرار بدهیم، خوب و مطلوب است، و هر جا نتوانسته‌ایم، باید بکوشیم آن را بر همان پایه و مبانی اسلامی قرار بدهیم و از آن تخطی نکنیم. این هدف ماست.

تعریف الگو

الگو، وسیله، معیار و میزانی است برای این که انسان کاری را که می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق دهد.

مفهوم الگوی پیشرفت

برای این که ما بتوانیم نسخه درست پیشرفت را پیدا کنیم، چه لازم داریم؟ بحث نظری. قدر مطلق پیشرفت‌های مادی خوب است، اما در مورد همان پیشرفت‌های مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما الان مثلاً می‌بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا اختلاف طبقاتی بسیار فاحش است، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما، از گرما یا از گرسنگی می‌میرد. طبقه متوسطی در آن جا زندگی می‌کند که اگر شبانه‌روز، تمام‌وقت، با همه توان کار نکنند، نمی‌توانند شکمشان را سیر کنند. این برای بشر و برای جامعه خوش‌بختی نیست. بله، تولید ناخالص داخلی‌اش را نگاه کنیم، ۱۰ برابر کشورهای دیگر است؛ این که دلیل نشد. یعنی حتی در برخوردارهای مادی هم عدالت وجود ندارد؛ یعنی همه برخوردار نیستند، چه برسد به برخورداری معنوی. آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزگاری نیست، پاکدامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض

مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست. پیشرفت صرفاً خطی و افقی نیست بلکه کمال‌گرایی، معنوی، درون‌زاد، فطرت‌مدار، چندلایه و درهم تنیده و ذو ابعاد و متعالی است. در خصوص ایرانی بودن الگو، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیایی سیاسی در تشکیل این الگو تاثیر می‌گذارد. این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی. یعنی ما نمی‌خواهیم الگو را از دیگران بگیریم. ما می‌خواهیم آن‌چه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت‌کشورمان می‌دانیم و آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم. در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است. به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوش‌بختانه منابع اسلامی را هم در اختیار داریم. قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما، در کلام ما، در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین «اسلامی» هم به این مناسبت است. الگو هم نقشه جامع است. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی-اسلامی، یعنی یک نقشه جامع.

پیشرفت در عرصه فکر

عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی باید مشخص کنیم. در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما باید جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چه قدر «لقوم يتفكرون»، «لقوم يعقلون»، «أفلا يعقلون»، «أفلا يتدبرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم. این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد و بعد سرزیر خواهد شد به آحاد مردم. البته چنین کاری راهبردها و الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌ها هستند.

محتوای اسلامی الگوی پیشرفت

در باب محتوای اسلامی، اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله مبدأ است، مسئله توحید است؛ «تَاللّٰهِ وَاَنّٰلِیْهِ رَاجِعُونَ». مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره می‌کنیم، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و فقدان التزام به اعتقاد به خداست. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری وجود دارد، لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهند شد. «یسّٰح له ما فی السّٰمٰوات و ما فی الارض»، و: «ولله جنود السّٰمٰوات و الارض و كان الله علیما حکیماً»، وقتی انسان به توحید معتقد شد، در آن معنایی را می‌بیند

که نیرویی عظیم و تمام‌نشدنی در اختیار او می‌گذارد. «هو الله الّٰذی لا اله الا هو الملك القدوس السّٰلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون». وقتی انسان این گونه توحیدی را معتقد بود و توانست این اعتقاد را در لایه‌های درونی حیات و هم در بسترهای فردی و اجتماعی بدنه زندگی خود بسط دهد، این مشکل اساسی او حل خواهد شد.

نگاهی به اصول و مبانی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در بخش اقتصادی

در نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی، توجه به ارزش‌ها، اعتقادات و حتی آداب و سنن جامعه، امری ضروری است که در میزان تحقق‌پذیری و مشارکت تمام آحاد جامعه در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، سهم قابل توجهی دارد. از طرف دیگر، الگوهای توسعه‌ای و نظام برنامه‌ریزی نباید با هیچ‌یک از قوانین، اصول اساسی و اهداف عالی جامعه و حکومت در تناقض یا تقابل قرار گیرد. در این بررسی سعی شده است، به چارچوب، اصول و مبانی الگوی اسلامی توسعه در مقوله اقتصادی که متکی بر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی نظام و جامعه است، پرداخته شود تا کمکی برای انتخاب مسیر صحیح در جهت‌گیری‌های اصلی و اساسی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور در امور اقتصادی باشد.

امروز در چشم برخی از نخبگان و کارگزاران در جوامع کمتر توسعه یافته، مدل پیشرفت صرف‌مبدل‌های غربی است. به زعم اینان توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. و این بسیار غلط و خطرناک است

در این بررسی با نگاهی گذرا به اصول و دیدگاه‌های ارزشی و اعتقادی اسلام در حوزه اقتصادی و سپس مبانی و اصول اقتصادی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز، و در نهایت، فرازهایی از اندیشه‌های اقتصادی بنیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تلاش شده است، چارچوب مناسب و قابل اتکایی برای مبانی برنامه‌های توسعه‌ای اقتصاد کشور ارائه شود.

دیدگاه اسلام در اقتصاد

در نظام اسلامی، علاوه بر این که توجه خاصی به سعادت و خوش‌بختی انسان در دنیا و آخرت شده، دنیا را مزرعه آخرت معرفی کرده است. براساس این دیدگاه، هر رفتار عقلایی اقتصادی با ارزش که در حوزه و حیطه تعلیم و ارزش‌های اسلامی، مجاز و مباح باشد، انجام آن مطلوب و شایسته خواهد بود.

برای این که ببینیم دیدگاه و نظرات قرآن کریم در خصوص مسائل اقتصادی چیست، شاید نیاز باشد نخست طرز نگاه قرآن را به مال و

ثروت بدانیم. اسلام و قرآن، با هدف قرار دادن ثروت و مال در زندگی و این که انسان بخواهد از مال اندوزی و هدف قرار دادن آن، از تعالی و تکامل معنوی خود بازماند، مخالف هستند. در روایتی از حضرت امام حسن مجتبی (ع) آمده است: «چنان در دنیا زندگی کن که گویا تا ابد در این دنیا خواهی ماند و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن، مثل این که فردا خواهی مُرد» [بحارالانوار، جلد ۴۴].

از این رو، مال و ثروتی که از راه مشروع و حلال کسب شده است، می تواند باعث سعادت انسان شود؛ همان گونه که حضرت خدیجه (س) ثروت خود را در راه اسلام و حمایت از پیامبر اکرم (ص) هزینه کرد. اگر مال و ثروت انسان را از یاد خدا و آخرت غافل کند، می تواند باعث هلاک انسان شود: «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذاب دردناک خبر ده» [توبه/ ۳۴]. اگر انسان با مال و ثروت خود را بی نیاز بداند، در پرتگاه نابودی قرار می گیرد و این آغازی برای شرک و ورود شیطان به قلب وی خواهد بود. برای داشتن اقتصادی متعادل و به دور از افراط یا تفریط در مسائل مالی، خداوند در قرآن کریم این گونه فرموده است: «و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی» [الاسرا/ ۲۹].

دیدگاه و اهداف در هر مکتب اقتصادی باید مشخص و روشن باشد. برای بیان اصول و دیدگاه اسلام در خصوص اقتصاد، در ادامه به اصول و مشخصه های اقتصادی اسلامی می پردازیم و سپس به اصول قانون اساسی، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و هم چنین بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی که با موضوع اقتصاد مرتبط هستند، اشاره می کنیم تا با این چارچوب، مقدمه ای از اصول و مبانی الگوی اسلامی توسعه در اقتصاد کشور بیان شود. حرکت و برنامه ریزی اقتصادی کشور باید بر مبنای الگوی اسلامی توسعه در بخش اقتصادی صورت گیرد. این الگو بر مبنای و دیدگاه اسلام، قانون اساسی، رهنمودهای امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقوله اقتصاد، استوار است.

اقتصاد اسلامی

در مکتب و نظام اقتصاد اسلامی ویژگی هایی وجود دارد که با تکیه بر معارف و تعالیم غنی اسلامی، جوامع اسلامی را قادر می سازد، مشکلات اقتصادی جامعه خود را حل و فصل کنند. شهید صدر در کتاب «اقتصاد ما»، سه اصل اساسی را برای نظام اقتصادی اسلام برشمرد: مالکیت دوگانه، آزادی اقتصادی محدود و عدالت اجتماعی. وظیفه مکتب اقتصادی اسلام کشف سیمای کامل حیات اقتصادی براساس شریعت اسلام و مطالعه افکار و مفاهیمی است که از پس این سیما پرتوافشانی می کنند. شهید صدر دو مفهوم «مکتب» و «علم» را از هم تفکیک می کند. مکتب، راهی است که جامعه در تکامل اقتصادی و درمان مشکلات عملی خود می پیماید و علم، زندگی اقتصادی و روابط موجود بین حقایق اقتصادی و عوامل از پیش تعیین شده را شرح می دهد. پس از این تفکیک محوری، فرضیه هایی را مطرح می کند:

- اقتصاد اسلامی بر مبنای ایده عدالت استوار است.
- شریعت اسلام، راه نخست اکتشاف اقتصاد اسلامی است.
- اقتصاد اسلامی بر اکتشاف استوار است، نه تکوین. از این رو، عالم اسلامی از آزادی کمتری نسبت به دیگران برخوردار است و گزینه های فراروی او، به حیطه قوانین اسلامی محدود می شود که بر اقتصاد حاکم است [۱].

اقتصاد اسلامی دارای مشخصه هایی است که آن را از دیگر مکتب های اقتصادی تفکیک می کند. این مشخصه ها عبارت اند از:

- مشخصه فلسفی یا به تعبیر دیگر، مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی.
- مشخصه فقهی یا به تعبیری، منابع اقتصاد اسلامی.
- مشخصه حقوقی یا به بیان دیگر، حقوق اقتصادی.
- مشخصه تحلیلی اقتصادی.

با در نظر گرفتن هر یک از این چهار مشخصه، اقتصاد اسلامی فرق اساسی و ماهیتی با دیگر مکاتب اقتصادی پیدا می کند [۲]. در ادامه به مشخصه اول که جزو مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی است می پردازیم.

جهان بینی و ایدئولوژی انسان ها در رفتار فردی و اجتماعی آنان تأثیر مستقیم و اساسی دارد. این موضوع در مورد مسائل و رفتارهای اقتصادی فرد و جامعه نیز صادق است. برای مثال، وقتی از رفتار اقتصادی و انسان اقتصادی صحبت می کنیم، در واقع مسئله سود و زیان مطرح می شود که این مسئله در جهان بینی مادی و جهان بینی الهی دارای رویکردهای متفاوتی است.

در مشخصه های فلسفی یا مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی، سه ویژگی اصلی وجود دارد:

- اقتصاد اسلامی، مبتنی بر جهان بینی توحیدی است.
- اقتصاد از نظر اسلام، بخشی از قلمروی اختیار و حرکت انسان ها در جامعه و تاریخ است؛ یعنی اقتصاد در خدمت انسان است نه انسان در خدمت اقتصاد.
- اقتصاد اسلامی در عین واقع گرایی، از ارزش های معنوی و ضوابط اخلاقی برخوردار است. [۲]

انسان مسلمان با جهان بینی توحیدی همواره خود را در منظر خداوند می داند و در پیشگاه او مسئول می بیند. این اعتقاد بر تمام

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می شود، باید طوری برنامه ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می خواهیم براساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است



در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما باید جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چه قدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم

و هم‌چنین ساخت مدرسه و بیمارستان، و البته فریضه زکات، از موضوع‌های مورد تأکید در اقتصاد اسلامی هستند. قرآن مسلمانان را تشویق کرده است که آنچه مازاد بر نیاز دارند، در این مصارف خرج کنند تا چرخه ثروت تداوم داشته باشد [۳].

نگاه انسان توحیدی به «مال» نیز یک نگاه اصلی و به عنوان هدف در زندگی نیست، بلکه نگاهی ابزاری و وسیله‌ای است. مال را از آن خدا می‌داند که قرآن کریم بارها به آن متذکر شده است: «أَنَّا هُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ»، «مال الله» و «رزق الله». این‌ها از آموزه‌های جهان‌بینی توحیدی هستند.

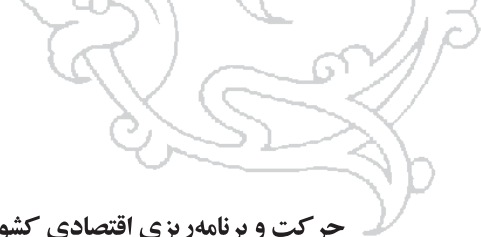
عدالت اساس و هدف اقتصاد اسلامی

«عدل» نیز یکی دیگر از اصول اعتقادی در اسلام است. عدالت در جامعه اسلامی هدف است و جایگاهی بس والا دارد. خلقت خداوند براساس عدالت بوده است و منجی بشریت نیز برای برپایی آن قیام می‌کند. عدالت یک هدف مقدس و بارز است که استثناپذیر نیست و باید در تمام امور زندگی افراد و جامعه اسلامی ساری و جاری باشد. مقوله عدالت در امور اقتصادی اهمیت بالاتری دارد و ضامن پایداری حکومت اسلامی و مردم‌سالاری اسلامی است. خداوند متعال در آیه ۱۸ سوره آل عمران فرموده است: «خدا که همواره نگاهبان عدل او درستی [است]. بارها در قرآن کریم بر موضوع برپایی قسط و عدل تأکید شده است. در اغلب نوشته‌های اقتصاد اسلامی و هم‌چنین قوانین بعد از انقلاب، از جمله قانون اساسی و قانون عملیات بانکی بدون ربا، اقتصاد اسلامی با دو واژه حق و عدل معرفی شده است [۴]. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت از نخستین اهداف به‌شمار می‌رود. عدالت هدف است، و رشد و توسعه مقدمه عدالت است. یکی از هدف‌های مهم نظام اقتصاد اسلامی نیز برپایی عدل و قسط و به تعبیری، عدالت اجتماعی است. بخش وسیعی از مسائل اقتصادی اسلام را بحث عدالت و تأمین اجتماعی در برمی‌گیرد. عدالت یک اصل و یک هدف اقتصادی است و هرگاه روش و سیاست‌های اقتصادی جامعه در تضاد با عدالت قرار گیرد، عدالت مقدم است. به‌طور کلی سیاست‌های اقتصادی باید ذیل ارزش‌های معنوی قرار گیرند. اقتصاد اسلامی به امور اقتصادی، نگاه اخلاقی دارد [۲]. از عوامل مهم انحراف از عدالت، حب ذات و علاقه‌ها و روابط است. قرآن در این باره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای

اعمال، رفتار و گفتار او تأثیر دارد و وی رفتارهای خود را براساس آن تنظیم و هماهنگ می‌کند. چنین انسانی می‌کوشد به تمام اعمال خود رنگ خدایی بدهد و تمام فعالیت‌هایش را با معیار «رضایت خدا» میزان می‌کند. وی در فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، توزیعی و مصرفی خود به این مسئولیت توجه دارد و آن‌ها را براساس این مسئولیت هم‌سو می‌کند. در یک جهان‌بینی غیرالهی که انسان اعتقادی به خدا یا معاد ندارد، رفتارهای فردی و اجتماعی وی تنها در جهت ارضا و منفعت شخصی است، همین انسان وقتی به خدا ایمان می‌آورد، رفتارهای خود را تغییر می‌دهد و برنامه زندگی اش عوض می‌شود. در نتیجه رویکرد او به فعالیت‌های اقتصادی نیز به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. این اعتقاد بر فعالیت‌های اقتصادی انسان و چگونگی و کیفیت به دست آوردن مال و ثروت و هم‌چنین مصرف آن اثر اساسی دارد؛ عدالت اجتماعی، انفاق، تعاون، قرض‌الحسنه و مقوله‌هایی از این دست در زندگی او مطرح می‌شود.

با جهان‌بینی توحیدی و ایمان انسانی به جهان آخرت و معاد، معنای سود و زیان نسبت به جهان مادی و مادیگری متفاوت خواهد بود. او می‌داند که آخرت از این دنیای مادی والاتر و پربارتر است و در واقع جهان ابدی انسان، آخرت است نه این دنیا. از این‌رو، در تمام مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی و در مناسبات و روابط اقتصادی و رفتارهای خود، بازتاب آن‌ها را در جهان دیگر برای خود در نظر دارد. به این ترتیب، معنای سود و زیان، خسارت، تجارت و مطلوبیت نزد انسان عوض می‌شود. دیگر سود و زیان و خسارت تنها در این دنیا مطرح نیست، بلکه جهان دیگری وجود دارد که تمام اعمال انسان در آن دنیا مورد حسابرسی قرار می‌گیرد. او می‌داند هر چه در این دنیا، در راه خداوند و در جهت رضایت او و برای خلق خدا و طبقه محروم و مستضعف بدهد، چندین برابر آن را در دنیای باقی خواهد گرفت و این معامله با خداست که هیچ ضرری در آن نیست. قرآن کریم بارها به این موضوع اشاره کرده و از مسائلی مانند انفاق، عدالت، زکات، خمس، وقف، خیرات و میرات سخن به میان آورده است.

در جهان‌بینی توحیدی مطلوبیت تنها لذت و سود بردن نیست. پرداختن به این امور به عنوان هدف در زندگی، کاری بیهوده و لذتی زودگذر و گاهی نابودکننده اعمال نیک انسان است و سبب فاصله گرفتن وی از انسانیت می‌شود. برای مثال، موضوع «ربا» در نظام بانک‌داری اسلامی جایی ندارد. «نظام بانک‌داری بدون بهره» توسط اسلام ارائه شده و مدت زیادی (قبل از نظام مبتنی بر بهره غربی) به کار گرفته شده است. «بهره» در نسخ قدیمی «انجیل» نیز ممنوع شده بود. «قرآن» نیز از آن به عنوان «جنگ با خدا» نام می‌برد. در نظام اقتصاد اسلامی، پول به عنوان وسیله مبادله تعریف می‌شود، اما در اقتصادهای غربی که مبتنی بر نرخ بهره هستند، این‌طور نیست. در اقتصاد اسلامی، مفاهیمی مانند مضاربه، مشارکت و اجاره تعریف می‌شود. هزینه داوطلبانه (صدقه) یا انفاق، هدیه و اهدا به فقرا، افراد محتاج، پیران، ناتوانان، در راه‌ماندگان، زنان بیوه و یتیمان،



حرکت و برنامه‌ریزی اقتصادی کشور باید بر مبنای الگوی اسلامی توسعه در بخش اقتصادی صورت گیرد. این الگو بر مبنای و دیدگاه اسلام، قانون اساسی، رهنمودهای امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقوله اقتصاد، استوار است

خدا گواهی دهید؛ هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است. پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است» [نساء/ ۱۳۵]. یکی دیگر از عوامل انحراف از عدالت مسئله ناراحتی‌هایی است که انسان از فردی یا گروهی می‌بیند. در این زمینه نیز قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.» [مائده/ ۸].

رشته نیز از عوامل دیگر انحراف در عدالت است [۵]. در اقتصاد اسلامی علاوه بر اصول ذکر شده، هرگونه امتیاز اقتصادی برای کانون‌ها و مراکز قدرت و ثروت، چه فردی و چه طبقاتی، نفی می‌شود. وقتی همه منافع فرد و جمع برای منافع عظیم اخروی انسان‌هاست، تضاد بین منافع فردی و منافع اجتماعی رایج در دیگر مکاتب اقتصادی از بین می‌رود.

اسلام سیطره و تسلط بیگانه را بر بلاد و کشورهای اسلامی نفی می‌کند و قدرت و اقتدار اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومت‌ها و همچنین استقلال اقتصادی آن را ضروری می‌داند. در نظام اقتصادی اسلام به دو دلیل قدرت و اقتدار اقتصادی ضروری است: اول، به منظور ترساندن کفار و دشمنان خارجی تا به ذهن آن‌ها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی و محاصره اقتصادی، خطور نکنند. و دیگری، اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره‌گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملل فقیر [۵].

واضح است که رشد و توسعه اقتصادی در اسلام برای رسیدن به قدرت اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ هر چند این رشد و توسعه در کنار اصل عدالت مفهوم اسلامی پیدا می‌کند. اسلام دینی آخرت‌گرا با تأکید عمده بر زندگی مادی و معیشت مطلوب جامعه به عنوان پیش‌نیاز سعادت اخروی است. اسلام نه تنها دینی ضد توسعه یا غیر توسعه‌ای نیست، بلکه قابلیت و استعداد لازم را برای هدایت مسلمانان به سمت یک تحول اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مثبت داراست. این تحول همه‌جانبه که بالقوه زمینه‌ساز سعادت اخروی است، همه شاخص‌های شناخته شده توسعه را براساس تعاریف موجود در برمی‌گیرد [۶].

از نظر اسلام، تلاش‌ها برای دستیابی و رسیدن به توسعه اقتصادی، عقلانی و دینی است. در الگوی اسلامی توسعه اقتصادی، توسعه وسیله‌ای بیش نیست و از وسیله جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف- که همانا حرکت افراد جامعه اسلامی برای نزدیکی به خداوند است- نمی‌توان انتظاری داشت. انسان جانشین خدا روی زمین است و هدفی جز رضایت خدا و تکامل انسانی خود ندارد. بقیه امور وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف والا هستند.

اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل و آخرین و پویاترین نسخه شفافبخش الهی، در جهت تأمین توسعه و پیشرفت اقتصادی بدون تخریب و ویرانگری، نظرات منحصر به فردی در چهارده قرن پیش ارائه کرده است که می‌تواند زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم را برای دستیابی و استمرار توسعه‌ای پایدار در جهان معاصر، فراهم کند [۷].

استقلال اقتصادی

پس از اصول عدالت، اقتدار اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی، به اصل بعدی که «استقلال اقتصادی» است، اشاره می‌کنیم. این موضوع به عنوان یک اصل قانونی در «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نیز آمده و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بارها بر آن تأکید داشته‌اند. استقلال اقتصادی با مفهومی که رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان فرموده‌اند، از ضروریات اساسی برای کشور است و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران نظام، باید به آن توجه خاصی مبذول دارند. ایشان فرموده‌اند: «برای یک کشور، استقلال اقتصادی ضرورتی حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود» [۸].

معظم‌له استقلال اقتصادی را این‌گونه بیان کرده‌اند: «... استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ کس در دنیا دادوستد نمی‌کند؛ نه. دادوستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفت‌وگوی تجاری کردن، این‌ها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند. نتوانند او را به آسانی محاصره کنند. نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند...» [۹].

همان‌گونه که گفته شد، در اصل چهل‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین استقلال اقتصادی کشور براساس ضوابطی است که از آن جمله می‌توان به استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، اشاره کرد.

مبانی و اصول الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳، ۴، ۲۰، ۴۳، ۴۴، ۴۸ و ۵۰، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بیان اصول اساسی مرتبط با امور اقتصادی کشور پرداخته است.

اصل سوم قانون اساسی، برای نیل به پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و راه‌های تأمین آن، دولت را موظف کرده است که همه امکانات خود را برای اموری مانند مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و همچنین، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه به کار گیرد.

در اصل چهارم قانون اساسی آمده است که تمام قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشند.

در اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد جامعه به طور یکسان از حمایت قانون و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار هستند.

اصل چهارم و سوم قانون اساسی، ضوابطی را برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآورده کردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او بیان می‌دارد که این ضوابط می‌تواند مبنا، هدف و راهبردهای اصلی اقتصادی نظام باشند. در اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. در راستای اجرای این اصل قانونی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که یکی از کلیدی‌ترین سیاست‌های اقتصادی کشور است، ابلاغ شد که رعایت آن به عنوان اسناد بالادستی برنامه‌های توسعه حتمی و ضروری است.

در اصل چهارم و هشتم قانون اساسی، توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی و عدم تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

در اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت محیط زیست، وظیفه عمومی به شمار آمده است و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمت پیدا کند، ممنوع اعلام شده است.

اصول و مواد قانونی دیگری نیز در قانون اساسی به چشم می‌خورند که در چارچوب اقتصادی ترسیم شده برای کشور یا مرتبط با آن است که از آن جمله می‌توان به اصول دهم (خانواده و پاسداری از قداست آن)، بیست‌ونهم (حق همگانی در برخورداری از تأمین اجتماعی و حمایتی)، سی‌ویکم (داشتن حق مسکن متناسب، برای هر فرد و خانواده ایرانی)، چهلم (هیچ کس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار

به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد)، چهل و هفتم (مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است) و چهل و نهم (ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه و... به صاحب حق برگردد) اشاره کرد.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آفق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز برای تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، ایران را کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل تشریح کرده است.

در سند چشم‌انداز، بر عدالت اجتماعی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، اتکا بر دانش‌محوری و سرمایه‌های انسانی در تولیدات ملی، برخورداری جامعه از رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و توزیع متناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض تأکید شده است.

از این‌رو، توجه به اصول قانونی یاد شده و همچنین رعایت دیگر اصول قانون اساسی مرتبط با بخش‌های گوناگون اقتصادی، در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی توسعه و مبانی برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای هر برنامه توسعه‌ای، طرح، پروژه و تصمیم‌گیری در کشور ضروری است. این اصول، اهداف و ویژگی‌ها باید در تمام برنامه‌های کشور رعایت شوند و مورد توجه قرار گیرند و شایسته است از اجرای سیاست‌ها یا اقدام‌هایی که برخلاف آن‌هاست، خودداری شود.

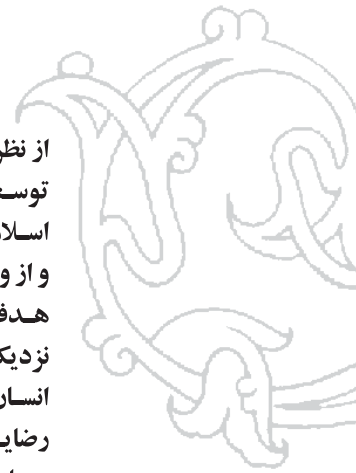
مبانی و اصول الگوی اسلامی - ایرانی توسعه اقتصادی بر اساس دیدگاه انقلاب

در این بخش به مبانی، اصول و اهداف کلی اقتصاد براساس دیدگاه انقلاب با مراجعه به بیانات بینان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پرداخته شده است.

حضرت امام (ره) از اصل توحید دو اصل آزادی و عدالت را نتیجه می‌گیرند. این دو اصل می‌توانند به منزله مبانی مکتبی و ارزشی نظام اقتصادی اسلام محسوب شود [۱۰]. ایشان با تأکید بر آمیختگی دین و سیاست، اسلام را دینی معرفی می‌کنند که دارای نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود است و برای همه جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها از گهواره تا گور، برنامه خاص دارد [۱۱]. به طور خلاصه می‌توان گفت در این زمینه اصول و اهداف زیر را برای اقتصاد کشور متصور بوده‌اند:

- اقتصاد اسلامی، مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است.
- اقتصاد از نظر اسلام، بخشی از قلمروی اختیار و حرکت انسان‌ها در جامعه و تاریخ است؛ یعنی اقتصاد در خدمت انسان است نه انسان در خدمت اقتصاد.
- اقتصاد اسلامی در عین واقع‌گرایی، از ارزش‌های معنوی و ضوابط اخلاقی برخوردار است. [۲]





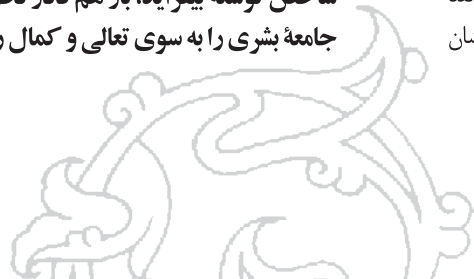
از نظر اسلام، تلاش‌ها برای دست‌یابی و رسیدن به توسعه اقتصادی، عقلانی و دینی است. در الگوی اسلامی توسعه اقتصادی، توسعه وسیله‌ای بیش نیست و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف - که همانا حرکت افراد جامعه اسلامی برای نزدیکی به خداوند است - نمی‌توان انتظاری داشت. انسان جانشین خدا روی زمین است و هدفی جز رضایت خدا و تکامل انسانی خود ندارد. بقیه امور وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف والا هستند

- دو اصل آزادی و عدالت می‌تواند به منزله مبانی مکتبی و ارزشی نظام اقتصادی اسلام محسوب شود.
- اقتصاد هدف نیست، بلکه وسیله دست‌یابی به اهداف عالی انسانی و الهی است.
- اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی است.
- در بینش اسلامی رفتار عقلایی، رفتار مطابق با شریعت اسلام است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در خصوص مبانی، مسائل و جهت‌گیری‌های کلان و بخش‌های گوناگون اقتصادی رهنمودهایی را در سخنان خود بیان فرموده‌اند که می‌توان آن‌ها را در نکات زیر خلاصه کرد:
- رهبر معظم انقلاب اسلامی، توسعه و رشد را در کنار عدالت، مطلوب یک نظام اقتصاد اسلامی می‌داند و در این زمینه فرموده‌اند: «ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن باید توجه کنیم که هم توسعه محوریم و هم عدالت‌محور. ما طبق برخی سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج هستند و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که تنها به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم؛ نه، این منطقی ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها با هم نمی‌سازند و یا باید این‌ها را انتخاب کرد یا آن‌ها را قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد، هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود» [۱۲]. ایشان رفع محرومیت و توجه به محرومان و مستضعفان را در یک نظام اسلامی وجه تمایز این نظام با مکاتب دیگر می‌دانند. معظم‌له روی عدالت تأکید مؤکد داشته‌اند و معتقدند که عدالت می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نظام اقتصاد اسلامی را، راه صحیح اقتصادی می‌داند و تنها اقتصاد اسلامی را برای کشور تجویز کرده‌اند (همان‌گونه که حضرت امام (ره) نیز تنها اقتصاد اسلامی و چارچوب آن را برای اقتصاد کشور ضروری دانسته‌اند). اساس سیاست کلی اقتصادی کشور را رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و ریشه‌کنی فقر می‌داند و ریشه‌کنی فقر را در جامعه، شکوفایی اقتصادی معرفی می‌کند. ایشان

برای اقتصاد کشور، اقتصاد بدون اتکا به نفت را آرزو دارند و اقتدار اقتصادی را برای جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌دانند. ایشان ضمن تأکید بر بومی کردن دیدگاه‌های توسعه‌ای، سعی و تلاش برای رشد و توسعه اقتصادی کشور را ضروری برشمرده‌اند و ماهیت بانک توسعه اسلامی را تأیید کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «حضرت امام (ره) در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است. دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسان‌ها، تلاش انسان‌ها، خرد و دانایی انسان‌ها، حقوق انسان‌ها، وظایف و تکالیف انسان‌ها، صحنه سیاست انسان‌ها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه تربیت، صحنه عدالت، این‌ها همه میدان‌های زندگی است...» [۱۳]. به‌طور خلاصه در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، در خصوص مسائل اقتصادی، اصول و مطالب زیر به چشم می‌خورد:

- استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است.
- به رشد اقتصادی و عدالت به صورت توأمان باید توجه شود.
- آن‌جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. شکوفایی اقتصاد این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان بردارد؛ این، اقتصاد خوب است.
- انسان‌ها باید از مواهب الهی برخوردار شوند تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد خود را به کمال برسانند.
- شعار اسلام این است که باید عدل در جامعه مستقر شود.
- اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی.
- در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد.
- اقتصاد کشور با تکیه بر امکانات ذاتی، روی پای خودش بایستد نه بر پایه نفت.
- اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین باید تحقق پیدا کند.
- هر گاه کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی باشد، مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است.
- هضم نشدن در اقتصاد جهانی، در برنامه‌ها رعایت شود.
- تلاش برای رشد و توسعه و اعتدالی جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از اهداف اسلامی است.

در اسلام جایگاه توسعه فراتر از نیاز و ابعاد مادی انسان است، زیرا انسان را ترکیبی از جسم و روح می‌داند که علاوه بر نیازهای مادی، خواسته‌های معنوی نیز دارد. در منظر اسلام، جهان‌بینی مادی نمی‌تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ دهد و اگر شاخص‌های متعدد دیگری را به شاخص توسعه بیفزاید، باز هم قادر نخواهد بود انسان و جامعه بشری را به سوی تعالی و کمال رهنمون سازد





رهبر معظم انقلاب اسلامی، توسعه و رشد را در کنار عدالت، مطلوب یک نظام اقتصاد اسلامی می‌داند و در این زمینه فرموده‌اند: «ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن باید توجه کنیم که هم توسعه محوریم و هم عدالت محور»

- اساس بانک توسعه اسلامی بر پایه مبانی شریعت و احکام اسلامی است که الگوی تازه‌ای به دنیا ارائه می‌دهد. اگر در این کار موفقیت حاصل شود، این موفقیت الگوی اسلامی خواهد بود.
- اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است.
- به تحرک اقتصادی در درون دنیای اسلام که بتواند با همکاری، یک بلوک مقتدر اقتصادی به وجود آورد، باید اهمیت داده شود.

نتیجه‌گیری

پس در مکتب اسلام نیز مبنا و اهداف اقتصادی شامل عدالت اجتماعی در اقتصاد، قدرت اقتصادی حکومت در برابر سایر حکومت‌ها، رشد و توسعه اقتصادی و استقلال اقتصادی است که نظرهای قرآن و ائمه اطهار به عنوان مبانی رفتار حکومتی، اجتماعی و فردی جامعه اسلامی در مسائل اقتصادی است.

سیاست‌های کلی برنامه پنجم در دو بخش گسترش عدالت اجتماعی و رشد مناسب اقتصادی تنظیم شده است که توجه خاص نظام برنامه‌ریزی را به این دو اصل معطوف می‌کند. اما همان گونه که در مطالب ارائه شده به عنوان مقدمه‌ای بر اصول و مبانی الگوی اسلامی- ایرانی توسعه در اقتصاد کشور و با پشتوانه مبانی و دیدگاه اسلام، دیدگاه انقلاب، قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران بیان شد، علاوه بر دو اصل یاد شده، دو اصل دیگر شامل استقلال اقتصادی و اقتدار اقتصادی نیز مورد تأکید است. از این رو، به نظر می‌رسد که در احکام برنامه پنجم توسعه توجه به این دو اصل ضروری است و باید در سیاست‌های کلی برنامه‌های آتی کشور، این مهم نیز مورد توجه ویژه قرار گیرد و گنجانده شود. توسعه در دیدگاه‌های متفاوت مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. توسعه پایدار توسط بانک جهانی چنین تعریف شده است: «آن نوع پیشرفت که نیازهای نسل حاضر را بدون کاهش توانایی‌های نسل آینده برای پاسخ‌گویی به نیازهای خود، تأمین می‌کند» [۱۴]. در اسلام جایگاه توسعه فراتر از نیاز و ابعاد مادی انسان است، زیرا انسان را ترکیبی از جسم و روح می‌داند که علاوه بر نیازهای مادی، خواسته‌های معنوی نیز دارد. در منظر اسلام، جهان‌بینی مادی نمی‌تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ دهد و اگر شاخص‌های متعدد دیگری را به شاخص توسعه بیفزاید، باز هم قادر نخواهد بود انسان و جامعه بشری را به سوی تعالی و کمال رهنمون سازد. رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «ما به دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته اساسی، در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی

دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است. از هیچ‌جا نباید تقلید کرد، نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست. هر جا اقتضایی دارد... از تجربه‌ها و دانش‌ها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد» [۱۵].

ایشان در خصوص پیشرفت و توسعه برای کشور فرموده‌اند: «آن چه پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فرا بگیریم و این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم. تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای این که دامنه علم را توسعه بدهیم. تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام بدهیم، تا فناوری را به وجود آوریم؛ یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم، تصحیح کنیم و انجام بدهیم. در زمینه آموزش‌های مدیریتی از پیشرفت‌های دنیا فرا بگیریم، آن را بین خودمان طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم. درباره مشکلات اجتماعی که در کشور وجود دارد، تحقیق کنیم و راه ریشه کردن این‌ها را پیدا کنیم» [۱۶].

منابع

۱. تأملی بر اقتصاد اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۲. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمد. «مشخصه‌های اقتصاد اسلامی». نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره‌های ۱۶ تا ۱۹. سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴.
۳. احسانی. مدل اقتصاد اسلامی. مترجم مجتبی شریفی. سایت باشگاه اندیشه.
۴. عبوضلو، حسین. چالش‌های اقتصاد اسلامی در ایران. همشهری آنلاین. ۱۳۸۵.
۵. گلکمانی، و جیهه. قرآن و اقتصاد. ۱۳۸۷.
۶. افقه، سیدمرتضی. اسلام و توسعه (چکیده مقاله). نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۹.
۷. عرب مازار، عباس و دادگر، حسن. چارچوب اسلامی دست‌یابی به توسعه پایدار اقتصادی (چکیده مقاله). نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۹.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰.
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۱۳۷۲/۲/۱۵.
۱۰. میرمعزی، سیدحسین. مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره). مجله اقتصادی. شماره ۵.
۱۱. مفهوم توسعه و راهبردهای آن از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره). نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۹.
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت دولت و رئیس‌جمهوری، ۱۳۸۶/۶/۴.
۱۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴/۳/۱۴.
14. sustainable development in a dynamic world: transforming institutions, growth and quality of life- world bank-2003.
۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.
۱۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

مواجهه با آینده‌ناشناخته

تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول متوسطه بخش اول

نسرین علی حیدری، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و دبیر علوم اجتماعی آموزش و پرورش اصفهان
 مهدی ربیعی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و آموزگار آموزش و پرورش شهرضا
 نرجس خاتون رضاخانی، کارشناس کامپیوتر و دبیر هنرستان‌های شهرستان شهرضا

چکیده

دارد که کتاب‌های درسی براساس اصول صحیح برنامه‌ریزی درسی و متناسب با قوه درک و فهم فراگیرندگان تهیه و تألیف شود. در نظام آموزش و پرورش کشورها، بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب‌های درسی صورت می‌گیرند. معلم فعالیت‌های خود را بر کتاب‌های درسی متمرکز می‌سازد و ارزش‌یابی را نیز به آن محدود می‌کند. از طرف دیگر، دانش‌آموزان تنها به خواندن و فهمیدن کتاب‌های معرفی شده از طرف سازمان مربوطه ملزم هستند و چون در تمام مناطق جغرافیایی ایران، فقط یک نوع کتاب درسی توزیع می‌شود، محتوای درسی را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کشور تلقی کرد. محتوا به عنوان عنصر اصلی و هسته مرکزی برنامه‌های تعلیم و تربیت، همواره مورد توجه فلاسفه، علما و مربیان تعلیم و تربیت، و نظریه‌پردازان آموزشی بوده است. این توجه ناشی از آن است که حتی اگر اهداف تعلیم و تربیت عالی و دقیق مشخص شده باشند، بدون داشتن محتوایی خوب و مناسب، امکان تحقق این اهداف وجود نخواهد داشت [میرلوحی، ۱۳۸۴: ۴۰].

لوی معتقد است که برای انتخاب محتوای برنامه درسی، از مفهوم «ساختار رشته» استفاده شده است. بنابراین برای این که کتاب درسی خوب و مؤثر باشد، باید به وسیله مؤلفی نوشته شود که بتواند شبیه معلم فکر کند (فیلد، ۱۹۹۷: ۸۰). بر این اساس، کتاب درسی یا محتوای مطالب آموزشی به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز که متن مکتوب و مدون محور تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، به تحلیل و بررسی علمی نیاز دارد. نوعی از تحلیل که برای برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی بسیار مفید و ضروری است، «تحلیل محتوایی» است.

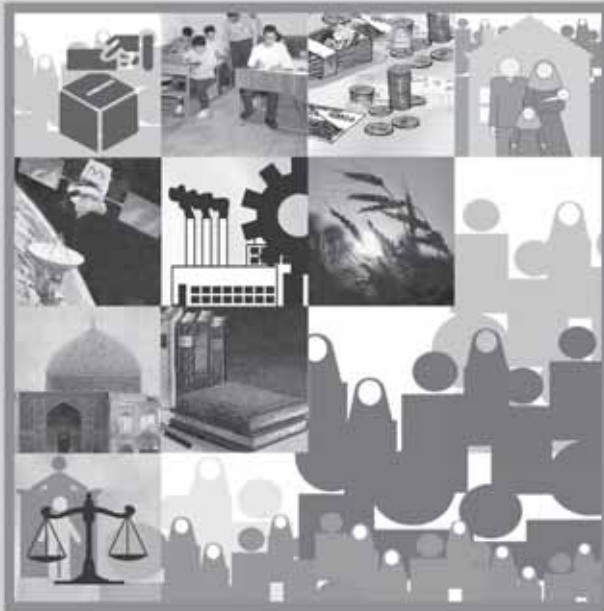
پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب «مطالعات اجتماعی سال اول متوسطه» براساس «الگوی مریل» در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ انجام گرفته است. جامعه و نمونه، به دلیل ماهیت خاص موضوع (تحلیل محتوایی) یکسان بوده است. تحقیق حاضر از نوع تحلیلی است که با بهره‌گیری از مدل منتخب الگوی طراحی مریل و تطابق آن با متن موجود کتاب انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که عناصر تشکیل‌دهنده موضوعات کتاب دانشی (حقایق و مفاهیم) هستند. به علاوه، بیشتر موضوعات کتاب با توجه به سطح یادآوری و سطح کاربرد تنظیم شده‌اند و به سطح عملکرد کشف و ابداع کمتر توجه شده است. مطالب کتاب بیشتر از نوع تعمیم مفاهیم و بیان مثال است و براساس اصول چهارگانه مریل، در ارزش‌یابی پایان کتاب اصول تنوع و سطح دشواری تا حدودی رعایت شده‌اند، ولی اصول تفکیک و هم‌تاسازی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، الگو، الگوی مریل، آموزش متوسطه

مقدمه

یکی از وظایف اساسی نظام آموزشی هر کشور، آماده کردن نسل جوان برای مواجهه با آینده‌ناشناخته است. پیش‌بینی فعالیت‌ها و برنامه‌ها، و تهیه و تدوین کتب درسی، از جمله اقدامات بنیادی به منظور آماده شدن برای تحولات آینده توسط نظام آموزشی است. به همین دلیل، برنامه‌ریزان درسی موظف‌اند که محتوای موضوعات درسی را به گونه‌ای مطلوب انتخاب کنند. از آن‌جا که کتاب درسی از مهم‌ترین عوامل و مراجع یادگیری دانش‌آموزان است، ضرورت

مطالعات اجتماعی



سال اول دبیرستان

۲۰۵/۳

یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش تربیت نوجوانان و شهروندان آگاه به حقوق و وظایف خود در برابر خانواده، افراد و هم‌چنین متعهد در قبال جامعه است. برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان را برای

رسیدن به چنین هدفی یاری کنند و عواملی را که مانع رسیدن به رشد اجتماعی مطلوب می‌شوند، بشناسند. پژوهش حاضر در پی آن است که براساس طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی مریل به بررسی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سال اول متوسطه بپردازد؛ تا هم به این پرسش پاسخ داده شود که دانش‌آموزان سال اول متوسطه از نظر جامعه‌پذیری و نیز آموزش‌های اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارند، و هم نقاط ضعف و اشکالات احتمالی محتوای کتاب و میزان منطبق بودن آن با هدف‌های آموزشی مریل مشخص شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت محتوای برنامه‌های درسی به عنوان عنصر اصلی و هسته مرکزی برنامه‌ریزی‌های تعلیمی و تربیتی، فلاسفه، علما و مربیان، و دانشمندان تعلیم و تربیت را بر آن داشته است که توجه خاصی به آن داشته باشند. آموزش اجتماعی نیز هدف مهمی است که از طریق کتاب‌های درسی و توسط آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. موریش^۱ بیان می‌کند که نهاد آموزش و پرورش باید زمینه‌های لازم را برای اعضای خود در خصوص برقراری ارتباط صحیح با محیط و با اعضای خانواده مهیا کند. دانش‌آموزان به عنوان اعضای جامعه باید بدانند جامعه‌ای که در آن به سر می‌برند،

چگونه است و چگونه آن‌ها می‌توانند نقش اجتماعی خود را به نحو احسن ایفا کنند. طبق نظر محققان تربیتی، استفاده از محیط یا اجتماع و آشنایی نوجوان با آن از طریق برنامه‌های درسی، باید حتی‌الامکان زودتر آغاز شود. این نه فقط یک روش یادگیری است، بلکه یکی از ویژگی‌های اساسی اجتماعی شدن محسوب می‌شود [ایور موریش، ۱۳۷۴: ۴۵].

توجه به مسائل فوق و موارد متعدد دیگر در این زمینه، کتاب درسی را دارای اهمیت منحصر به فردی می‌کند. بنابراین ضرورت دارد که کتاب‌های درسی با دقت کافی و تا حد امکان بدون عیب و مطابق با اصول علمی برنامه‌ریزی و تألیف شوند. شناخت پیامدهای اجتماعی تعلیم و تربیت و به‌ویژه، رشد و تربیت اجتماعی فرزندان جامعه، از جمله وظایف بسیار ضروری برنامه‌ریزان و پژوهشگران است که به موفقیت کتاب در رسیدن به اهداف درس و اجتماعی کردن مخاطبان کمک می‌کند.

سؤال‌های تحقیق

۱. محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه بیشتر به ایجاد و توسعه چه نوع دانش و محتوایی (حقایق، مفاهیم، روش کار و قوانین) در یادگیرندگان توجه دارد؟

طبق این الگو، متن و تمرین‌ها، فعالیت‌ها و مثال‌ها، سطوح عملکردشان مشخص و انواع موضوعات آن‌ها در جدول ۱ آورده شده است. به کمک جدول ۱، ابتدا سطح عملکردی و نوع موضوعات هر درس تعیین می‌شود. در مرحله بعد، پس از تعیین سطوح عملکردی و نوع موضوعات، به تعیین نوع ارائه اولیه، مطابق با سطح عملکردی مورد انتظار در روش مریل و مقایسه آن با موجودی کتاب پرداخته شد.

سوابق پژوهش

رحیمی و حقانی (۱۳۷۶)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی نظر آموزگاران پایه سوم منطقه جی اصفهان پیرامون تغییر محتوای کتاب علوم تجربی سوم ابتدایی در سال ۷۷-۱۳۷۶»، دریافتند:

- تصاویر کتاب درسی با محتوای کتاب علوم پایه سوم متناسب است، ولی محتوای کتاب با خصوصیات ذهنی فراگیرنده تناسب ندارد.
- میزان ساعات تدریس هفتگی با مطالب و حجم کتاب متناسب است. شیران (۱۳۷۶) نتایج تحقیق خود را با عنوان «تحلیل محتوای کتاب فارسی سوم نظام جدید آموزش متوسطه و بررسی نظرات دبیران» چنین مطرح کرد:
- الگوی مریل در مورد نحوه ارائه محتوای کتاب رعایت نشده است.
- انواع شرح و بسط مورد استفاده در کتاب، با شرح و بسط مریل متناسب نیست.

● روش‌های ارائه و ارزش‌یابی (تفکیک، تنوع، هم‌تاسازی و سطح دشواری) الگوی مریل در کتاب مورد توجه قرار نگرفته است.

ابراهیمی (۱۳۷۹) تحقیق خود را با عنوان «بررسی و تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی سوم ابتدایی» به انجام رساند و نتیجه گرفت: «کتاب تطابق کامل با الگوی مریل ندارد.»

سراجی (۱۳۸۲)، نتایج تحقیق خود را با عنوان «مقایسه الگوی طراحی آموزشی مریل با شیوه آموزش سنتی در یادگیری ریاضی دوم دبستان شهرستان میانه» چنین مطرح کرد:

● دانش‌آموزان که مفهوم اعداد را با استفاده از الگوی مریل آموزش دیده‌اند، پیشرفت تحصیلی‌شان نسبت به شیوه سنتی بیشتر است.

۲. محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه بیشتر با هدف ایجاد کدام یک از سطوح عملکرد (یادآوری، کاربرد، کشف یا ابداع) طراحی شده است؟

۳. آیا محتوای کتاب مطالعات اجتماعی اول متوسطه با الگوی طراحی مریل، نحوه ارائه اولیه و نوع عملکرد تناسب دارد؟

۴. آیا محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه با الگوی مریل، نحوه ارائه ثانویه و با موضوع نوع عملکرد تناسب دارد؟

۵. آیا اصول پیشنهادی مریل (تفکیک، تنوع، هم‌تاسازی و سطح دشواری) در طراحی کتاب مطالعات اجتماعی اول متوسطه رعایت شده است؟

روش پژوهش

این پژوهش پژوهشی توصیفی است. در پژوهش‌های توصیفی، محقق آن چه هست را شرح می‌دهد و سعی می‌کند از موقعیت نتایج عینی به دست دهد. روش تحقیق توصیفی که در این‌جا مورد استفاده قرار گرفته، از نوع «تجزیه و تحلیل محتوا» است. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش که تحلیل محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول متوسطه است، محتوای آشکار و پیام‌های مربوط به آن، با استفاده از مدل منتخب تحلیل محتوای الگوی آموزشی مریل با سطوح عملکردی (یادآوری، کاربرد و کشف یا ابداع) و عناصر محتوا (حقایق، مفاهیم، روش کار و اصول یا قوانین) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در پژوهش حاضر، جامعه و نمونه در واقع به دلیل ماهیت خاص پژوهش (تحلیل محتوایی) یکسان است. کتاب مورد بررسی، «مطالعات اجتماعی سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸» است که در پایه اول دوره متوسطه جزو واحدهای درسی لحاظ شده بود. بر این اساس جامعه تحقیق، کتاب‌های درسی مربوطه است و نمونه‌های تحقیق هر یک از جملات، مضامین و اهداف کتاب هستند.

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، کتاب درسی مورد نظر و مؤلفه‌های اساسی و نتایج و یافته‌های مربوط به الگوی طبقه‌بندی مریل بررسی شد. هر یک از مفاهیم مطرح شده در محتوای کتاب درسی، با مؤلفه‌های اساسی الگوی آموزش مریل مطابقت داده

جدول ۱. انواع سطوح عملکردی براساس موضوع

شماره درس	سطوح عملکردی			نوع موضوع		
	یادآوری	کاربرد	کشف و ابداع	حقایق	مفاهیم	روش کار
						قوانین

منبع: فردانش، ۱۳۸۲.

● دانش‌آموزانی که جمع‌های با انتقال و بدون انتقال را با استفاده از الگوی مریل آموزش دیده‌اند، پیشرفت تحصیلی‌شان نسبت به شیوه سنتی بیشتر است.

● دانش‌آموزانی که تفریق بدون انتقال را با استفاده از الگوی مریل آموزش دیده‌اند، پیشرفت تحصیلی‌شان نسبت به شیوه سنتی بیشتر است.

شد و مورد ارزش‌یابی قرار گرفت. بر این اساس معیارهایی که در این تحقیق در نظر گرفته شدند عبارت‌اند از: نوع دانش و محتوا (حقایق، مفاهیم، روش کار و قوانین) و سطوح عملکردی دانش‌آموزان (یادآوری، کاربرد، کشف یا ابداع). علاوه بر این‌ها، از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای نیز استفاده لازم به عمل آمد.

نوروز در بوشهر

آنچه در خصوص آئین‌های نوروزی مردم استان بوشهر حائز اهمیت است این نکته است که در قدیم عید نوروز از اهمیت چندانی برخوردار نبوده و مردم عید فطر را با شکوه بیشتری برگزار می‌کردند. اما در مورد مراسم نوروز همچون دیگر مناطق عید را با تبریکات و دید و بازدیدهای مرسوم آغاز کرده و با پوشیدن لباس‌های نو به استقبال بهار می‌رفتند. در شهر بوشهر مراسم نوروز به‌طور کامل برگزار می‌شد اما پهن کردن سفره هفت‌سین در نقاط مختلف شهر با هم متفاوت بوده اما همه مردم فرا رسیدن سال جدید را به فال نیک گرفته و در ایام نوروز نوعی شیرینی به‌نام «بیت گلی» تهیه می‌کردند. تشریفات سفره هفت‌سین در بین ثروتمندان بیشتر بود و علاوه بر شیرینی «بیب گلی» و «قرایچ» بقیه شیرینی‌های مورد نیاز را نیز از بازار تهیه می‌کردند. در حالی که فرا رسیدن عید نوروز برای همه با خوشحالی و مسرت همراه بوده برای عده‌ای غصه آور بود، زیرا از لحاظ وضعیت مالی در شرایطی نبودند که بتوانند مایحتاج ضروری ایام عید را تهیه کنند و این ناراحتی را با خواندن این اشعار نشان می‌دادند،

عید ما نوروز ما، جومه کهنه هر روز ما

عید آمد و ما قبا نداریم، با کهنه قبا صفا نداریم.

بازی‌های کودکانه نواحی مرکزی و بیرونی بوشهر نیز با هم متفاوت بود. در ایام نوروز بچه‌های نواحی بیرونی بازی‌های چون «تيله‌بازی»، «هفت‌سنگ» و «گوگ‌بازی» برگزار می‌کردند. این در حالی بود که امکانات بچه‌های نواحی مرکزی شهر خیلی بیشتر بود. آنها در ایام عید به میدان وسیعی به‌نام «لوله خرابی» در محله «جبری» رفته و به بازیهای چون «تيله‌بازی»، «تخم‌مرغ بازی»، «قاب بازی» می‌پرداختند و عده‌ای نیز سوار بر نوعی چرخ و فلک دستی بزرگ خود را سرگرم می‌کردند این در حالی بوده که در همان ایام عید دست‌فروشان اجناس مورد نیاز را در میدان مذکور عرضه می‌کردند. مراسم چهارشنبه‌سوری نیز علاوه بر بوشهر در تمام نقاط ایران هم مرسوم بوده این رسم تا نیمه سده پیش نزد مردم بوشهر ناشناخته بود، اما این بدان معنا نبود که آنان از این رسم بی‌اطلاع باشند یا آن را فراموش کنند. آن‌ها آخرین شب چهارشنبه ماه صفر هر سال هجری قمری را در واقع به منزله چهارشنبه‌سوری می‌دانستند، زیرا ماه صفر و به‌ویژه روز ۱۳ صفر را بسیار سنگین قلمداد می‌کردند و به خاطر اینکه از نحس بودن این ماه جان سالم به در برند و به ماه‌های دیگر منتقل نشود، در عصر آخرین سه‌شنبه ماه صفر به کنار دریا می‌رفتند و پاهای خود را تا ساق در آب می‌زدند و ضمن آنکه چند عدد سنگ به درون آب پرتاب می‌کردند می‌گفتند؛ «درد و غم در، تو اوو دریه بیشو»، و اعتقاد داشتند این کار را باید تا پیش از غروب آفتاب انجام دهند و اگر به ساعات بعد انجامد فایده‌ای نخواهد داشت. اما بعد از بازگشت از دریا، این مراسم را در محل دیگری هم انجام می‌دادند.

۱۷

رشد آموزش عالی
دوره‌ی ۱۵
شماره ۳
بهار ۱۳۹۱

● دانش‌آموزانی که با استفاده از الگوی طراحی مریل آموزش دیده‌اند، طول مدت یادداری‌شان نسبت به شیوه سنتی بیشتر است.
● در نهایت الگوی طراحی آموزشی مریل برای آموزش ریاضی دوم دبستان، بهتر از شیوه سنتی است.

● ربیعی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی و مقایسه به‌کارگیری و عدم به‌کارگیری الگوی طراحی مریل در تدوین محتوای درس دستور زبان فارسی با استفاده از چند رسانه‌های آموزشی بر یادگیری و یادداری دانش‌آموزان دختر پایه دوم متوسطه منطقه دوازده شهر تهران» دریافت:

● به‌کارگیری الگوی طراحی مریل در تدوین محتوای درس دستورزبان فارسی با استفاده از چند رسانه‌های آموزشی باعث افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

● به‌کارگیری الگوی طراحی مریل در تدوین محتوای درس دستورزبان فارسی با استفاده از چند رسانه‌های آموزشی باعث افزایش یادداری دانش‌آموزان می‌شود.

● الگوی طراحی مریل برای یادگیری و یادداری درس دستورزبان فارسی دوم متوسطه با استفاده از چند رسانه‌های آموزشی مؤثرتر از یادگیری و یادداری این محتوا بدون استفاده از این الگو است.

● کس نرانی (۱۳۸۶) نتایج تحقیق خود را با عنوان «تحلیل و ارزش‌یابی کتاب علوم تجربی پنجم ابتدایی براساس الگوی مریل و روش ویلیام رومی» چنین مطرح کرد:

● کتاب علوم تجربی پنجم ابتدایی طبق الگوی مریل دارای نوع محتوای مفهیم و نوع عملکرد یادآوری است.

● طبق الگوی مریل، نحوه ارائه اولیه (بخش ارائه و تمرین) محتوای کتاب علوم تجربی پنجم رعایت شده است.

● طبق الگوی مریل، نحوه ارائه ثانویه در قسمت بیان تعمیم (۶۹/۲٪)، در قسمت بیان مثال (۸۱/۸٪) و در قسمت سؤال (۵۰٪) رعایت شده است.

● طبق الگوی مریل، در بخش اصول و ارزش‌یابی دو اصل تنوع و سطح دشواری رعایت شده و دو اصل هم‌تناسازی و تفکیک رعایت نشده است.

● متن کتاب علوم تجربی پنجم ابتدایی به صورت معمولی و نیمه‌فعال طراحی شده است.

● تصاویر کتاب علوم تجربی پنجم ابتدایی به صورت ضعیف و غیرفعال طراحی شده است.

● کی رک گوس (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به منظور بررسی کتب آموزش زبان انگلیسی در کلاس چهارم ابتدایی دریافت که طراحی این کتب آموزشی با اهداف وزارت آموزش و پرورش هماهنگ است. علاوه بر این، محتوای کتب با نیازها و علائق دانش‌آموزان هماهنگ است. این مطالعه پس از سه سال از تغییر کتاب‌های درسی زبان انگلیسی انجام پذیرفت. به نظر می‌رسد که ارزیابی کتاب‌های درسی به صورت منظم، باعث افزایش آگاهی برای انجام اصلاحات در طراحی کتب درسی خواهد شد.

ادامه مطلب در شماره آینده

خلیج فارس زیست اجتماعی و مدرسه

میزگرد دانش آموزان دختر
دبیرستان های بوشهر
گفت و گو: محمود اردوخانی
تنظیم: منیره همدانی

اشاره

دانش آموزان دختر دبیرستانهای استان بوشهر پر از تحرک و پویایی اجتماعی اند. دغدغه های آنها در خصوص درس و مدرسه و میهن و خلیج فارس واقعاً ستودنی است. به بوشهر سفر کردیم و پای صحبت هایشان نشستیم. دغدغه هایشان را صریح و بی پرده می گفتند اما در عین حال همان حجب و حیای بوشهری را، با احترام خاصی بکار می گرفتند. شما نیز با ما همراه شوید.

○ خانم طاهره پور حمزه، شما یک محیط زیست اجتماعی سالم را چه نوع محیطی می دانید؟

پور حمزه: مطلوب بودن روابط مردم با هم خیلی اهمیت دارد. مثلاً این اصلاً خوب نیست که چیزی را جلوی رویت بگویند، بعد پشت سرت یک رفتار و صحبت های دیگری داشته باشند. اگر مردم همان چیزی را که در ذهنشان هست انجام بدهند، به نظر من محیط زیست اجتماعی ما سالم خواهد شد.

○ خانم زهرا عابدی، شما فکر می کنید محیط زیست سالم اجتماعی چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

عابدی: به نظر من، ما نباید تنها به خودمان فکر کنیم، باید به دیگران هم فکر کنیم. مثلاً نباید هر کاری که دوست داریم در جامعه انجام دهیم، چون ممکن است مشکلی پیش بیاید. در مجموع باید حقوق دیگران را رعایت کنیم.

○ خانم قاسمی شما بگویید.

قاسمی: ما که در جامعه کنار هم زندگی می کنیم، هر کدام ایده آل هایی داریم که می کوشیم به آن ها برسیم. مثلاً من دوست دارم تحصیلاتم را ادامه بدهم. از طرف دیگر، چرا من آدم هایی را که دور و برم هستند، دوست دارم؟ برای این که آن ها به من کمک می کنند، نیازهایم را برطرف کنم. یعنی اگر آدم ها اطراف من نباشند، من نمی توانم نیازهایم را برطرف کنم. پس من باید سعی کنم، در حین این که دارم نیازهای خودم را برطرف می کنم و به ایده آل های خودم می رسم، حقوق آن ها را هم رعایت کنم. من با آن ها همراهی کنم تا آن موقع که بهشان نیاز دارم، آن ها هم همراه من باشند.

○ منظور تان رعایت حقوق شهروندی و رعایت حقوق انسان هاست. خانم پور حمزه، شما فکر می کنید برای رعایت حقوق دیگر شهروندان، محیط اجتماعی چه شاخصه ها و چه ویژگی هایی را باید به صورت پایه ای در خود داشته باشد؟ از کجا باید شروع شود؟

پور حمزه: خوب ببینید، اگر هر فردی در اجتماع انتظار احترام داشته باشد و بخواهد به او احترام بگذارند، خودش هم باید به دیگران احترام بگذارد. البته به نظر من آموزش این موضوع در خانواده خیلی مهم است. اگر کلاً اعضای خانواده حقوق هم را رعایت کنند، بچه ها یاد می گیرند که فردا در جامعه بزرگ تر هم حقوق بقیه را رعایت کنند. وقتی همه افراد حقوق یکدیگر را رعایت کنند، جامعه خیلی خوبی خواهیم داشت.

○ نقش آموزش و پرورش در این میان چه می تواند باشد؟

پور حمزه: نقش آموزش و پرورش هم خیلی مهم است. حتی گاه مهم تر از نقش خانواده هاست. یکی از دلایلی که شاید الان روابط اجتماعی سالم کمتر در دنیا دیده می شود، سالم نبودن آموزش و پرورش است. اگر دانش آموز در مدرسه حقوق دبیر را رعایت کند و دبیر هم حقوق او را رعایت کند، خوب دانش آموز یاد می گیرد که در جامعه حقوق دیگران را رعایت کند.

○ خانم زهرا عابدی نظر شما در مورد روابط دبیر و دانش آموز چیست؟

عابدی: دانش آموز دبیر را الگوی خود قرار می دهد و دبیر هر کاری کند او هم یاد می گیرد. به خاطر همین است که باید رابطه صمیمانه با هم داشته باشند. اگر دانش آموز دبیرش را دوست داشته باشد، این علاقه باعث می شود که به درسش با دقت گوش بدهد و از او خیلی تأثیر می گیرد. اساساً هر چه اخلاق تضعیف شود قانون گذاری و تعیین محدودیت و خط کشی بیش تر می شود که آن هم به علت سختی و سخت گیری شاید به درستی رعایت نشود!

○ نظر شما چیست خانم قاسمی؟

قاسمی: خوب در واقع ما در خانواده بزرگ می شویم. اخلاق در خانواده بنا می شود خانواده باعث می شود چیزهایی برایمان ارزشمند شود و باید ها و نبایدهایی را به ما یاد می دهد. این آمادگی باعث می شود که وقتی وارد جامعه می شویم، بلد باشیم که چه طور رفتار



اگر اعضای خانواده حقوق هم را رعایت کنند، بچه‌ها یاد می‌گیرند که فردا در جامعه بزرگ‌تر هم حقوق بقیه را رعایت کنند. وقتی همه افراد حقوق یکدیگر را رعایت کنند، جامعه خیلی خوبی خواهیم داشت

درسی، یک سلسله مطالب قطعی به دانش‌آموز تزیق کرده و باعث شده است دانش‌آموز بیشتر متنفر شود. در حالی که همین آموزش و پرورش می‌تواند نقش خیلی مهمی را ایفا کند. به نظر من، در هر زمینه‌ای مهم‌ترین نهاد در جامعه آموزش و پرورش است.

آموزش و پرورش حداقل می‌تواند همان کارهایی را که استان‌های دیگر انجام داده‌اند و باعث پیشرفتشان شده است، انجام دهد. مثالی بزنم. ما ۳۱ استان داریم. سال گذشته ۳۰ استان امتحانات نیم‌سال اولشان را تعطیل کردند، فقط استان بوشهر تعطیل نبود. نیم‌سال اول نمره‌های دانش‌آموزان عالی بود، اما نیم‌سال دوم همه افت شدیدی داشتند، چون بین دو نیم‌سال هیچ وقفه‌ای نبود. نکته دیگر این که در سایر جاها، وقتی زنگ کلاس است، کسی نمی‌رود مزاحم کلاس شود. ولی ما سر کلاس نشسته‌ایم، یکی می‌آید کلاس را متر می‌کند، یا مستخدم می‌آید کار دیگری دارد.

قاسمی: به نظر من، اگر بگوییم آموزش و پرورش برایمان کاری نکرده، واقعاً بی‌انصافی است. من دانش‌آموزم که این‌جا نشسته‌ام و درس می‌خوانم، از مشکلاتی که آن بالا هست خبری ندارم. اگر بخواهم مثلاً دوطرفه نگاه کنم، می‌بینم که در بعضی چیزها کم و کاستی داریم، ولی نمی‌دانم جاهای دیگر هم این کم و کاستی‌ها وجود دارند یا نه.

امتحانات در نوبت اول امسال خیلی برای دانش‌آموزان بد شد، ولی در این مورد هم بدون اطلاع از مسائل نمی‌توانیم قضاوت کنیم. **○** البته این که شما می‌گویید از یک نگاه درست است، اما از یک زاویه دیگر، ما نباید ببینیم که آموزش و پرورش چه مشکلاتی دارد. آموزش و پرورش موظف است بهترین برنامه‌ها و بهترین امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی را به کار بگیرد. پس ما نباید این دغدغه را داشته باشیم که آموزش و پرورش دارد یا ندارد. آموزش و پرورش باید توان داشته باشد و حتماً در جامعه ما این توان را دارد. چون ما از گذشته دارای تمدنی بزرگ و فرهنگی غنی هستیم و

کنیم. آموزش و پرورش هم نقش مکمل دارد. اگر آموزش و پرورش نباشد، وظیفه خانواده ناقص می‌ماند. دبیر، مدیر مدرسه یا کسانی که در مدرسه هستند و با دانش‌آموزان سروکار دارند، می‌توانند با رفتارشان برای ایشان الگوهای اخلاقی باشند و به آن‌ها کمک کنند. **○** خانم عابدی، به نظر شما بین محیط اجتماعی با محیط طبیعی چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟

عابدی: وقتی که محیط طبیعی خوب باشد، روی روحیه ما تأثیر مثبت دارد. سبب می‌شود رفتارهای انسان‌ها بهتر شود. البته وقتی محیط طبیعی واجد زیبایی‌ها نیست. وقتی در محیط اجتماعی با افراد بی‌بندوبار روبرو می‌شوی و برخورد می‌کنی، در روحیه‌ات تأثیر منفی دارد.

○ ببخشید، من نظر دختر خانم‌های جامعه بوشهر را می‌خواهم. می‌خواهم ببینم آیا خواهران و دختران ما در شهر بوشهر از وضعیت زیست اجتماعی و طبیعی‌شان راضی هستند؟ آن را مثبت می‌بینند یا منفی؟

پور حمزه: نه زیست اجتماعی را مثبت می‌بینند نه زیست طبیعی را. استان بوشهر از لحاظ طبیعت چندان غنی نیست که دلمان را به آن خوش کنیم. زیست اجتماعی هم در بوشهر این‌طور است که ما دختران را دست‌کم می‌گیرند و هنوز خیلی‌ها هستند که به اصطلاح قدیمی‌ها، دخترها را ضعیف به حساب می‌آورند. البته در کل دنیا روی زنان درست حساب نمی‌کنند، ولی خب این در بوشهر خیلی بیشتر است. به خاطر همین نگاه مردم به دخترها فرق می‌کند.

○ شکل‌گیری در نگاه و این فرهنگ، آموزش و پرورش چه نقشی داشته است؟

پور حمزه: آموزش و پرورش باید با توجه به این که ما مسلمان هستیم، نگاه واقعی اسلام را به مردان و زنانمان یاد بدهد و بگوید زنان چه نقش مهمی می‌توانند در جامعه داشته باشند. متأسفانه آموزش و پرورش تاکنون این کار را نکرده است. فقط در قالب کتاب‌های



بهترین جنبه نوروژ همان باهم بودن است. آن چه که در فرهنگ و جامعه ما وجود دارد و در جوامع غربی وجود ندارد، همین با هم بودن هاست که سبب می شود کینه ها را کنار بگذاریم و همگی به سراغ افراد خانواده و بزرگ ترها برویم

خدا و با دعای مخصوصمان آغاز می کنیم. این خیلی خوب است که سال جدید را با دعا آغاز کنیم. بهترین جنبه اش همین است.

○ خانم پور حمزه، روابط بین دانش آموزان چگونه است؟

پور حمزه: ارتباطشان خوب است. البته رقابتی که بین دانش آموزان وجود دارد، به خصوص دانش آموزان درس خوان، خیلی سالم است چون برای درس و آینده است.

قاسمی: بین دانش آموزان هم رقابت هست و هم نوعی رابطه عاطفی. خیلی با هم راحت هستند.

○ دغدغه ها و نگرانی های خانم پور حمزه چیست؟

پور حمزه: من بیشتر به خاطر کشورم دغدغه دارم. ما با فرهنگ و تمدن، و قدمت و گذشته ای که داریم، چرا باید الان جایگه مان این جا باشد؟

○ جایگاه ما کجاست؟

پور حمزه: ما زمانی از نظر علم از اروپایی ها جلوتر بودیم. هنگام جنگ های صلیبی، ما مسلمان ها کاغذ داشتیم، ولی اروپایی ها نمی دانستند کاغذ چیست. آن ها فرهنگ ما مسلمان ها را بردند و الان در کشورهای اروپایی خیلی از قوانین اسلام به طور غیرمستقیم دارد پیاده می شود، ولی در جامعه خودمان پیاده نمی شود. باید این قوانین را در کشورمان پیاده کنیم تا کشور به جایی برسد که آرزوی مردم جهان باشد. ما باید یک کشور صنعتی داشته باشیم و از لحاظ علم به درجات بالا برسیم.

بزرگ ترین دغدغه من این است که مردم و مسئولان باید دست به دست هم بدهند و این کارها را به انجام برسانند. این مردم هستند که مسئولان را انتخاب می کنند. اگر مردم سالمی داشته باشیم، خوب مسئولانمان هم سالم خواهند بود. وقتی که ما می بینیم مسئولی

تحصیل کرده های زیادی داریم. به علاوه جامعه مدیریت خوبی دارد. اگر مشکلاتی وجود دارد، نباید دغدغه شما باشد، باید دغدغه خود مسئولان آموزش و پرورش باشد.

من می خواهم از شما آخرین سؤالم را بپرسم که در مورد عید نوروژ است. عید نوروژ را همه دوست دارید و خیلی ویژه به آن می پردازید؛ هم به خاطر تعطیلاتش، هم به خاطر خریده ها، و هم دید و بازدیدها. می خواستم بپرسم مراسم شما در استان بوشهر برای نوروژ چیست و چه آداب و رسومی دارید که شاخص است و روی روابط اجتماعی تأثیر می گذارد. خانم قاسمی بفرمایید تا دوستان فکر کنند.

قاسمی: قشنگ ترین جنبه اش لحظه تحویل سال است که ممکن است هر ساعتی باشد. سفرهای می اندازیم که پر از چیزهایی است که به عنوان نماد قبولشان داریم. دور هم جمع می شویم، همدیگر را می بینیم، به هم توجه می کنیم و به هم تبریک می گوئیم. این کنار هم بودن به نظر من خیلی قشنگ است. دید و بازدیدها و تعطیلی ها هم که جای خود دارد.

عابدی: خب در ایام نوروژ تجدیدخاطره می شود. دانش آموز از تعطیلی خوشش می آید و بعد هم دید و بازدیدهایی که در خانواده انجام می شود، لذت بخش است. به این ترتیب، روابط خیلی صمیمانه تر می شوند. به نظر من نوروژ خیلی خوب است.

پور حمزه: همان طور که خانم قاسمی گفتند، بهترین جنبه نوروژ همان باهم بودن است. آن چه که در فرهنگ و جامعه ما وجود دارد و در جوامع غربی وجود ندارد، همین با هم بودن هاست که سبب می شود کینه ها را کنار بگذاریم و همگی به سراغ افراد خانواده و بزرگ ترها برویم. بالاترین جنبه اش این است که سال نو را با نام و یاد



اگر بخواهیم در زندگی پیشرفت کنیم، باید علم خود را در مورد مسائل دوروبرمان بیشتر کنیم. هر قدر زمان می‌گذرد، مسئولیت ما بیشتر می‌شود. ما باید مسائل زمانمان را بلد باشیم

قاسمی: آموزش و پرورش می‌تواند به ما کمک کند. یعنی یاور و کمک‌حال دانش‌آموز است.

من آموزش و پرورش را دوست دارم، اما همیشه به این موضوع فکر می‌کنم که آیا در مورد من و هم‌کلاسی‌هایم عدالت آموزشی رعایت می‌شود یا نه.

پور حمزه: به نظر من آموزش و پرورش نباید دانش‌آموزها را فقط برای درس خواندن پرورش دهد، بلکه باید آن‌ها را برای آدم‌شدن پرورش بدهد. نباید فقط یک‌سلسله درس را به دانش‌آموزان تزریق کنیم و از آن‌ها امتحان بگیریم. هر کسی هم ۲۰ شد، بگوییم آفرین چه بچه خوبی هستی! بیاییم ارزش‌های اخلاقی را ملاک قرار دهیم. آموزش و پرورش می‌تواند این کار را انجام دهد. متأسفانه به این موارد توجه ندارد.

ببینید، ما الان کتابی داریم به نام «دین و زندگی» که ما را به زندگی امیدوار نمی‌کند. این کتاب مطالب و کارهایی دارد که فکر نمی‌کنم دانستنش اهمیت داشته باشد. ما فقط مطالب و پیام‌ها و آیه‌ها را حفظ می‌کنیم و امتحان می‌دهیم که تأثیری روی زندگی و رفتار ما ندارد. در حالی که باید ما را به عمل وا دارد.

ما هنوز درست سنت پیامبر خودمان را نمی‌دانیم، قلمرو رسالتش را بدانییم که چه کار کنیم؟! به نظر من در درس‌های کتاب، موضوع‌هایی مثل ازدواج را می‌توان مطرح کرد که برای دانش‌آموزان مفیدند و تأثیر خوبی خواهند داشت. یعنی موضوع‌های درس‌های کتاب باید موضوع‌های امروز جامعه و دغدغه واقعی دانش‌آموز باشند. یعنی سنت عملی خانواده را از اسلام برایمان نقل کند.

به یاد دارم که در دوره راهنمایی تحصیلی، کتاب دینی‌مان بخشی داشت به نام احکام که همه بچه‌ها آن را دوست داشتند، چون

نادرست رفتار می‌کند، باید با او برخورد بکنیم. در کل این که مردم و مسئولان باید تلاش کنند ایران برسد به جایی که الان آمریکا، ژاپن و کشورهای غربی مثل انگلیس هستند؛ البته از لحاظ مثبتشان را می‌گویم. کلاً آرزو دارم اسلام در دنیا پیشرفت کند و به جایی برسیم که مسلمان نخواهد مطابق میل مسیحی رفتار کند، بلکه مسیحی خواهد مطابق میل مسلمان رفتار کند.

○ **متشکر م. دغدغه‌های شما خانم عابدی چیست؟**

عابدی: فعلاً درسم هست و باید بکوشم که به هدف‌هایم برسم. این بیشترین دغدغه من است.

○ **اهدافتان چیست؟**

عابدی: در آینده اگر خدا بخواهد، دکتر بشوم و در دانشگاه خوبی درس بخوانم. البته فقط دانشگاه‌های تهران که نه، هر دانشگاهی که خوب باشد.

○ **خب ان شاء الله که موفق باشید. دوستان دیگر بفرمایند.**

پور حمزه: دغدغه دیگری که من دارم، مربوط به شغل است. از لحاظ شغلی برای آینده من هیچ تضمینی وجود ندارد. در صورتی که من این همه سال درس خوانده‌ام، زحمت کشیده‌ام و به خودم سختی داده‌ام تا در آینده کار کنم و برای مملکت مفید باشم. وقتی کاری نباشد که انجام بدهم، وقتی میدان ندهند، خب قطعاً من از الان دچار نگرانی می‌شوم.

قاسمی: دغدغه‌های من هم به درسم مربوط می‌شوند. من به‌عنوان دانش‌آموز مسئولیت سنگینی دارم. نمی‌دانم آیا می‌توانم مسئولیت‌ها را به خوبی انجام دهم یا نه. آموزش چه می‌شود؟ به آن چه که دوست دارم می‌رسد یا نه؟

○ **نقش آموزش و پرورش در حل و فصل دغدغه‌های شما چیست؟**



بوده، کجا بوده، چه نوع سطح فکری داشته و از چه جایگاه علمی برخوردار بوده است. آیا فکر نمی‌کنید این پیش‌زمینه‌ها یا مقدمات برای همهٔ دروس لازم است؟ به خصوص برای کتاب دین و زندگی که ما باید بدانیم رسالت پیامبران چه بوده و چه گذشته‌ای داشته است. پورحمزه: قبل از این که ایشان جواب بدهند، من نکته‌ای بگویم. ببینید، از گذشتهٔ پیامبران هیچ مطلبی در کتابمان نیامده است. نمی‌دانیم قبل از بعثت چه کار می‌کردند. یعنی از زندگی نامهٔ پیامبران هیچ مطلبی نیامده است، مطالبی داریم که اهمیت چندانی ندارند. ما باید زندگی نامهٔ ایشان را بخوانیم تا رفتارهای عملی آن‌ها را بشناسیم و سرمشق قرار دهیم.

عابدی: به نظر من هم پیش‌زمینه‌ای لازم است، چون وقتی به موضوعی برمی‌خوریم، کنجکاو می‌شویم. انسان هم که ذهنش خیلی خلاق است، دوست دارد بفهمد که قبلاً چه‌طوری بوده که چیزی به‌وجود آمده است.

کلاً ما دانش‌آموزان دوست داریم مطالب را بفهمیم، نه این که همه را حفظ کنیم و در امتحان عین کلمات را پس بدهیم. دوست داریم روی برگهٔ امتحان آن را که خودمان یاد گرفته‌ایم بنویسیم و پیاده کنیم.

○ واقعاً دوست دارید یاد بگیرید؟

عابدی: بله واقعاً دوست داریم.

○ فقط زیست‌شناسی، ریاضی یا فیزیک را دوست دارید، یا علوم اجتماعی را هم دوست دارید؟

پورحمزه: ما علوم اجتماعی و تاریخ را هم دوست داریم، ولی در حدی که بفهمیم نه این که مطالب را حفظ کنیم. من خودم به تاریخ خیلی علاقه دارم و به عنوان تفریح می‌نشینم و تاریخ را روخوانی می‌کنم، ولی هیچ‌وقت مطالبش را حفظ نمی‌کنم. چون می‌بینیم فایده‌ای ندارد.

○ ان‌شاءالله که موفق باشید و در زندگی به چیزهای خوبی که می‌خواهید برسید و به جامعهٔ خودتان هم کمک کنید.

می‌گفتند موضوعی است که ما در زندگی روزانه با آن سروکار داریم. ولی بعضی درس‌های این کتاب خیلی سخت بودند.

امام خمینی (ره) و ائمه سخنانی برای یک جمعیت خاص گفته‌اند. همین سخن‌ها را برای ما در کتاب آورده‌اند و می‌گویند این‌ها را حتماً باید حفظ کنید. صد در صد در امتحان و کنکور می‌آید و سخت‌ترین سؤال‌ها از آن‌هاست. چرا باید این‌طور باشد؟ به نظر من توجه به این موضوع‌ها خیلی مهم است.

قاسمی: ایشان که هم‌چنین چیزی گفتند خوب آدم یک چیزهایی است ما به قول خودمان شما می‌گویید که ما حتی اسم پیامبران را هم درست نمی‌دانیم. به نظر من، اگر ما اسم پیامبران را ندانیم و ندانیم گذشته‌مان چه بوده است، نمی‌توانیم آینده‌مان را بسازیم. یعنی تاریخ اسلام و پیامبر (ص) به‌طور دقیق و عینی و ملموس برایمان گفته شود. آدم باید با استفاده از گذشته‌اش و با آگاهی از این‌که چه اتفاقی افتاده است، آیندهٔ خودش را پیش‌بینی کند.

از طرف دیگر، اگر چه بعضی درس‌های کتاب سخت هستند، ولی اگر بخواهیم در جامعه زندگی خوبی داشته باشیم، باید از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رشد کنیم. اگر بخواهیم در زندگی پیشرفت کنیم، باید علم خود را در مورد مسائل دوروبرمان بیشتر کنیم. هر قدر زمان می‌گذرد، مسئولیت ما بیشتر می‌شود. ما باید مسائل زمانمان را بلد باشیم.

آموزش و پرورش هم به نظر من مسئولیت سنگینی دارد. بعضی از مدرسه‌ها سخت‌گیری می‌کنند و بعضی از مدرسه‌ها سخت‌گیری نمی‌کنند. مدرسه باید کاری کند که سطح علمی کلاس بالا برود. در این صورت، دانش‌آموز ضعیف مجبور می‌شود خودش را بالا بکشد.

○ متشکرم. خانم عابدی با توجه به نظرات خانم پورحمزه و قاسمی نظر شما چیست. ما برای آشنایی با مسائل درسی، چه دین و زندگی، چه زیست‌شناسی، فیزیک یا ریاضی، به پیش‌زمینه و مقدمه‌ای نیاز داریم که بدانیم دانشمندی که این فرمول ریاضی را داده، کی

عوامل معنوی توسعه اقتصاد

مقاله

باب‌اله محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه معارف و علوم قرآن کریم تهران

چکیده

یکی از موضوعات اساسی در زمینه پیشرفت کشورها، اقتصاد آن‌هاست. لذا دانشمندان همیشه روی این موضوع چالش‌هایی را داشته‌اند. بنابر اهمیت اقتصاد، رهبر معظم انقلاب، «جهاد اقتصادی» را به عنوان نام سال جدید اعلام کرده‌اند. جهاد اقتصادی می‌تواند وجوه زیادی داشته باشد که یکی از آن وجوه، توسعه معنوی اقتصادی از نگاه قرآن است؛ چرا که کتاب آسمانی مسلمانان می‌تواند راهبردی‌ترین پیشنهادها را در این زمینه ارائه دهد. لذا در این مقاله ابتدا به تعاریف توسعه و مفهوم توسعه اقتصادی از نگاه دانشمندان، اسلام و قرآن پرداخته‌ایم و سپس راهکارهایی را که قرآن در زمینه توسعه معنوی اقتصادی (مانند: تأثیر تقوا در توسعه اقتصادی، انفاق، نفی ربا به عنوان عامل منفی در توسعه اقتصادی، و...) ارائه داده است، بیان کرده و شرح داده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اسلام، توسعه معنوی اقتصادی، جهاد اقتصادی، توکل، انفاق، زکات، ربا

توسعه و توسعه اقتصادی از نگاه دانشمندان

میلتون فریدمن: توسعه عبارت است از روندی خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در نظام اجتماعی، [Friedmann, 1972: 180].

پروفسور گونار میردال: توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک نظام یکدست اجتماعی به سمت جلو که با توجه به این حرکت، تغییراتی در سطح زندگی مردم به‌وجود آید [Myrdal, 1975: 182].

توسعه اقتصادی از نگاه اسلام

از دیدگاه و جهان‌بینی اسلام، توسعه اقتصادی جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، و به کمک فنون و روش‌های علمی پیشرفته، از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تأمین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان، استفاده بهینه صورت می‌گیرد [خلیلیان، ۱۳۸۴: ۶].

راهکارهایی را که قرآن در جهت توسعه اقتصادی لحاظ کرده است، می‌توان به دو دسته معنوی و مادی تقسیم کرد. در این مقاله عوامل معنوی را بررسی می‌کنیم.

عوامل معنوی توسعه اقتصادی

۱ تأثیر تقوا در توسعه اقتصادی

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» [اعراف/۹۶]. در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته است، زیرا برکات را به مجرای تشبیه کرده است که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد. باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارند. هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد می‌شود و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شوند. البته این هنگامی است که مردم به خدای خود ایمان آورند و تقوا پیشه کنند؛ وگرنه این مجرا بسته و جریانش بسته می‌شود [طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۸: ۲۱۰].

در ادامه آیه، علت بسته شدن درهای اقتصاد چنین بیان شده است: آن‌ها پیامبران را تکذیب کردند و ما آن‌ها را به کیفر معصیت‌ها، مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران، گرفتار و باران را از آن‌ها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آن‌ها دریغ داشتیم [طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۹۹].

«برکات» جمع «برکت» است. این کلمه در اصل به معنی «ثبات» و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار

بماند، اطلاق می‌شود [قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۹]. **ایمان و تقوا نه تنها به نزول برکات الهی می‌انجامند، بلکه باعث می‌شوند آن چه در اختیار انسان قرار دارد، در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود.** برای مثال، امروز ملاحظه می‌کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر «مسابقه تسلیحاتی» و ساختن سلاح‌های نابود کننده صرف می‌شود. این‌ها مواهبی هستند فاقد هرگونه برکت. به زودی از میان می‌روند و نه تنها نتیجه‌ای نخواهند داشت، بلکه ویرانی هم به بار می‌آورند. ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آن‌ها درمی‌آیند و طبعاً آثار آن‌ها باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود [تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۶۷].

شک نیست که در محیط مردم مؤمن و با تقوا، توجه به معنویت و ارزش‌های الهی که افکار جامعه را به خود معطوف کرده است، عامل مؤثری در خودداری از احتکار و ذخیره مواد غذایی، و ترجیح خود بر دیگران خواهد بود. به گونه‌ای که باعث می‌شود مردم قسمتی از مال خود را به عنوان کمک در اختیار دیگران قرار دهند. این اراده قوی سبب می‌شود که سستی و تنبلی نتواند آن جامعه را متزلزل کند و همه با هم در اقتصاد جامعه و پویایی و رشد آن بکوشند [اموسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰].

۲ توکل

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» [الطلاق/۳]. یکی دیگر از عوامل توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، «توکل» است. با وجود این مبنا در جامعه اسلامی، می‌توان کارهای بزرگی را با به‌کارگیری توان انسان‌ها انجام داد. توکل هم‌چون نیروی عظیمی است که در راه رسیدن به اهداف انسان نقش مهمی دارد.

«توکل» در اصل از ماده «وکالت» به معنی انتخاب وکیل گرفته شده است: «التَّوَكُّلُ: أَنْ تَعْتَمِدَ عَلَى غَيْرِكَ وَ تَجْعَلَهُ نَائِبًا عَنكَ» [راغب، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱: ۸۸۲]. توکل ثمره مستقیم توحید افعالی خداست، زیرا از نظر موحد، هر حرکت، کوشش، تلاش و جنبشی در جهان، بالاخره به علت نخستین این جهان، یعنی ذات خداوند، ارتباط می‌یابد. در واقع، موحد همه قدرت‌ها و پیروزی‌ها را از او می‌داند.

توکل کردن بر خدا مفهومی جز این ندارد که انسان در برابر مشکلات و حوادث زندگی، دشمنی‌ها و سرسختی‌های مخالفان، و

بن‌بست‌هایی که در مسیر خود به سوی هدف دارد، در جایی که توانایی گشودن آن‌ها را ندارد، او را وکیل خود سازد. به او تکیه کند و از تلاش و کوشش باز نایستد. حتی در آن‌جا هم که توانایی انجام کاری را دارد، باز مؤثر اصلی را خدا بداند؛ زیرا از دریچه چشم موحد، سرچشمه تمام قدرت‌ها و نیروها اوست [مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۳۶].

۳ انفاق

از جمله اعمال نیکی که برای خشنودی پروردگار انجام می‌یابد، «انفاق مال» است. انفاق از هرگونه خطر اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید خداوند متعال می‌شود، و می‌تواند یکی از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب قرآن کریم باشد؛ هم‌چنان که می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يَبْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ ... وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [بقره/۲۶۱].

این مثل در امثال ذرت و آفتاب‌گردان و نظیر آن‌ها وقوع خارجی دارد که واقعاً یک دانه مبدل به ۷۰۰ دانه، بلکه بیشتر تبدیل می‌شود. در سنبل گندم تا ۸۰ دانه شمرده شده است. «سبیل الله» معنای وسیعی است و نمی‌شود آن را به جهاد منحصر کرد [انجفی خمینی، ۱۳۹۸ هـ. ق، ج ۲: ۱۴۷]. حضرت امام جعفر صادق (علیه‌السلام) درباره تفسیر جمله «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» می‌فرماید: هرگاه بنده مؤمن احسانی بکند، خدای مهربان [ثواب] هر حسنه‌ای را که انجام می‌دهد، ۷۰۰ برابر قرار خواهد داد [قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۹۹].

۴ زکات

در قرآن، «زکات» به موارد متفاوت اعم از انفاقات واجب و مستحب اطلاق شده است. نقش زکات در توزیع و تعدیل ثروت بر کسی پوشیده نیست که خود این تعدیل، موجب توسعه اقتصادی می‌شود.

خداوند زکات را در آیات متعدد کنار نماز قرار داده و پرداخت آن را دلیل بر تقوا شمرده است. «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» [بقره/۴۳].

«وَأَتُوا الزَّكَاةَ» معطوف و امر ایجابی و مصدر آن «یتاء» است، به معنی پرداخت مقداری از مال به بینوایان است. «الزکاة» اسم مصدر، به معنی نمو و رشد و به‌طور مجاز بر سبب آن اطلاق می‌شود. زیرا اساس اصلاحات اجتماعی و انتظام امور زندگانی

ایمان و تقوا نه تنها به نزول برکات الهی می‌انجامند، بلکه باعث می‌شوند آن چه در اختیار انسان قرار دارد، در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود

جامعه، ایمان و مواسات طبقات مختلفه با یکدیگر، همانا شرکت بینوایان در سهمی از عواید اموال ثروتمندان می‌باشد و کوتاهی در انجام این وظیفه اصلاحی، سبب انحطاط اخلاقی و اختلال نظام زندگی عموم طبقات اهل ایمان و تفرقه آن‌ها از یکدیگر خواهد گردید [نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ق، ج ۱: ۲۹۲]. باید توجه داشت که «این دو عبادت (نماز و زکات) جامع‌ترین و بزرگ‌ترین برنامه برای انجام وظایف بندگی است. نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال می‌باشد، اگر با شرایط ظاهری و معنوی صورت بگیرد، و زکات برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع ابتلائات فقرا و مستضعفین و تهیه وسایل زندگی آنان است.» مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۳.

زکات می‌تواند دو اثر متقابل بر پس‌اندازهای خصوصی و سرمایه‌گذاری داشته باشد. گرفتن زکات سالانه از پس‌اندازهای خالصی (یا ثروت خالصی) که بیش از حد نصاب است، احتمالاً میل به مصرف را تقویت خواهد کرد. پس‌اندازکننده فردی ممکن است از خرج‌های گزاف رضایت بیشتری به‌دست آورد تا بدین وسیله از پرداخت زکات سالانه که پس‌انداز خالص او را کاهش می‌دهد، خودداری کند. بنابراین تابع مصرف به سمت بالا منتقل می‌شود (هر چند اصل حرکت اسراف تا حدودی جلوی برخی مصارف بالا را می‌گیرد).

اما زکات ممکن است عکس‌العملی کاملاً متفاوت در او به‌وجود آورد. ممکن است او برای جلوگیری از کاهش تدریجی ثروتش، ثروت خود را به منابع فعال واقعی تبدیل کند. هم‌چنین ممکن است تمایل او به سرمایه‌گذاری افزایش یابد [کَهف/ ۱۲۴]. به‌طور کلی، راه جبران در ماندگی‌های اقتصادی افراد و چالش‌های حکومت اسلامی و از مهم‌ترین راه‌های درآمد امام مسلمان‌ها و حکومت، خمس و زکات دانسته شده است.

۵ و با

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقْوَمُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...» [بقره/ ۲۷۵]. «(با) از کلمه «ربو» گرفته شده است، یعنی بیش از آن چه که داد، گرفت، آن چیز را افزون کرد [مهیار، بی‌تا: ۳۸].

به دنبال بحث دربارهٔ انفاق در راه خدا و بذل مال برای حمایت از نیازمندان، در آیات فوق از مسئلهٔ رباخواری که درست بر ضد انفاق است، سخن می‌گوید. زیرا رباخواری موجب افزایش فقر در جامعه و تراکم ثروت در دست عده‌ای محدود و محرومیت اکثر افراد اجتماع می‌شود. انفاق سبب پاکی دل، طهارت نفوس و آرامش جامعه، و رباخواری سبب پیدایش بخل، کینه و نفرت و ناپاکی است [مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۶۴-۳۶۵]. از نظر افراد کوتاه‌بین ممکن است ثروت به وسیلهٔ رباخواری زیاد شود، اما در پیشگاه خداوند چیزی بر آن افزوده نخواهد شد [پیشین] و این خود باعث فقر اقتصادی جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

قرآن راهکارهایی را که موجب توسعهٔ معنوی اقتصادی می‌شوند، بیان کرده است؛ راهکارهایی مانند توکل به خدا، تأثیر تقوا در توسعهٔ اقتصادی، انفاق و... افراد جامعه باید بتوانند با توجه به تفاسیر آیات که مفسران آن‌ها را بررسی کرده‌اند، و داشتن ایمان و اعتقاد به خدا و کتاب وحی، این راهکارها را در زندگی و جامعه به‌کار گیرند، تا در تمام مراحل زندگی به موفقیت دست پیدا کنند. این رشد و توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که جوامع اسلامی به خود متکی باشند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. حر عاملی، محمدبن حسن. وسائل شیعیه، دارالکتب الإسلامیه: تهران. بی‌تا.
۳. حسینی همدانی، سیدمحمد حسین. انوار درخشان. کتاب‌فروشی لطفی. تهران. ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. خلیلیان، محمدجمال. شاخص‌های توسعهٔ اقتصادی از دیدگاه اسلام. انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). ۱۳۸۴.
۵. فرهنگ اسلامی و توسعهٔ اقتصادی. انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). ۱۳۸۴.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه: دمشق (بیروت). ۱۴۱۲ ه.ق.
۷. طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات ناصر خسرو. تهران. ۱۳۷۲.
۹. قرشی، سیدعلی اکبر. احسن الحدیث. بنیاد بعثت. تهران. ۱۳۷۷.
۱۰. قاموس قرآن. دارالکتب الإسلامیه: تهران. ۱۳۷۱.
۱۱. مشکینی، علی. ترجمهٔ قرآن. انتشارات الهادی. قم. ۱۳۸۱.
۱۲. مصطفوی، حسن. تفسیر روشن. مرکز نشر کتاب. تهران. ۱۳۸۰.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. دارالکتب الإسلامیه: تهران. ۱۳۷۴.
۱۴. موسوی اصفهانی، جمال‌الدین. پیام‌های اقتصادی قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۸.
۱۵. مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی عربی - فارسی. [بی‌جا]. [بی‌تا].
۱۶. نجفی خمینی، محمدجواد. تفسیر آسان. انتشارات اسلامیه. تهران. ۱۳۹۸ ه.ق.
۱۷. نظری سهراب و موسوی حبیب. توسعهٔ اقتصادی و برنامه‌ریزی. نشر روشن. تهران. ۱۳۷۸.
18. Friedmann. g. in Growth center in Regional Economic Development. ed. n. mHansen. 1972.
19. Myrdal, Gunnar (AGAINST THESTREAM) Critical essays ON Economics the Macmillan press London. 1975.
20. Kahf, M. (1973). "A Contribution to the Study of the Economic of Islam", Utoh, USA Univ of Utoh, S.L.C.

نگارنو به کردشکر اجتماع

مقاله

دکتر احمد کلاه‌مال همدانی
مدرس دانشگاه

عکاس: هانف همای

۲۶

پند آفرین
دوره ۱۵
شماره ۳
چهار ۱۳۹۱

مقدمه

یکی از مسائل مهم امروز جهانیان، اتمام و یا از بین رفتن منابع تجدیدناپذیر است. به همین دلیل استفاده از منابعی چون نفت بسیار محدود شده است از این رو کشورهای متکی به درآمدهای نفتی با (تولید کمتر نفت خام) در فکر تحصیل درآمد از سایر منابع و به شیوه‌های نوین‌اند. از جمله این شیوه‌ها، توجه به میراث فرهنگی و طبیعی محیط انسانی و به‌طور کلی گردشگری و اکوتوریسم است.

باید توجه داشت که وقتی سخن از صنعت گردشگری می‌شود، تمامی عوامل، اسباب، لوازم و مسائل مربوط به گردشگری مدنظر قرار دارد. یکی از مواردی که در امر گردشگری بسیار مهم است، رسیدگی به اماکن قدیمی و فراهم کردن محیطی مناسب، در دسترس و راحت برای گردشگران است. مناطق قدیمی و باسابقه‌ای چون اصفهان، لرستان، جیرفت و کرمان، ری و تهران قدیم، و... می‌توانند از اماکنی باشند که اگر بدان‌ها توجه شود، قطب‌های بزرگ صنعت گردشگری ایران خواهند بود. این مناطق بسیاری از ارزش‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و طبیعی کشور ما و بلکه جهان اسلام را در خود جای داده‌اند. اهمیت این امر بدین سبب است که در دل این مناطق، مهم‌ترین مراکز تجمع انسانی که حامل ارزش‌های انسانی در طول تاریخ هستند، به کثرت و تنوع چشم‌گیر و هیجان‌انگیزی وجود دارند. هر کدام از این مناطق در سطوح جهانی به عنوان میراث طبیعی، فرهنگی و اجتماعی دارای ارزش‌های پایداری است که انسان را به فطرت الهی‌اش ارجاع می‌دهد و می‌تواند امروزه دستمایه هدایت انسان به جامعه آرمانی و مطلوب انسان شود. به همین سبب این نوشتار از منظری جامعه‌شناختی به موضوع نوین گردشگری اجتماعی پرداخته است، اما نگرش نگارنده و تعبیر او از گردشگری اجتماعی بسیار فراتر از آن است که امروز به عنوان گردشگری اجتماعی مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اکوتوریسم، گردشگری اجتماعی، تبادل و تعارف، الگوهای

گردشگری



بیان مسئله

نسبت به این مهم توجه صورت نمی‌گیرد و نهایتاً چگونه می‌توان این ارزش‌های والا را بازتولید کرد؟ گردشگری اجتماعی یکی از راه‌هایی است که می‌تواند ما را به هویت اساسی و اصلی خود رهنمون باشد.

چارچوب و مفاهیم نظری تعریف گردشگری

گردشگری خصلت بین‌رشته‌ای دارد و به همین سبب با توجه به نگرش‌های متفاوت، تعاریف بسیاری از آن ارائه شده است. در تعاریف اولیه بیشتر بر بعد فاصله تأکید می‌شد و گردشگران بر مبنای فاصله‌ای که از محل مسکونی داشتند، طبقه‌بندی می‌شدند. در بعد جغرافیایی، گردشگری زمانی از فعالیت گذران اوقات فراغت یا تفریح تعریف می‌شد که مستلزم غیبت شبانه از مکان مسکونی عادی است [Skinner, ۱۹۹۹:۲۸۰]. از بعد اجتماعی نیز تعریف گردشگری، فصل مشترک بین زندگی عادی ساکنان بومی و زندگی غیرعادی گردشگران را دربرمی‌گیرد [Barnard, ۱۹۹۶:۵۵۲].

بعضی از تعاریف نیز کوشیده‌اند هم‌پوشی عوامل مختلف را در توصیف گردشگر در نظر گیرند. به گونه‌ای که کولتمن در تعریف خود بعد فاصله و جنبه‌های اقتصادی را مدنظر دارد. او گردشگری را مسافرتی کوتاه‌مدت که از نقطه‌ای شروع و در نهایت به همان نقطه بازمی‌گردد و در طول مسافرت براساس یک برنامه و سفر خاص، از مکان‌ها و جاهای متعدد دیدار می‌شود و مبالغ زیادی که گردشگران ارز خرج می‌کنند، عاید کشور میزبان می‌شود، تعریف کرده است [Miciel, ۱۹۸۹:۳]. هم‌چنین در تلاشی دیگر، با در نظر گرفتن بعد تجربه و انتخاب آگاهانه و از روی اختیار، گردشگری مسافرتی داوطلبانه و موقتی که به علت بهره‌گیری از چشم‌اندازهای تازه و تجربیات جدید در یک سفر نسبتاً طولانی شکل می‌گیرد، تعریف شده است [Monely, ۱۹۹۰:۴]. همراه با تقسیم‌بندی مسافرت‌ها، نگرش کل‌نگر در چارچوب مطالعات نظام‌مند، همه‌اجزای گردشگری، کارکردها و ساختارهایش را در ارتباط با هم و شیوه‌هایی که تحت تأثیر قرار داده است یا تحت تأثیر قرار می‌دهد و اشکال و عوامل مرتبط با آن، مورد مطالعه قرار داده است [Barnard, ۱۹۹۶:۵۵۸]. گردشگری در این چارچوب چنین تعریف می‌شود: «گردشگری مجموع پدیده‌ها و ارتباط‌های ناشی از کنش متقابل میان گردشگران، سرمایه، دولت‌های میزبان، جوامع میزبان، دانشگاه‌های جامعه و سازمان‌های غیردولتی، در فرایند جذب، حمل‌ونقل، پذیرایی و کنترل این گردشگران و دیگر بازدیدکنندگان است» [Weaver, ۲۰۰۳:۲].

از دیگر تعاریف گردشگری می‌توان به تعاریف فنی اشاره کرد که توسط «سازمان جهانی گردشگری» (WTO) ارائه شده‌اند. این تعاریف براساس تمایز قائل شدن در رویکرد به مکان بازدید، تقسیم‌بندی را پیرامون گردشگری در ابعاد مختلف انجام داده‌اند که به این صورت است [WTO, ۱۹۹۳:۱-۱۰]. «گردشگری عبارت از است از فعالیت‌های افرادی که برای استراحت، کار و دیگر دلایل به خارج از محیط سکونت معمول خویش سفر و حداکثر برای یک سال متوالی در آنجا اقامت می‌کنند».

مناطق گوناگون ایران اسلامی از قدمت دیرینه‌ای برخوردارند. در این سرزمین کهن می‌توان آثاری از دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی اسلام و معاصر مشاهده کرد که نمونه‌هایی بسیار ارزشمند از میراث فرهنگی و طبیعی را در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی در خود جای داده‌اند. هر کدام از این آثار واجد ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی هستند و نمادهایی از حرکت به سوی جامعه‌آرمانی و ایده‌آل انسانی در آن‌ها متجلی است.

از این گذشته، مهندسی این مناطق مبتنی بر الگوهای امنیتی است؛ روستاهایی قلعه‌ای که چندین قلعه را در خود نهان داشته و یا زاغه‌هایی که سرپناه مردم هنگام خطر بوده‌اند. به خصوص در آثار دوران مغول در این مناطق، کارکردهای امنیتی-اجتماعی به روشنی به چشم می‌آیند. به نظر می‌رسد که بافت اجتماعی-فرهنگی این مناطق برگرفته از سنت رایج در دوره‌های گوناگون است. اما این بافت‌های بسیار ارزشمند در حال نابودی هستند و مدرنیته بی‌رحم دست‌اندر کار بی‌هویت کردن مناطق و از بین بردن کارکردهای متنوع آن‌هاست. برای احیای این مناطق، باید کارکردهای اجتماعی آن‌ها را جست‌وجو و احیا کرد. اما مسئله این‌جاست که از چه راه‌هایی می‌توان این هویت از دست‌رفته را بازسازی کرد و با توجه به واقعیات امروزین جامعه، کارکردهای اجتماعی گذشته را بازتولید و احیا نمود. در واقع نباید اجازه داد که عناصر هویتی مناطق از بین برود.

به این منظور لازم است آن‌چه را که باقی مانده، احیا کرد تا بتوان قبل از گم‌گشتگی هویت شهری و روستایی این مناطق ممانعت به عمل آورد. روشن است اگر به این مناطق حساس که پرتحرک‌ترین بخش اکولوژی و زیست‌اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند، توجه نشود، خسارات متعدد و جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد. تاکنون این مناطق از منظر اکوتوریسم و جاذبه‌های اجتماعی کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، در حالی که با احیا فرهنگ و اجتماعیات بازگشت به خویش‌خویش می‌توان زندگی بهتری را سامان داد و میزان بهره‌وری را افزایش داد تاریخ و جغرافیای اجتماعی این مناطق می‌باید با شناخت متغیرها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی شناسایی و تدوین شود و این میسر نیست مگر آن‌که کارکرد این آثار طبیعی و فرهنگی را بازتولید کرد و متناسب با زندگی امروزین، بدون آن‌که خدشه‌ای به زیربنایها وارد شود، احیا کرد.

در جغرافیای فرهنگی و زیستی سرزمین ما، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، زیستی و فناوریانه فراوانی نهفته است که اگر به درستی بازشناسی و بازتولید شوند، پیشرفت واقعی برای بشریت حاصل می‌شود. اما سؤال این است که چگونه؟ به باور ما، گردشگری اجتماعی می‌تواند با یادآوری عملی کارکردهای اجتماعی بافت‌های قدیمی و فرسوده مناطق، در قالب گشت‌های اجتماعی، به بازتولید اجتماعیات گذشته و روزآمد کردن آن‌ها بر حسب مقتضیات زمانی کمک فراوانی کند. به راستی چرا

به‌طور کلی، گردشگری را می‌توان بر مبنای عوامل متفاوتی تعریف کرده و در بررسی آن، از این تعاریف استفاده کرد. ولی پیرامون این تعاریف باید در نظر داشت که گردشگری صرفاً پدیده‌ای یک‌بعدی نیست که در تعاریف خطی قابل بحث باشد، بلکه در برگزیده ابعاد بسیاری در زمینه‌های گوناگون هم‌چون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظیر این‌هاست. هم‌چنین، عوامل دیگری مانند طول مدت اقامت، وسیله سفر، مقاصد، تقاضا و نظیر این‌ها نیز باید در تعریف گردشگری مدنظر قرار گیرند.

تعریف گردشگری اجتماعی

گردشگری اجتماعی نیز می‌تواند تعاریف گوناگونی داشته باشد. گفته‌اند: گردشگری اجتماعی فصل مشترک بین زندگی عادی ساکنان بومی و زندگی غیرعادی گردشگران را دربرمی‌گیرد، اما تعبیر ما از گردشگری اجتماعی بر سه پایه استوار است:

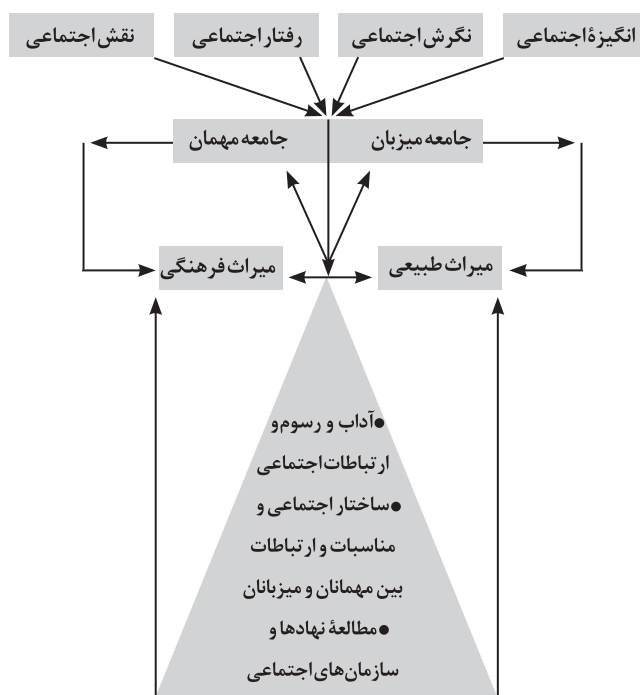
● نخست، شناخت میراث طبیعی و فرهنگی ما از منظر تأثیراتی که بر روابط اجتماعی می‌گذارند، و نیز آداب و رسومی که برخاسته از شرایط ویژه طبیعی و فرهنگی هستند. برای مثال، تقسیم آب و نظام آبیاری در روستا و شهر در جوامع گوناگون دارای روش‌ها و مقیاس‌های متفاوتی است. این تقسیمات مبتنی بر شرایط طبیعی هستند؛ یعنی تفاوت‌های اساسی در تقسیم آب بین مناطق کویری و خشک و بیابانی، و مناطق معتدل و مدیترانه‌ای. این تفاوت‌ها بدون تردید برخاسته از شرایط طبیعی هستند. بنابراین مشاهده می‌شود که تقسیم آب از یک سو مبتنی بر شرایط طبیعی و از سوی دیگر مبتنی بر آداب و رسوم، ارتباطات، و ساختار و ترتیبات اجتماعی است.

● دوم، مطالعه ساختار اجتماعی و مناسبات و ارتباطات بین میهمانان و میزبانان است که گردشگر به اکتشاف انگیزه‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌ها اقدام می‌کند و درصدد یافتن و شناخت این عوامل به صورت مستقیم و در یک ارتباط اجتماعی فشرده است. طبیعتاً این گونه گردشگری از جنبه تفریحی صرف خارج می‌شود و لذت اجتماعی را در قالبی علمی ارائه می‌کند که با روح کنجکاوی و براساس مشاهده عمیق اجتماعی شکل می‌گیرد.

● سوم، گردشگر اجتماعی به مطالعه نهادها و سازمان‌های اجتماعی جامعه میزبان علاقه نشان می‌دهد و برای او هنجارها و ارزش‌های سازمانی متفاوت جذابیت دارند. به عبارت دیگر، نهادها و سازمان‌های اجتماعی بر گردشگر تأثیر می‌گذارند و از او تأثیر می‌پذیرند. یعنی رابطه متقابل بین نهاد اجتماعی و گردشگر شکل می‌گیرد. طبیعتاً چون انگیزه‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌های اجتماعی در جوامع گوناگون تفاوت دارد، گردشگر برانگیخته می‌شود تا برای خود و سازمان اجتماعی‌اش دست به انتخاب بزند و یا از آن برای ایجاد یک مدل مختار اجتماعی استفاده کند.

باتوجه به این پایه‌ها، تعریف گردشگری اجتماعی عبارت خواهد بود از: «مشاهده اجتماعی عمیق گردشگر در زمینه آداب و ترتیبات اجتماعی برخاسته از میراث طبیعی و فرهنگی، مطالعه ساختار اجتماعی، و مناسبات و ارتباطات اجتماعی و هم‌چنین، روابط نهادها و سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و با گردشگر، در طول زمانی فشرده و درک تفاوت‌های اجتماعی موجود برای دستیابی به مدل اجتماعی مختار جامعه میهمان.» ارتباط این مفاهیم را می‌توان در «مدل مفهومی و مختار گردشگری اجتماعی» مشاهده کرد.

مدل مفهومی و مختار گردشگری اجتماعی



معیارهایی به عنوان پایه‌های اساسی این مفهوم در نظر گرفته شده‌اند:

● ابتدا این که گردشگری اجتماعی صرف‌نظر از موقعیت‌های مالی و جغرافیایی، حقوق اساسی همه را شناسایی می‌کند و می‌خواهد که افراد از کار رها شده و تعطیلات داشته باشند. این امر منعکس‌کننده رابطه بین توان استفاده، دسترسی به تعطیلات و قیمت منطقی که افراد توان پرداخت آن را دارند.

● دوم این که گردشگری اجتماعی اهمیت فراغت و تعطیلات را به عنوان یک موقعیت استثنایی در توسعه فیزیکی و فرهنگی افراد، ارتقای سطح اجتماعی افراد و اتحاد و درهم‌آمیختگی با جوامع کارگری به جای جوامع بزرگ مطالعه می‌کند.

● سوم این که استفاده از این گردشگری به یک ابزار توسعه اقتصادی و وسیله‌ای برای مدیریت و ارتقای سرزمین ملی و به‌طور هم‌زمان، حفظ و نگهداری محیط طبیعی و انسانی مناطق مقصد که امروزه غالباً «توسعه پایدار» نامیده می‌شود، تبدیل شده است.

در کشورهای با استاندارد بالای زندگی گذشته، گردشگری اجتماعی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره ظهور بعد از جنگ جهانی دوم، دو دهه رشد بسیار قوی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، و یک دوره ادغام فرصت‌ها، مشارکت‌ها و پرس‌وجو، ارزیابی دوباره و تعیین دوباره اهداف و مفاهیم اساسی که به صدور «بیانیه مونترال» در کنگره «Bureau International du Tourism social» منجر شد و منشور جدید گردشگری اجتماعی شکل گرفت. این منشور، جهانی شدن گردشگری اجتماعی و گسترش حرکت از کشورهای اروپایی را

(فرانسه، بلژیک، ایتالیا، پرتغال و سوئیس) که از آن‌ها آغاز شده بود، به سمت آمریکا، به‌ویژه کشورهای صنعتی کانادا، ایالات متحده و کشورهای در حال توسعه مانند مکزیک، قانونی کرد. منشور مذکور، سازمان‌ها و قوانین زیادی برای گردشگری اجتماعی مشخص کرد؛ مانند تسهیلاتی که در زمینه‌های جغرافیایی و سیاسی مرتبط همراه با بین‌المللی شدن این پدیده به وجود آمده‌اند.

سیاست‌های گردشگری اجتماعی معمولاً بنا بر درگیری استان، گروه‌های جوامع محلی و اتحادیه‌های کاری متفاوت هستند. این سیاست‌ها به اولویت راه‌های گوناگون کمک به افراد اهمیت می‌دهند (حمایت‌های مالی ارائه شده به افراد برای تعطیلات، مانند حمایت از تعطیلات سالم و بی‌خطر، یا تأمین هزینه‌های تعطیلات در سوئیس و فرانسه). به‌علاوه سیاست‌ها مزبور به تهیه زیرساخت‌های اساسی نیز اهمیت می‌دهند؛ به‌خصوص اقامتگاه ویژه، اقامتگاه برای خانواده‌ها و انجمن‌ها، دهکده‌های تعطیلات، اردوگاه‌ها، هتل‌های جوانان و انواع دیگر. در کشورهایی که بیشتر به انجام این سیاست متعهد هستند، اقدامات اخیر در ایجاد تأسیسات مهم اقامتی مقاصد که توسط اتحادیه‌های حقیقی کاری اداره می‌شوند، نتیجه‌بخش خواهد بود. در فرانسه این اتحادیه‌ها راهنمایان خوبی برای گردشگری اجتماعی هستند.

فضاهای گردشگری اجتماعی

گردشگری بی‌تردید وابسته به مکان، فضا و زمان است. گردشگران اجتماعی نیز می‌باید مکان‌هایی را برگزینند که به لحاظ عوامل اقلیمی، ژئومورفولوژیک، زیست‌محیطی و پدیده‌های



اجتماعی، فرهنگی و انسانی مناسب باشند تا بتوانند از آن‌ها بهره و استفاده لازم را ببرند و به هدف خود نزدیک شوند. همچنین است شرایط زمانی که عوامل فوق‌الذکر بر زمان نیز تأثیرگذارند. گردشگر می‌باید با توجه به روابط و تعاملات اجتماعی، زمانی را برگزینند که در آن رفتارها و آداب و رسوم اجتماعی ظهور و بروز داشته باشند تا به شناخت آنان و درک الگوی مختار اجتماعی کمک کند و بتوانند از آن بهره و استفاده لازم را ببرند و به هدف خود نزدیک شوند.

در این نوشتار پژوهشی، کارکرد اجتماعی ابنیه‌ها مطرح نظر قرار گرفته است و هفت حوزه خانه‌ها، بناهای خدماتی، بقاع متبرکه، موزه‌ها، میراث طبیعی، بناهای اقتصادی و مکان‌های اجتماعی بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، میراث فرهنگی و طبیعی از منظر کارکردهای اجتماعی بررسی می‌شوند. کارکردها به دلیل شرایط اجتماعی و تغییرات فناورانه دگرگون شده‌اند، اما اساس آن‌ها باقی است و تنها ابزارها و اشکال آن‌ها دگرگون شده‌اند. یعنی فلسفه و هدف‌های اجتماعی بناها به دلیل ثبات ذاتی باقی است، اما به دلیل تغییرات حاصل از شرایط مذکور، می‌باید باز تولید کارکرد تحقق پذیرد و این میسر نیست مگر آن که تلفیقی نوین با حفظ زیرساخت‌ها در رفتارهای اجتماعی و کارکردهای آن فراهم شود. لذا نوشتار پژوهشی حاضر با نگرش و رویکرد اکتشافی به بررسی متغیرهایی خواهد پرداخت که کارکرد امروزی داشته باشند.

لازم است بدانیم که کارکردهای ابنیه‌های جدید و قدیم در حوزه اجتماعیات به موارد زیر قابل تقسیم هستند:

۱ خانه‌های قدیمی و سنتی و کارکردهای اجتماعی آن‌ها؛

۲ ابنیه خدمات شهری، هم‌چون دارالشفاه، بیمارستان‌ها،

اورژانس، انجمن‌های خیریه و مراکز آموزشی ویژه؛

۳ اماکن و بقاع متبرکه هم‌چون امام‌زادگان، حسینیه‌ها، مساجد

و سقاخانه‌ها؛

۴ کارکرد موزه‌ها و گنجینه‌های منطقه؛

۵ کارکردهای اجتماعی میراث طبیعی هم‌چون چشمه، قنات،

حوض‌خانه، بادگیر و...؛

۶ کارگرد اجتماعی ابنیه اقتصادی هم‌چون بازارها، تیمچه‌ها،

بازارهای هفتگی و محلی؛

۷ اماکن اجتماعی هم‌چون میدان‌گاه‌ها، چاله‌های بزرگ،

قهوه‌خانه‌های تاریخی و سنتی.

توضیح آن‌که هر یک از موارد هفت‌گانه فوق دارای فلسفه و کارکرد اجتماعی است که در حال حاضر یا از بین رفته یا در حال افول است و با تحریف شده و بازتولید آن با زیرساخت‌های فکری غربی انجام شده است. می‌دانیم که هر کدام از این موارد دارای متغیرهایی است که کارکرد اجتماعی داشته‌اند. برای مثال در اماکن اجتماعی هم‌چون میدانگاه‌ها، کارکردهایی چون استراحت، تفریح، بحث‌های سیاسی، معاملات اقتصادی، صلۀ رحم جمعی، دعوا و... وجود داشته است. اکنون با الهام از این فضاها می‌توان در قالب برنامه‌ها و ایستگاه‌های گردشگری، برخی از کارکردهای اجتماعی هم‌چون تفریح، بحث‌های اجتماعی و حل و فصل مرافعات اجتماعی را آموزش داد. بنابراین متغیرهایی انتخاب می‌شوند که قابلیت احیا و بازسازی داشته باشند.



اصول گردشگری اجتماعی

برای پاسخ به سؤال اطلاعات لازم را به صورتی روشمند گرد می آورد و اطلاعات را پردازش می کند. به تحلیل و یا تعلیل پدیده‌ها بر مبنای اطلاعات کسب شده می پردازد و سپس پاسخ مناسبی برای حل مسئله به دست می آورد. این درست همان مراحل تحقیق است که معمولاً هر پژوهشگر آگاهی بدان عمل می کند. بنابراین، هدف این الگو «پرورش افراد مستقل است که در کاوشگری علمی مشارکت فعال داشته باشند و در خود نظم عقلانی و مهارت‌های لازم برای ایجاد سؤال و تحقیق برای پاسخ به آن‌ها را مبتنی بر کنجکاوی خود به وجود آورند.»

مراحل اجرای این الگو برای گردشگری علمی (محیط‌شناسی جغرافیایی) به شرح زیر طبقه‌بندی می شود:

- ۱ **مواجهه با پدیده و مسئله یابی:** در این مرحله اقدامات زیر انجام می شوند:
 - قرار گرفتن در نقطه‌ای مرتفع برای داشتن چشم‌اندازی گسترده؛
 - کنجکاوی در یافتن پدیده‌های گوناگون اعم از انسانی، اقتصادی و طبیعی؛
 - دیدن پدیده‌ها در کنار یکدیگر و طرح سؤالاتی مبتنی بر چرایی؛
 - توضیح مقدماتی پدیده‌ها؛
 - معرفی پدیده‌های ناهم‌خوان با محیط.
- ۲ **گردآوری داده‌ها - شناخت رویدادها:** در این مرحله اقدامات زیر انجام می شوند:

۱ **اصل باز آفرینی:** گردشگری اجتماعی، ترکیبی از نگرش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی است که در ارتباطات انسانی-میدانی هویدا و باز آفرینی می شود.

۲ **اصل بازشناسی و بازاندیشی:** دو عامل حرکتی (سفر به مقصد) و ایستایی (اقامت)، در گردشگری اجتماعی بسیار مهم تلقی می شوند، حرکت برای بازشناسی و ایستایی برای تفکر.

۳ **اصل تفاوت‌ها:** گردشگری اجتماعی فعالیتی است که خارج از محل سکونت و کار انجام می گیرد و نمایانگر تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی است. بنابراین با امور مردمی که در آن مقصد زندگی می کنند، متفاوت است.

۴ **اصل میدان گردشی:** گردشگری اجتماعی فعالیت روزانه بازدیدکنندگان و گردشگران برای شناخت ویژگی‌های جامعه شناختی است که به مثابه یک میدان گردشی تلقی می شود.

۵ **اصل بازار اجتماعی:** در صنعت گردشگری اجتماعی، کالا و خدمات، روابط اجتماعی و محصولات فرهنگی است که از طریق بخش‌های دولتی و خصوصی ارائه می شوند و بازار شورانگیزی دارد.

۶ **اصل اثربخشی اجتماعی:** گردشگری اجتماعی یک فعالیت کاملاً خنثا نیست و اثرات مثبت و منفی بر جامعه بر جای خواهد گذاشت.

۷ **اصل تبادلات و تعارفات:** در گردشگری اجتماعی از طریق ارتباطات درون گروهی، شناخت متقابل ایجاد می شود.

هفت اصل یاد شده زیربنای تعریف گردشگری را تشکیل می دهند، اما به تعاریف و توضیحات بیشتری هم احتیاج داریم که برای درک بیشتر مفهوم گردشگری و ساختار کلی آن، در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

روش پژوهش و الگوهای گردشگری اجتماعی

این پژوهش به لحاظ هدف، توصیفی - کاربردی و به لحاظ روش، میدانی - اکتشافی بود. ابزار گردآوری اطلاعات نیز مشاهده نامه و مصاحبه عمیق با شهروندان آگاه و خبرگان محلی بود. جست‌وجوی علمی ما نشان داد که بیش از ۲۰ الگوی علمی را می توان در حین گردش و بازدید از مناطق و چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی به کار برد. تلاش می کنیم تنها چهار الگو را تبیین کنیم و ارتباط آن‌ها را با گردشگری اجتماعی روشن سازیم و در سایر موارد، علاقه‌مندان را به منابع ذی ربط ارجاع می دهیم.

الف) الگوی کاوشگری

این الگو برای ایجاد و تقویت تفکر علمی در فراگیرندگان به وجود آمده است. مبنای الگوی کاوشگری، اندیشه مسئله‌یابی است. کسی که دارای تفکر علمی است، کنجکاوی و حساسیت خاصی نسبت به پدیده‌های انسانی و طبیعی دارد و تمایل بسیاری برای شناسایی دقیق پدیده‌ها از خود نشان می دهد. ذهن مسئله‌یاب نخست سؤال می کند.



- پاسخ به سؤالات گردشگران برای تأیید ماهیت پدیده‌ها؛
 - پاسخ به سؤالات گردشگران در تأیید موقعیت پدیده‌ها؛
 - تعیین پدیده‌ها به‌عنوان متغیرهای بازدید؛
 - تبیین روابط علی و فرضیه‌سازی برای پدیده‌ها.
۳. سازمان‌دهی توضیحات: در این مرحله اقدامات زیر انجام می‌شوند:
- منظم کردن توضیحات بر مبنای اولویت سؤال‌ها؛
 - تجربه و آزمون پدیده‌ها به منظور پاسخ به فرضیه‌ها.
۴. تحلیل جریان کاوشگری: در این مرحله اقدامات زیر انجام می‌شوند:
- سازمان‌دهی محتوا بر مبنای هدف و نتیجه؛
 - تحلیل راهبردهای کاوشگری و توسعه مهم‌ترین راهبردها؛
 - مدل‌سازی از راهبردها.

ب) الگوی تلفیقی

الگوی تلفیقی در علوم، به منظور سوق دادن چند دانش برای کاربردی کردن آن‌ها به‌کار گرفته می‌شود و در جهت پیدا کردن روابط علوم و حل مشکلات زندگی در حوزه تلفیق علوم و جامعه در تصمیم‌گیری‌های متفاوت سیاسی-اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در این علوم ارتباط متقابل علم و جامعه در نظر گرفته می‌شود و رویکردی کاملاً تلفیقی دارند؛ با این استدلال که علوم مجزا

از هم دربرگیرنده مسائل محیطی نیستند، بلکه باید محیط طبیعی را با مسائل زندگی در آمیخت تا بتوان در اداره محیط زندگی به صورتی کاربردی عمل کرد. از این الگو می‌توان برای شیوه‌های علمی بازدید بهره جست. مراحل این بازدید با عنایت به مختصات شیوه تلفیقی در موارد زیر خلاصه می‌شوند:

- شناسایی مسائل مربوط به امور محلی؛
- استفاده از منابع محلی برای تهیه اطلاعاتی که در حل مسئله مورد استفاده قرار می‌گیرند؛
- درگیری فعال گردشگران برای جست‌وجوی اطلاعات؛
- تمرکز روی اطلاعاتی که از برخورد فرد با محیط به دست می‌آیند؛
- تأکید زیاد بر مهارت‌های فرآیندی، همان‌گونه که این مهارت‌ها را دانشمندان به‌کار می‌گیرند؛
- تبیین نقش‌های مختلف به ویژه نقش شهروندی؛
- در ضمن، توجه به نکات زیر نیز ضروری است:
- محتوا، تجربه‌هایی است که بازدیدکنندگان به دست می‌آورند.
- گردشگر هر قدر که بیشتر یاد می‌گیرد، باید کنجکاو تر شود.
- مربی گردشگری باید منبع راهنما تلقی شود.
- پرسش‌های زیادی از جانب بازدیدکنندگان باید مطرح شود. این پرسش‌ها باید در تعیین فعالیت‌ها و تهیه مواد یادگیری مورد استفاده قرار گیرند.



در جغرافیای فرهنگی و زیستی سرزمین ما، ارزش های اجتماعی، فرهنگی، زیستی و فناوریانه فراوانی نهفته است که اگر به درستی بازشناسی و باز تولید شوند، پیشرفت واقعی برای بشریت حاصل می شود

- از گردشگران می خواهیم که ارتباط مطالب جدید را به پیش سازمان دهنده توضیح دهند.
- برای درک بهتر، از مخاطبان می خواهیم که مثال های بیشتری از منطقه مورد مطالعه بیاورند.
- از گردشگران می خواهیم که نظر انتقادی خود را در خصوص مطالب جدید و ارتباط آن با پیش سازمان دهنده بیان کنند.

د) الگوی زیست محیطی

در این الگو تلاش می شود بین عناصر زیست محیطی و محیط فرهنگی هر مکان تطابق صورت پذیرد. این رهیافت نگرشی دو سویه از گردشگری ارائه می دهد: از یک سو گردشگری شامل عمل و عکس العمل گردشگران در محیط است، و از دیگر سوی، اندازه، وسعت و دامنه عملکرد گردشگری را نشان می دهد. طبیعی است که برای حفظ تعادل اکولوژیک لازم است بین میزبان و گردشگران کنش متقابلی صورت گیرد و گونه های خاصی از گردشگران در مکان های مورد نظر جلب شوند تا از یک سو، محیط را بشناسند و در آن دخل و تصرف نکنند، و از سوی دیگر، به توسعه پایدار و تعادل زیست محیطی کمک کنند. این نوع گردشگری بومی می شود و گردشگران با عنایت به طرح ها و سیاست های بومی سازی گردشگری، بر منطقه بندی برای تصمیم گیری در امر توسعه تأکید می ورزند. از این منظر، گردشگران به گونه ای تقسیم می شوند که سرمایه گذاری ها در تمامی محیط کشوری و یا سرزمینی، اثربخش باشند و موجب توسعه مکان های متعدد شود تا بدین وسیله توسعه ای یکپارچه تحقق یابد. در این حوزه اکوتوریسم نقش خود را به خوبی می نمایاند.

مقصود ما از اکوتوریسم براساس آخرین تعاریف موجود سازمان جهانگردی و گردشگری و سازمان های بین المللی مرتبط عبارت است: «آن نوع از گردشگری که در آن، مشاهده طبیعت و ادراک ارزش های واقعی آن هدف قرار می گیرد و در آن، گردشگران به نوعی در حفاظت از محیط مشارکت می کنند، به گونه ای که فعالیت آن ها کمترین میزان اثرات منفی را بر محیط طبیعی و میراث فرهنگی به جای می گذارد.» از این تعریف می توان چهار معیار استخراج کرد:

- ۱ حداقل تأثیر منفی بر زیست بوم؛
- ۲ حداقل تأثیر منفی بر فرهنگ؛
- ۳ حداکثر سود اقتصادی برای میزبان؛
- ۴ حداکثر رضایت آموزشی - تفریحی برای گردشگران.

از سوی دیگر، می توان برای هر یک از فعالیت های اکوتوریستیک به بخش های زیر اشاره کرد:

- ۱ وابسته به طبیعت باشد.
 - ۲ از نظر اکولوژیک پایدار باشد.
 - ۳ مهم ترین بخش آن، آموزش و تفسیرهای سایت مورد مطالعه باشد.
 - ۴ جوامع محلی و میزبان در آن مشارکت داشته باشند.
- در این رهیافت، گردشگر وظایف زیر را به عهده دارد:

- گردشگران باید در تعیین روابط علی مشاهدات و اعمال خود بسیار تشویق شوند تا اعمال ماهرانه انجام دهند.
- گردشگر درباره مشاهدات خود باید نظرهای اساسی را جست و جو کند و با آن ها برخورد مستمر داشته باشد.
- گردشگران باید مطالعات خود را در محل، به زندگی روزمره خود مربوط سازند.
- گردشگران باید در حل مسائل اجتماعی مشارکت کنند.

ج) الگوی پیش سازمان دهنده

آزوبل^۱ یادگیری را به معنای درک کل می داند. به این معنا که اگر فراگیرنده کل یک موضوع را دریابد، نسبت به اجزای آن شناخت لازم را به دست می آورد. در نظر وی، هر یک از رشته های علمی دارای ساخت و هرم مفهومی هستند. مطالب و مفاهیم کلی تر در قاعده هرم قرار دارند و هر چه به رأس هرم نزدیک تر می شویم، مفاهیم ویژه تر می شوند. در یادگیری باید تلاش کنیم ابتدا مطالب کلی تر را تدریس کنیم و به ترتیب مطالب جزئی را بیاموزیم. به این ترتیب در ذهن فراگیرنده سازمانی از شناخت شکل می گیرد که آزوبل آن را «ساخت شناسی»^۲ می نامد. بنابراین، ساخت شناسی نظام مفهومی است که از مطالعه مراحل ساخت یک دانش در ذهن فراگیرنده شکل گرفته است. این درست نگرشی است که جغرافی دانان در بررسی های میدانی معمولاً به کار می گیرند و در الگوی گردشگری فوق العاده کاربرد دارد. این الگوی علمی را بازسازی می کنیم:

مرحله ارائه پیش سازمان دهنده:

- هدف های بازدید را مشخص می کنیم.
- ویژگی های اصلی سازمان دهنده را بیان می کنیم.
- با بیان مثال از محیط مورد مشاهده، زمینه درک سازمان دهنده را فراهم می سازیم.

مرحله ارائه مطالب:

- مطلب مورد نظر پس از یک نگاه دقیق به سیستم ارائه می شوند.
- دقت و توجه فراگیرندگان و بازدید کنندگان مورد تأکید قرار می گیرد.

● ارتباط سازمانی مطالب را با پیش سازمان دهنده آشکار می سازیم.

مرحله تحکیم سازمان شناخت:

- از گردشگران می خواهیم خلاصه ای از ویژگی های اصلی منطقه و یا مطالب جدید را بیان کنند.

- ۱ حفظ و استفاده پایدار از منابع (طبیعی، اجتماعی و فرهنگی)؛
- ۲ عدم مصرف بیش از حد و ائتلاف منابع؛
- ۳ مشارکت با جوامع محلی در توسعه گردشگری؛
- ۴ مشاوره با افراد ذی‌نفع و عامه مردم؛
- ۵ انجام تحقیق و پژوهش با تجزیه و تحلیل اطلاعات برای دستیابی به مقاصد گردشگری.

در نتیجه، هدف گردشگر که می‌تواند مواردی از این دست باشد، تأمین می‌شود: اصلاح کیفیت زندگی جامعه میزبان؛ تأمین تجارب کیفی برای گردشگران؛ حفظ محیط زیست که هم جامعه میزبان و هم گردشگران وابسته به آن‌اند.

اثرات گردشگری اجتماعی

می‌توان انتظار داشت که گردشگری اجتماعی بر جامعه میزبان و میهمان تأثیرات شگرفی داشته باشد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تغییر انگیزه‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌های اجتماعی؛
- شناخت روابط اجتماعی حاکم در جامعه میزبان؛
- شناخت تعاملات سازمان‌های اجتماعی و بهره‌گیری از خدمات آن‌ها؛
- درک تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه میزبان و میهمان؛
- درک عمیق از توسعه‌نیافتگی‌ها و وابستگی‌ها و شناخت راه‌های پیشرفت جامعه؛
- شناخت ارتباطات و تعاملات نهاد‌های اجتماعی؛
- توسعه سیاسی بر اثر آشنایی با اندیشه‌ها و رفتارهای سیاسی جوامع و اقوام مختلف؛
- آشنایی با مناطق ژئواستراتژیک و درک اهمیت و حساسیت آن‌ها؛
- تأکید بر ژئوآکونومیک مناطق و رقابت در توسعه فضای جغرافیایی و سرزمینی؛
- افزایش رفاه عمومی با توجه به افزایش درآمد ملی؛
- احیای غرور ملی ملت‌ها و احترام متقابل به فرهنگ‌های مختلف.

خلاصه و نتیجه

در این نوشتار پژوهشی، مسئله اصلی ما چرایی بی‌توجهی به گردشگری اجتماعی بود. بر این باوریم که گردشگری اجتماعی، با تعریف، اصول و مفاهیمی که مدنظر ماست، می‌تواند از بهترین راهبردها برای زیست اجتماعی بهتر و بازگشت به ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی ما باشد. در تعریف گردشگری اجتماعی سه عنصر را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار دادیم:

- ۱ شناخت میراث طبیعی و فرهنگی؛
- ۲ ساختار اجتماعی و مناسبات و ارتباطات؛
- ۳ نهادها و سازمان‌های اجتماعی جامعه.

در نهایت نیز این تعریف ارائه شد: مشاهده اجتماعی عمیق گردشگر در زمینه آداب و تریب‌های اجتماعی برخاسته از میراث

طبیعی و فرهنگی، مطالعه ساختار اجتماعی، و مناسبات و ارتباطات اجتماعی و همچنین روابط نهادها و سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و با گردشگر در طول زمانی فشرده و درک تفاوت‌های اجتماعی موجود برای دستیابی به مدل اجتماعی مختار جامعه میهمان. در ادامه، فضاهای گردشگری اجتماعی را به هفت گروه تقسیم‌بندی کردیم: خانه‌های قدیمی و سنتی، ابنیه خدمات شهری، اماکن و بقاع متبرکه، موزه‌ها و گنجینه‌ها، کارکردهای اجتماعی میراث طبیعی، ابنیه‌های اقتصادی، اماکن اجتماعی.

آن‌گاه به اصول گردشگری اجتماعی پرداختیم و هفت اصل را پیشنهاد دادیم که عبارت‌اند از: اصل بازآفرینی؛ اصل بازشناسی و بازاندیشی؛ اصل تفاوت‌ها؛ اصل میدان گردشی؛ اصل بازار اجتماعی؛ اصل اثربخشی اجتماعی؛ اصل تبادلات و تعارفات.

روش پژوهش در گردشگری اجتماعی و الگوهای آن نیز مسئله دیگری بود که پی گرفته شد. جست‌وجوهای ما نشان داد که حداقل ۲۰ الگو برای این امر قابل بازسازی است که ما تنها به چهار الگو به این شرح پرداختیم:

الگوی کاوشگری؛ الگوی تلفیقی؛ الگوی پیش سازمان‌دهنده؛ الگوی زیست‌محیطی.

در پایان به ۱۱ مورد از اثرات گردشگری اجتماعی اشاره شد. انتظار می‌رود اندیشمندان اجتماعی و فرهنگی در این زمینه بررسی‌ها، مطالعات و پژوهش‌های تکمیلی ارائه دهند و گردشگری اجتماعی با مدل پیشنهادی ما مورد تجزیه و تحلیل بیشتری قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Azubel
2. Structure cognitive

منابع

۱. پاپلی یزدی، محمدحسین (دکتر) و سقایی، مهدی (۱۳۸۵). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). انتشارات سمت. تهران.
۲. بورکوس، آپوستولوپولوس (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی گردشگری. ترجمه شفیع بیژن (دکتر). انتشارات وارسته. رشت.
۳. ایندینگتن، جی‌ام (۱۳۷۴). اکوتوریسم. ترجمه اسماعیل کهرم. سازمان حفاظت محیط زیست.
۴. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات (جلد اول: جامعه شبکه‌ای). ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. انتشارات طرح نو. تهران. چاپ دوم.
۵. زکی، محمدحسن (۱۳۶۶). جهانگردان مسلمان در قرن وسطا. ترجمه عبدالله ناصر طاهری. مرکز نشر فرهنگی رجاء. تهران.
6. Barnard, Alan and Jonathan Spencer (1996). Encyclopedia of social and cultural Anthropology, Rutledge.
7. Skinner Malcolm. et, al. (1999). Dictionary of Geography, Fitzroy Dearborn
8. Michel. M. (1989). Tourism Marketing. Rutledge.
9. Weaver. David and Oppermann (2000). Tourism Management, Wiley.
10. WTO (1993). Recommend. Action on tourism statics.
11. Tourism encyclopedia, edited by jafar jafari, 2002.

فرهنگ بوشهری را دریابید

گفت‌وگو: محمود همدانی

گفت‌وگو با ماشاءالله عالی حسینی،

معاون پژوهش و برنامه‌ریزی منابع انسانی آموزش و پرورش استان بوشهر



اشاره

ماشاءالله عالی حسینی هم‌اکنون معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی منابع انسانی آموزش و پرورش استان بوشهر را برعهده دارد. عالی حسینی فردی است که با آموزش و پرورش نسل انقلاب عجین شده و هدایت و راهبری آن‌ها را در حوزه‌های علمی-پژوهشی و مدیریتی به‌عهده گرفته است. او که مدرس مراکز آموزش عالی استان بوشهر است، تألیفات بسیاری دارد و تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله پژوهشی ارائه کرده است. در کنگره‌های متعددی نیز حضور داشته است. از جمله، در «کنگره بین‌المللی سیراف» با ارائه مقاله «ترویج فرهنگ اسلام» نقش علمی ارزشمندی ایفا کرد. عالی حسینی در آموزش و پرورش نیز سال‌ها خدمت کرده است. طرح از «مدرسه تا شورا» که در آموزش و پرورش تصویب شد و به اجرا درآمد، از ابتکارات اوست. با او درباره رابطه زیست اجتماعی و زیست طبیعی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.



○ آقای عالی حسینی، با توجه به مسئولیتتان و تعداد مقالات و تألیفاتی که تاکنون داشته‌اید، بفرمایید که بیشتر روی چه موضوعاتی کار کرده‌اید؟

● روی موضوعات متفاوتی کار کرده‌ام که بخش مهمی از آن‌ها در زمینه مدیریت بوده است. مثلاً «نقش و کلای مجلس در اداره مدرسه» و مدرسه‌محوری در «مدرسه سعادت» که قدمت ۱۱۰ ساله دارد، یا موضوع‌هایی «راهکارهایی برای جذب اولیا توسط مدیران»، «نقش علمای سیراف در ترویج فرهنگ اسلامی» و مقالات تخصصی در مورد شهادت یا اصول و اندیشه اسلامی که هم با محوریت مسائل بومی استان و هم با محوریت مدیریتی نوشته شده‌اند.

○ شما پژوهشی داشته‌اید که مدیران از آن استفاده اجرایی کرده باشند؟

● بله چند طرح کاربردی داشته‌ام؛ مثل طرح «از مدرسه تا شورا» که به تصویب آموزش و پرورش رسید یا طرح «شیوه انتخاب معلمان نمونه جوان» که در استان برگزار و اجرایی شد و از ۴۷ معلم نمونه جوان در استان تجلیل به عمل آمد.

○ با توجه به موضوعات پژوهشی که کار کرده‌اید و اهمیتی که به معرفی آثار بومی استان می‌دهید، تعریف شما از محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی چیست و رابطه این دو در استان چگونه است؟

● رابطه این دو تا حدی نامأنوس است. عواملی که از خارج وارد استان می‌شوند باید با توانایی‌ها و استعدادهای جامعه ما همگون باشند که در حال حاضر نیستند. منطقه ما مهم‌ترین منطقه نفت خیز جهان است و ما خاک و عسلویه را داریم که خب آلودگی زیست محیطی ایجاد می‌کنند. در عین حال، عناصر و عواملی که وارد این جامی شوند، با این منطقه همگون نیستند. مثلاً فرهنگی که گردشگران خارجی با خود می‌آورند، محیط اجتماعی بوشهر را که سالم، ارزشمند، دینی و مقدس است، مورد تهدید قرار داده است. باید خلأ موجود بین محیط زیست اجتماعی و طبیعی را از بین ببریم.

○ شما به عنوان یکی از مدیران توسعه انسانی و برنامه ریزی در آموزش و پرورش، آیا برای ایجاد رابطه مناسب بین محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی تا به حال برنامه مدیریتی داشته‌اید و یا دارید؟

● ما تا آن جا که توانسته‌ایم به سهم خودمان تلاش کرده‌ایم، ولی این یک فرایند عمومی است و نمی‌توان آن را موضوعی سازمانی دانست. در یک منطقه، مجموعه‌ها باید به صورت متشکل کار کنند.

○ آموزش و پرورش یکی از اثرگذارترین و مهم‌ترین سازمان‌هایی است که شکل‌گیری جامعه را سامان می‌دهد آیا به لحاظ مدیریتی و برنامه ریزی کاری در حوزه، ایجاد رابطه مناسب بین محیط زیست اجتماعی و طبیعی در دستور کار قرار دارد؟

● ما در مرحله اول خودمان را موظف کرده‌ایم، در حوزه خانواده از برنامه‌های خوبی که جنبه اجتماعی دارند و نیز از تشکل‌های آموزشی و فرهنگی، و انجمن‌های ادبی و معارف تا می‌توانیم حمایت کنیم. بحث «انجمن اولیا و مربیان» و شرکت والدین در امور تحصیلی فرزندان، خلأیی در کل کشور است. باید بتوانیم مفهوم مشارکت را توضیح دهیم و در این زمینه بیشتر فعالیت کنیم.

○ آیا در تعادل بخشی بین محیط زیست اجتماعی دانش آموزان و محیط طبیعی آن‌ها کاری انجام شده است و برنامه‌ای را مدیریت کرده‌اید؟

● ما به این زمینه وارد شده‌ایم؛ البته نه با این اصطلاحی که شما می‌فرمایید. عنوان طرحی که بنده داشتم، «نقش الگوسازی مسجد در تحکیم پیوند بین خانه و مدرسه» بود و می‌خواستیم ببینیم چگونه و بر پایه چه معیاری می‌توان این پیوند را تقویت کرد.

در مدرسه یک الگوارائه می‌شود و در خانه الگوی دیگری. مسجد مکان مناسبی است که می‌توان اصطکاک بین خانه و مدرسه را از بین برد. بنابراین، برای سالم‌سازی محیط زیست اجتماعی، ما باید پیوندی برقرار کنیم بین خانه و مدرسه از طریق مسجد؛ چرا که مسجد نه فقط محل نماز خواندن، بلکه محل تعلیم و تربیت است.

○ بیشتر دانش آموزان استان که با آن‌ها گفت‌وگو داشتیم، از این‌که آموزش و پرورش استان در انجام آموزش‌های کاربردی، آزمایشگاهی و میدانی فعالیتی ندارد، به شدت گلهمند بودند و از این‌که فقط باید محفوظات خود را اضافه کنند، گلایه داشتند. بعضی از آن‌ها می‌گفتند اگر آزمایشگاه هم داریم، برای آن‌ها که مستهلک نشود، نمی‌گذارند استفاده کنیم. با توجه به مسئولیتتان در این حوزه، چه برنامه‌ای برای رفع این مشکل دارید؟

● این‌که بگوییم نظام ما به سمت یک نظام پویا رفته، خیر نرفته است. مقام معظم رهبری همیشه فریادشان چیست؟ تحول در آموزش و پرورش معنایش چیست؟ یکی از شاخص‌های تحول در آموزش و پرورش، «یادگیری» به جای «حفظ کردن» است، یا مشارکت دادن دانش آموزان در فعالیت‌ها و عملکردها.

اما ما تازه اول راه هستیم. امیدواریم، با توجه به این‌که گام‌های خوبی هم از طرف وزیر آموزش و پرورش برداشته شده است و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری، بتوانیم گام‌های مفیدی برداریم و از گلهمندی‌های به حق همکاران کاسته شود.

○ از نظر شما محیط زیست اجتماعی چه رابطه‌ای با فرهنگ اسلامی دارد؟

● من پژوهشی داشتم با عنوان «نقش آداب و تعالیم اسلام در فرهنگ عمومی مردم استان بوشهر» که برای اداره کل انجام دادم و در آن نشان دادم که شاخص‌های ملی و فرهنگی بوشهر بسیار متأثر از فرهنگ اسلامی است. در اوایل قرن چهارم ما حدود ۹۰۰ عالم

داشتیم و به گفته شهید مطهری (ره)، بوشهر مرکز انتقال فرهنگ اسلام به آفریقا بوده این اقدام ارزشمند در حوزه علمیه آن جا صورت می گرفته حال این فرضیه در ذهنم بود که این چقدر اثر گذار بوده و در سطح جامعه و به قول معروف در پژوهشی که انجام دادم می گفتند خیلی اثر داشته و فرهنگ بومی بوشهر کاملاً اسلامی و متأثر از فرهنگ اسلامی است.

○ رابطه مدیران آموزش و پرورش استان بوشهر با امر پژوهش و پژوهشگر چگونه است؟

● یکی دیگر از شاخص های تحول «پژوهش» است و گسترش فرهنگ پژوهشگری که ما باز هم در اول راه هستیم و شرایطمان ایده آل نیست. مدیران ما آن طور که باید با پژوهش مأنوس نیستند که این برمی گردد به تحول در نظام آموزشی ما در دانشگاه ها. بنده ۲۵ سال است که با دانشگاه های استان در رابطه هستیم. دانشجو متحول نشده است و لذا پژوهشگر بار نمی آید. مثل آموزش و پرورش که به تحول نیاز دارد، دانشگاه هم به تحول نیاز دارد. فارغ التحصیلان دانشگاه بعداً می آیند و مسئول و مدیر می شوند، در حالی که مطالب را فقط حفظ کرده اند و یادگیری یا پژوهش و تحقیق نداشته اند. این موضوع تأثیر خود را می گذارد.

○ از نظر شما محیط زیست سالم اجتماعی چه محیطی است؟

● محیط زیست اجتماعی سالم محیطی است مبتنی بر شاخص های اسلامی. همزیستی مسالمت آمیز، تعاون، گذشت و ایثار از جمله شاخص هایی هستند که محیط زیست اجتماعی سالم پدید می آورند. همچنین، داشتن اصول اعتقادی و پای بند بودن به آن ها باعث کنترل رفتار در جامعه می شود. به هر صورت، ما آموزش هایی را می دهیم، نیروهایی را شناسایی و دسته بندی می کنیم و آگاهی می بخشیم، اما کافی نیست و باید خیلی کار شود.

البته سازمان تبلیغات و نیروی انتظامی هم باید به صورت یک جریان وارد شوند، چون بعضی موارد جنبه جرم دارد؛ مثل قاچاق. یا در نقطه مقابل ما در جهت اصلاح امور با دایر کردن کلاس های قرآن و کانون های قرآنی برای دانش آموزان، در مکان ها و مناطق متفاوت، در این راستا گام برمی داریم.

○ اهداف پژوهشکده آموزش و پرورش استان چیست؟ در راه رسیدن به این اهداف چه موانعی را سر راه می بیند و پیشنهادتان برای رفع آن ها چیست؟

● اهداف کلی ما تحول و پویایی و به مشارکت کشاندن همکاران فرهنگی است تا از طریق پژوهش و تحقیق، بتوانند کمک کنند. به همین دلیل موضوع هایی انتخاب کردیم و در اختیار همکاران قرار دادیم و طرح هایی را در این راستا برای پژوهش تنظیم کردیم تا زمینه مشارکت همکاران فراهم شود. از موانع موجود در این راه می توان به کافی نبودن اعتبارات، کمبود امکانات و نبود متخصص در

امر پژوهش که واقعاً توانایی انجام طرح های پژوهشی را داشته باشد، اشاره کرد. البته نیروهای خوبی در این زمینه داریم، اما به نظر بنده کافی نیستند و برای رساندن این و صحبت به وضعیت مطلوب باید نیروهای پژوهشگر بیشتری داشته باشیم.

○ آیا برای ایجاد این توانایی ها کاری انجام داده اید؟

● بله، کلاس های اقدام پژوهی را برای فرهنگیان در سطح وسیعی تشکیل دادیم و جشنواره هایی در این زمینه برای تشویق آن ها و تقدیر از پایان نامه ها برگزار کردیم. دوره های ویژه تخصصی گذاشتیم و بزرگانی چون دکتر قاسمی را به عنوان مدرس دعوت کردیم. یک بانک اطلاعاتی هم راه اندازی کردیم.

○ نظر تان در مورد آداب و رسوم نوروز و تأثیر آن روی محیط زیست اجتماعی چیست؟

● در مورد ویژگی های پسندیده نوروز از نگاه اسلامی مقاله ای نوشته ام که چاپ شده است. در طبیعت شکوفایی، نوآوری، رشد و خلاقیت وجود دارد که آموزش خوبی برای ما انسان هاست. طبیعت منطبق بر اسلام است و به همین دلیل معتقدم که نوروز امری اسلامی است؛ حتی نوروزی که در زمان زرتشت بود. زرتشتی هم دینی بود که بعدها انحراف پیدا کرد. نوروز یک برنامه دینی است. طبیعت کارگاه طبیعی خداوند است و شما در طبیعت وحدت و زیبایی می بینید.

عید نوروز جشن مبارکی است که در درونش اهداف و پیام های آسمانی قرآنی به شرح زیر نهفته است:

الف) عید نوروز: نوروز خلقت و جلوه علم الهی؛ ب) عید نوروز، نوروز خلقت و جلوه قدرت الهی؛ ج) عید نوروز: نوروز خلقت و وسیله ای برای تفکر و تدبیر؛ د) عید نوروز: نوروز خلقت و وسیله ای است برای شکر کردن و سپاس گزاری. ه) عید نوروز: نوروز خلقت و وسیله ای برای اثبات امکان معاد.

مطالبی که در کادر آمده آقای عالی حسینی با ارائه جزوه ای در مورد نوروز ارائه دادند که این عناوین به همراه آیات قرآنی مورد نظر ایشان برای عناوین الف تا ه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. لذا این عناوین از داخل جزوه تحقیقی ایشان اضافه شده است. جزوه با نام جایگاه پسندیده و ارزشمند عید نوروز در معارف قرآن، موجود است

○ شما به عنوان پژوهشگر و معاون برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش استان بوشهر چه دغدغه هایی دارید؟

● بزرگ ترین دغدغه ام برداشتن گام های جدی و بزرگ و فعال برای استفاده از مدیران آشنا با پژوهش و مطلع از برنامه های پژوهشی است. کسانی که شناخت پژوهشی ندارند، نمی توانند در امر پژوهش موفق باشند. پژوهش در خدمت آموزش است و باید نگاه پژوهشی داشته باشیم تا بتوانیم موفق تر عمل کنیم.

ترس! فقط دفترش است

زندگی و آثار ماشاءالله عالی حسینی، پژوهشگر و نویسنده بوشهری

ماشاءالله عالی حسینی، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، در سال ۱۳۳۹ هـ ش در شهر بوشهر به دنیا آمد. در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ در رشته علوم تجربی، از «دبیرستان دکتر شریعتی» (پهلوی سابق) دیپلم گرفت. تحصیلاتش را از سال ۱۳۵۸ ادامه داد و پس از اخذ مدرک از تربیت معلم تهران، به دوره کارشناسی «مبانی فقه و حقوق» دانشگاه تهران راه یافت. در سال ۱۳۷۳ نیز به شیراز رفت و به اخذ گواهی کارشناسی ارشد علوم قرآن نائل آمد. وی مدتی رییس آموزش و پرورش شهرستان «دشتی» و سپس بوشهر شد. هم اکنون نیز معاون پژوهشی و برنامه‌ریزی «سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر» است.

عالی حسینی، با شهید صادق میگلی (تاریخ شهادت ۱۳/۸/۱۳۵۷) هم کلاس و هم مدرسه‌ای بوده است. او یکی از خاطراتش را چنین بیان می‌کند: «کلاس سوم دبستان بودم. درس دینی داشتیم. معلم پس از توضیح درس، چند نفر از دانش‌آموزان را خواست تا ایستاده در جلوی کلاس، درس را با صدای بلند قرائت کنند. ماه محرم بود. نوبت صادق رسید. شروع کرد به خواندن. چند سطر که خواند، لحنش تغییر کرد. او که به شدت تحت تأثیر مراسم عزاداری و نوحه خوانی سیدالشهداء قرار گرفته بود، قرائتش را به صورت روضه‌خوانی ادامه داد. این حالت دانش‌آموزان و معلم را منقلب کرد و تأثیر معنوی فراوانی بر کلاس گذاشت. روضه‌خوانی دانش‌آموز در کلاس در آن شرایط سنی آن هم در دوره طاعوت شاهی چیزی غیرمعمول بود.»

خاطرات و وقایع دوران تحصیل

ماشاءالله عالی حسینی یکی از خاطرات دوران دبیرستان خود را چنین بیان می‌کند: «حق نباید گفتن الا آشکار. این مصراع بیت شعری بود که در کتاب فارسی سال دوم دبیرستان می‌خواندیم و چون خیلی مصراع دل‌نشینی بود، آن را با خط درشت روی جلد دفتر ریاضی‌ام نوشته بودم. یک ماهی از سال تحصیلی می‌گذشت و در کلاس درس ادبیات فارسی (سال ۱۳۵۵)، به سخنان شیوا و شیرین استاد مرحوم احمدپور گوش می‌دادم که کسی در کلاس را باز کرد و گفت: «آقا ببخشید، دفتر، آقای مدیر با عالی حسینی (بنده) کار دارد.»

این پیام تعجبم را برانگیخت. در فکر فرو رفتم، این‌ها که کسی را برای تشویق و تقدیر به دفتر نمی‌برند. من هم اهل بی‌انضباطی یا غیبت از کلاس نبودم. پس آقای مدیر چه کاری با من می‌تواند داشته باشد؟! بالاخره با ترس و لرز خاصی جلوی میز آقای مدیر ایستادم. از جا بلند شد. صحبت را آغاز نکرده، چند سیلی محکم به صورتم وارد ساخت و با عصبانیت تمام گفت: بگو بچه... چه کسی گفته این شعر را روی جلد دفترت بنویسی؟ باید به ما بگویی...

آن روز علاوه بر آن که کیفم را گشتند و تفتیش نمودند، با چشم گریان و صورتی سرخ پس از ساعتی اسارت و معلوم شدن این که غرض و انگیزه سیاسی در کار نبوده است (دفتر و وسایلم را توقیف کردند)، اجازه حضور در کلاس را ندادند. اما این سیلی‌های پرخطر مرا که به واقع دور از مسائل سیاسی بودم و از سیاست خبری نداشتم، سیاسی کرد، جرقه‌های بیداری و مبارزه با ظلم و ستم را در وجودم شعله‌ور ساخت و به امام خمینی (ره) علاقه‌مندم کرد. عالی حسینی نویسنده و پژوهشگری تواناست که از دل آموزش و پرورش رشد کرده است و اکنون به‌عنوان یکی از پژوهشگران برجسته بوشهر به شمار می‌آید. او بیش از ۵۰ مقاله در همایش‌ها، مجلات و رسانه‌های گوناگون منتشر کرده است که در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای به چاپ رسیده‌اند. ما در این نوشتار صرفاً به معرفی تألیفات او و کتاب‌هایی که منتشر ساخته است، بسنده می‌کنیم؛ باشد که این نویسنده توانمند، مؤمن و انقلابی سال‌ها زنده باشند و نسل جدید، به ویژه معلمان و دبیران محترم، از وجود ایشان در تهران و بوشهر بهره‌مند شوند.

تألیفات

۱. نشاط شهادت، بنیاد شهید، تهران، ۱۳۸۵.
۲. همخانه با عاشقان، سازمان دانش آموزی، بوشهر، ۱۳۸۳.
۳. راه هدایت، بنیاد نشر دفاع مقدس، بوشهر، ۱۳۸۷.
۴. آموزش تحلیل مبانی اندیشه اسلامی، بنیاد نشر دفاع مقدس، بوشهر، ۱۳۸۸.
۵. مجموعه مقالات کنگره سیراف، ایران شناسی، قم، ۱۳۸۴.
۶. مجموعه مقالات تجارب کارآمد تربیتی، انجمن اولیا و زارت، تهران، ۱۳۸۳.
۷. افق مبین، سازمان آپ بوشهر، قم، ۱۳۸۷.
۸. اندیشه ۲ دلایل اثبات تدریج در قرآن، سازمان آپ بوشهر، بوشهر، ۱۳۸۲.
۹. مجموعه مقالات (اتحاد ملی و انسجام اسلامی)، دانشگاه آزاد بوشهر، بوشهر، ۱۳۸۶.
۱۰. اندیشه ۴، دانشگاه آزاد بوشهر، بوشهر، ۱۳۸۸.
۱۱. مجاهدان حسینی، بنیاد شهید، بوشهر، ۱۳۸۵.
۱۲. جلباب یا پوشش برتر، اداره کل، بوشهر، ۱۳۷۷.
۱۳. نگرشی اجمالی بر تاریخ قرائت قرآن کریم، اداره کل، بوشهر، ۱۳۸۶.

افق مبین

ناشر: موعود اسلام

گروه مخاطب: طلاب و دانشجویان

محل نشر: قم

سال نشر: ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰

در کتاب «افق مبین» (جایگاه دولت نهم در مسیر تحقق اهداف دولت اسلامی در کلام مقام معظم رهبری)، علت حمایت مقام معظم رهبری از دولت نهم با تکیه بر بیانات ایشان تبیین شده است. در بخشی از کتاب، ضمن تعریف واژه‌های مورد نیاز، شاخصه‌ها و ویژگی‌های اصول گرایانه دولت اسلامی که جایگاه و مرتبه‌ای عظیم در قرآن کریم و سنت دارد، تبیین شده‌اند. در بخش سوم کتاب، راهکارها و رهنمودهایی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ترسیم کرده‌اند تا دولت مردان در برنامه‌ریزی‌ها و پیشبرد امور و اصلاح نارسایی‌ها تا رسیدن به دولت کامل اسلامی می‌باید به کار گیرند، مورد تأکید و توجه قرار گرفته‌اند. مطالعه این کتاب به خوانندگانی که به مبانی علم سیاست از دیدگاه اسلامی علاقه‌مندند، توصیه می‌شود. کتاب به سادگی و روانی تمام نگاشته شده، اما از استحکام مفهومی و ساختاری بسیار خوبی برخوردار است.

معرفی کتاب

در این بخش سه اثر این نویسنده توانا را معرفی می‌کنیم.

راه هدایت

ناشر: شروع

گروه مخاطب: دانشجویان و دانش‌آموزان

محل نشر: بوشهر

سال نشر: ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰

«کتاب راه هدایت گذری بر حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی در بوشهر» در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول به نام «مجاهدان حسینی»، خود دو قسمت دارد: قسمت اول، حوادث شکل‌گیری هسته‌های مبارزه و مبارزات مجاهدان و مریدان امام (ره) را در دوران خفقان شاه خائن، و حوادث مهمی را که در بوشهر به ویژه مرکز استان از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است، نقل می‌کند. قسمت دوم به نقل و شرح اتفاقات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی و یه ساله اول دوران دفاع مقدس اختصاص دارد و عنوان آن «درمانگاه خیریه بی‌بی نعیمه» است. در این بخش نمونه‌های برجسته فعالیت‌های مجاهدان در بعد فرهنگی، در قالب داستانی واقعی و هیجان‌انگیز و در تحلیل از زنان قهرمان آمده است و از شیر زنی به نام بی‌بی نعیمه یاد می‌شود. این کتاب با قلمی روان و ساده نگاشته شده است و مطالعه آن به کسانی که ماجراهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را در استان‌های کشور پی می‌گیرند، توصیه می‌شود.

نشاط شهادت

ناشر: معاونت پژوهشی بنیاد شهید

گروه مخاطب: عموم مردم

محل نشر: بوشهر

سال نشر: ۱۳۵۸

شمارگان: ۲۰۰۰

کتاب «نشاط شهادت» (بررسی توصیفی روحیه جهاد و شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام)، چکامه‌ای عاشقانه است که از عشق رزمندگان شیفته مولا به اندیشه‌ها و باورهای عمیق دینی حکایت دارد؛ رزمندگانی که با روحیه استشهادهای به جلوه‌گاه هستی پای نهاده‌اند. عالی حسینی، معلمی وارسته، هوشمند و توانمند است که عاشقانه با نگارش این کتاب به نشاط می‌نشیند و با بیان نمونه‌های برجسته شهادت و شهیدان، مبانی عقلی و نقلی این اقدام را با استناد به آیات قرآن تبیین می‌کند. وی کتاب را به روان پاک شهیدان و به خصوص شهیدان هشت سال دفاع مقدس استان بوشهر، روح مطهر پدران و مادران شهیدان، روح ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) سالار شهیدان، و به روح پدر و مادرش تقدیم کرده است.

کتاب در چهار فصل با این عنوان‌ها تنظیم شده است:

فصل اول: کلیات

فصل دوم: جهاد و شهادت‌طلبی در سنت رسول الله (ص) و

سیره ائمه هدی (ع)

فصل سوم: جهاد و شهادت‌طلبی در تاریخ معاصر

فصل چهارم: شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در دفاع مقدس



مقاله پژوهشی

بخش دوم

کلاس درس و زندگی خانوادگی

ایمان روحی دهکردی
کارشناس ارشد علوم تربیتی

۴۲

رشد آموزش عالی
دوره ۱۵
شماره ۳
بهار ۱۳۹۱

مقدمه

در شماره گذشته، طرح مباحثی همچون نقش‌های تقابلی خانواده و مدرسه، تحولات اجتماعی و خانوادگی مورد بحث قرار گرفت و محقق در پی آن برآمد که رابطه بین مدرسه و خانواده را با عنوان مدرسه زندگی مورد توجه قرار دهد. ابتدا وی ویژگی‌های تحقیق را برشمرد و زمینه‌های پژوهشی و پیشینه این مطالعات را به‌طور مفصل مورد بحث قرار داد. آن‌گاه به مطالعات مربوط به متغیرهای اجتماعی-اقتصادی مرتبط با موضوع پرداخت.

در ادامه، مطالعات ساختاری را مورد توجه قرار داد و اشاره کوتاهی به فرصت‌هایی که خانواده‌ها به‌وجود می‌آورند اشاره کرد.

در این شماره، محقق تلاش کرده است تا ویژگی‌های خانواده را با زبان محققان پیشین مورد بحث قرار دهد و تأثیرات زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی را از طریق عوامل اجتماعی-روان‌شناسی به کاربرده شود. در قسمت دیگر محقق به متغیرهای فرایند خانواده پردازند که فشار مربوط به پیشرفت تحصیلی راهنمایی عملی، فعال بودن عقلانیت، عادت کاری از جمله این متغیرهاست.

در بخش دیگری از این تحقیق، محقق به اصلاح روابط خانه و مدرسه می‌پردازد و با نگاه نقادانه‌ای نسبت به این روابط که دنیای غرب در پیش گرفته به شبکه‌هایی از حمایت‌های اجتماعی می‌رسد. وی در نتایج این بخش می‌گوید: دانش‌آموزان ما در مورد این‌که چگونه هر دانش‌آموز در برابر عناصر رفتاری محیط خانواده واکنش نشان می‌دهد و یا آن را دست‌کاری می‌کند، باید توجه داشته باشد. در پایان نتیجه‌گیری، وی به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و نقش خانواده در این روند، پرداخته و طرح بحث می‌کند، اما تفصیل آن را در قسمت بعدی این مقاله پژوهشی پی می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های حمایت خانوادگی، راهنمایی تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، عقلانیت.

ویژگیهای دیگر خانواده

تعدادی از محققان فراتر از کاربرد طبقه اجتماعی یا متغیرهای اجتماعی-اقتصادی و ساختار خانواده تحقیق کرده‌اند و در تحقیق هایشان که شامل مقیاسهای دیگری است، جنبه‌های گوناگون محیط خانه را بررسی کرده‌اند. فریزر (۱۹۵۹) در یک تحقیق اولیه درباره پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس متوسطه اسکاتلندی، شاخصهای فرهنگی (مانند سطح تحصیلات والدین و عادت آنان به خواندن)، مادی و اقتصادی (مثل درآمد خانواده و تعداد خانه‌ها)، انگیزشی (از قبیل تشویق والدین به کارهای درسی) و شرایط عاطفی (مثل میزان سازگاری در خانه و علاقه والدین به رفاه عمومی دانش‌آموز) را معیار سنجش قرار داده است. میزان واریانس پیشرفت تحصیلی با شاخص محیط خانواده ۵۶ درصد بوده که این رقم بالاتر از میزان تفسیر آن براساس شاخصهای موقعیت اجتماعی-اقتصادی یا ساختار خانوادگی است.

براساس گزارش پلودن در یک تحقیق نسبتاً وسیع که در انگلستان (پیکر، ۱۹۶۷) انجام شد، عوامل محیطی خانه با عوامل مدرسه ابتدایی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان براساس آزمونهای استاندارد درباره خواندن و ریاضی با هم در تضاد بودند. دو جنبه از جنبه‌های محیطی خانه که بررسی شدند، عبارت‌اند از: نگرشهای والدین (مثل نگرش امیدبخش و دلگرم‌کننده به نقش والدین) و وضعیت مادی خانواده (مانند درآمد والدین و سازگاریهای جسمانی). در بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، اختلاف نگرشهای والدین ۲۸ درصد بود که این رقم بیشتر از ۲۰ درصد اختلاف شرایط خانه و ۱۷ درصد اختلاف مدارس است. علاوه بر آن، نگرشهای والدین هرچند تا حد زیادی مستقل از شرایط خانواده است، با این حال، شرایط خانواده نگرشهای پدر و مادر را در زمینه‌های خاصی محدود می‌کند.

یافته‌های این تحقیق اهمیت نگرشهای والدین را در تعلیم و تربیت نشان می‌دهد. گزارش پلودن، در حقیقت براساس احتمال تغییر نگرشها و بر فرض پذیرش تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تهیه شده است. در عین حال، اصطلاح «نگرش» ظاهراً در یک مفهوم بسیار وسیع

به کار می‌رود که قضاوت در مورد آنچه مورد بررسی قرار گرفته است را مشکل می‌سازد. براساس ابزارهای به کار رفته، به نظر می‌آید که ویژگیهای جامعه‌شناختی - روان‌شناختی متنوعی از خانواده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اهمیت خصوصیات اجتماعی-روان‌شناختی در سایر کشورها نیز تأیید و ثبت شده است.

در آمریکا، تحقیقات مبتنی بر مدل کسب موقعیت، مدلی که با توجه به «روش وسیکانسین» ساخته شده است (مثل سی‌ویل و هوسر، ۱۹۷۶)، راههایی را بررسی می‌کند که در آنها، تأثیرات زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی از طریق عوامل اجتماعی-روان‌شناختی اعمال می‌شوند. یافته‌های تحقیقات فراوانی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ مجدداً تکرار و تأیید شدند، نشان می‌دهند که تأثیرات موقعیت اجتماعی-اقتصادی بر پیشرفت تحصیلی، با ترغیب والدین و هم‌تایان و از طریق پیشرفت تحصیلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان به دست می‌آید. اگر مقیاسهای قابل استفاده در این تحقیقها با موقعیت اجتماعی-اقتصادی تلفیق شوند، آن‌گاه بیشتر از نصف واریانس در ارتباط با پیشرفت سال آخر متوسطه قابل توجیه است (واریانس تلفیقی را با ۱۵ درصد که تنها با موقعیت اجتماعی-اقتصادی تفسیر می‌شود، مقایسه کنید؛ سی‌ویل و هوسر، ۱۹۷۶).

پژوهشهایی که براساس تشویق والدین به اضافه موقعیت اجتماعی-اقتصادی و سطح تحصیلات والدین در اتحاد جماهیر شوروی میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی می‌کردند، نشان دادند که فرایند پیشرفت تحصیلی در آن کشور بسیار نزدیک به کشورهایی است که در غرب تحقیق شده‌اند [رابزن، ۱۹۷۷].

روابط بین اوضاع و احوال خانواده و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان که در کشورهای توسعه‌یافته تأیید شده است، معلوم نیست در تمامی زمینه‌های فرهنگی به تأیید برسد. نتایج تحقیقهای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و تحقیقهایی که از اطلاعات جمع‌آوری شده در «انجمن بین‌المللی برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی» (IEA) استفاده می‌کنند (این تحقیقها در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه انجام شده‌اند) چنین تفسیر شده‌اند که تأثیر خانه بر پیشرفت تحصیلی، مانند تأثیر زمینه اجتماعی-اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای کم‌درآمد، به اندازه تأثیر آن در کشورهای توسعه‌یافته نیست. مثلاً در یک تحقیق، پیشرفت تحصیلی علوم در هندوستان ۲۷ درصد واریانس مستند به اختلاف عوامل مدرسه

است، در حالی که تنها ۳ درصد قابل استناد به ویژگیهای مربوط به زمینه خانوادگی است [هیومن و لاکزیلی، ۱۹۸۳]. در آفریقا نیز پژوهشها نتوانستند آن نوع رابطه را که نوعی رابطه بین موفقیت تحصیلی و ویژگیهای زمینه خانوادگی در کشورهای صنعتی وجود داشت و متضمن مقیاس تسهیلات مادی و تأیید و تشویق والدین به انجام کار مدرسه بود، کشف کنند [دونس و همکاران، ۱۹۸۳]. هم‌چنین، نمونه‌های فراوانی در کشورهای در حال توسعه وجود دارند که رابطه متغیرهای خانواده و پیشرفت تحصیلی را مانند ارتباط موجود در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهند.

متغیرهای فرایند خانواده

نتایج به‌دست آمده از تحقیقاتی که تاکنون مورد توجه قرار گرفتند، به پیچیدگی و تعاملات بین افراد (والدین و کودکان) و نیز عوامل دیگر خانواده، مانند دانش و نظامهای ارزشی حاکم بر آنها اشاره داشتند. این عوامل ممکن است بر رشد کودک در طیفی از ویژگیهای شناختی، نگرشی و عاطفی مربوط به عملکرد تحصیلی تأثیر بگذارند. چنین ملاحظاتی موجب شد که تعدادی از محققان بیشتر در زمینه برنامه‌های تحصیلی یا «روش تدریس» خانواده‌هایی که می‌توانند تفاوت‌های موجود در آماده‌سازی کودکان برای یادگیری وظایف مدرسه و راهنمایی آنها در این مسیر باشد، تحقیق کنند. هدف این محققان آن بود که فرایندهای پویا و رایج درون شبکه‌های بزرگ‌تر تعاملات خانواده را تعیین و آن را جای‌گزین شاخصهای ایستای موقعیت اجتماعی-اقتصادی به عنوان ابزارهای اصلاح فهم نقش خانواده در رشدشناختی و تحصیلی دانش‌آموزان کنند [بلوم، ۱۹۸۱، مارجورینیک، ۱۹۶۳].

نتایج بسیاری از تحقیق‌های فردی که بر مطالعه نقش متغیرهای خاص فرایند تأکید می‌کنند، اهمیت طیفی از عواملی هم‌چون انتظارات، آرزوها، تقویت و ساختار خانواده را نشان می‌دهند. داو (۱۹۶۳) شش فرایند مؤثر را شناسایی کرده است که بیانگر تصویر فراگیری از متغیرهای مربوط به آموزش و پرورش درون خانواده است و با پیشرفت تحصیلی بالای دانش‌آموزان ارتباط دارد:

- فشار مربوط به پیشرفت تحصیلی؛
- مانند انتظارات و آرزوهای بالای والدین؛

● زبان: مانند فرصتهای حاصل از رشد زبان و به‌کارگیری سطوح پیچیده و روشهای متفاوت زبان؛

● راهنمایی علمی: مانند کیفیت کمکهای ارائه شده از ناحیه خانواده دربارهٔ مطالب مربوط به فعالیت تحصیلی و تکلیف مدرسه؛

● فعال بودن: مانند مشارکت والدین با کودکان در فعالیتهای گوناگون، جدا از فعالیتهایی که با کارهای تحصیلی رابطهٔ مستقیم دارند؛

● عقلانیت: مانند فرصتهای دانش‌آموزان برای تفکر و تخیل در مورد فعالیتهای روزانه؛

● عادت کاری: مانند میزان سامان‌یابی کارهای عادی و ساختار مدیریت خانه و تأکید بر نظام‌مندی در استفاده از زمان و مکان. تحقیق‌هایی که چنین شاخصهای خانوادگی و شاخصهای موجود در «روش فراتحلیلی وایت» (۱۹۸۲) را به‌کار می‌گیرند، تأثیر عوامل مربوط به سوابق خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را به‌طور متوسط ۵۳ درصد واریانس به حساب می‌آورند.

مدارک تحقیق، به شماری از دستاوردهای خاص در مورد روابط بین متغیرهای خانواده از یک‌سو، و توانایی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از سوی دیگر، به شرح زیر اشاره دارد:

● اول، متغیرهای خانواده با معیارهای توانایی کلامی ارتباط نزدیک‌تری دارند تا مقیاسهای توانایی غیرکلامی (مانند توانایی فضایی).

● دوم، متغیرها بیشتر به مقیاسهای پیشرفت تحصیلی، به‌ویژه در موضوعات اصلی آموزشی مربوط به خواندن و ریاضیات، مرتبط‌اند تا معیارهای مربوط به توانایی عمومی تحصیلی یا تواناییهای کلامی.

● سوم، متغیرهای خانواده طی پیشرفت تحصیلی، بیشتر با موضوعات عمومی پیشرفت در ارتباط هستند تا موضوعهای بیشتر تخصصی (و احتمالاً بیشتر مدرسه‌محور) مانند علوم.

● چهارم، ارتباط بین متغیرهای خانواده، و توانایی و پیشرفت تحصیلی در کشورهای متعدد تأیید شده است؛ در میان گروههای گوناگون اجتماعی-اقتصادی و اخلاقی و همچنین در گروههای شهری. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که در چارچوب گروههای اجتماعی-اقتصادی و اخلاقی، تفاوتی در محیط خانواده‌ها وجود دارند و آن‌چه در رشد کودکان مؤثر است، چیزهایی نیست که والدین همراه دارند (مثلاً موقعیت اجتماعی-اقتصادی)، بلکه آن کارهایی مؤثرند که خود انجام می‌دهند [کله‌غان و دیگران، ۱۹۹۳]. بیان شد که برخی از تحقیقات انجام شده در کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند انطباق روابط متغیرهای خانواده و پیشرفت تحصیلی را که در

کشورهای صنعتی به اثبات رسیده‌اند، اثبات کنند. با این حال، پژوهش‌های دیگری از کشورهای در حال توسعه هستند که تمایل دارند، دستاوردهای کشورهای صنعتی را در مورد اهمیت خانواده منعکس سازند [جان نستون و جیانو، ۱۹۸۳؛ لاک هید و همکاران، ۱۹۸۹؛ اسمیت و چونگ، ۱۹۸۶].

ممکن است برای شناخت دلایل توجیه اختلاف این دستاوردها با کشورهای در حال توسعه، تحقیق کافی انجام نگرفته باشد. انتظار آن است که آن دلایل به‌ویژه در نهاد خانواده و تعلیم و تربیت رسمی، شاخصهای فرهنگی را که در پژوهش به کار گرفته شده‌اند، شامل شوند. دقت در ارائه متغیرهای خانواده که در پژوهشها نشان داده شده‌اند نیز می‌تواند مهم باشد. همانند جوامع صنعتی، مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه نیز که معیارهای مربوط به فرایندهای خانواده را به کار می‌گیرند، به نظر موفق‌تر می‌آیند تا مطالعاتی که با استفاده از مقیاسهای منزلی می‌خواهند ثابت کنند که بین واریانس پیشینه خانواده و واریانس عملکرد تحصیلی پیوند و ارتباط وجود دارد.

اصلاح روابط خانه-مدرسه

کوششهای فراوانی برای تقویت روابط خانه-مدرسه صورت می‌گیرند که توسط والدین، معلمان، مدیران مدارس و مربیان هم تأیید می‌شوند [آپستاین، ۱۹۸۷]. هر چند نقشهای مستقل و متفاوت خانه و مدرسه در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان روشن است، ولی از اواخر قرن بیستم بسیاری از اندیشمندان تعلیم و تربیت ضرورت همکاری بیشتر میان این دو نهاد را، در موفقیت اقدامات مهم این نهادها خاطر نشان کرده‌اند. اغلب معلمان با فرستادن اطلاعات به خانواده‌های دانش‌آموزان درباره موضوعاتی چون برنامه‌ها، مقررات و اهداف مدرسه یا گزارش مربوط به پیشرفت دانش‌آموزان، این همکاری را تقویت می‌کنند. معلمان هم چنین می‌توانند در ملاقات با اولیای دانش‌آموزان، خواه به صورت فردی یا گروهی، در مورد پیشامدهای خاص یا پیشرفت دانش‌آموزان، با آنها مذاکره کنند.

با این حال، به رغم اهمیت چنین روابطی، ممکن است آنها از کارآمدی همیشگی برخوردار نباشند. به‌ویژه این که ممکن است این روابط در کمک به اولیایی که بیشتر به حمایت و درگیر شدن در مسائل تعلیم و تربیت نیاز دارند، کافی نباشند. از این‌رو، برای فراهم ساختن پیوندهای قوی‌تر خانه-مدرسه، لازم است ساختارها و روشهای متفاوتی در نظامهای مدارس سراسر جهان به وجود آیند. بدین ترتیب، اولیا می‌توانند در اداره و تصمیم‌گیری مدارس دخالت کنند یا از طریق مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه‌ای و گردآوری امکانات، به فهرست کمک‌کنندگان مدارس وارد شوند. رویکرد اساسی‌تر برای همکاری اولیا مستلزم داشتن روشهایی است که نقش آموزش را به آنان منتقل سازد. این

زمانی که معلم با گروهی از دانش‌آموزان مشغول تدریس است، والدین می‌توانند با دیگر دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروه کوچکی از آنان، در جهت تقویت مهارت‌هایی که قبلاً از معلم فراگرفته‌اند، کار کنند

رویکرد به‌منظور تقویت نقش و مسئولیت خانواده و نیز بهبود درک، مراقبت و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، روش‌های متنوعی را ارائه می‌دهد. ایفای نقش آموزشی توسط والدین ممکن است در مدرسه یا خانه اجرا شود. اجرای آموزش توسط والدین در مدرسه می‌تواند از طریق برگزاری کارگاه‌ها، و تشکیل گروه‌های توجیهی و نشست‌های کارآموزی برای پدران و مادران باشد، یا خود والدین بتوانند در کلاس‌های درس با معلمان و دانش‌آموزان همکاری کنند. برای مثال، زمانی که معلم با گروهی از دانش‌آموزان مشغول تدریس است، والدین می‌توانند با دیگر دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروه کوچکی از آنان، در جهت تقویت مهارت‌هایی که قبلاً از معلم فراگرفته‌اند، کار کنند. چنین فعالیتی نه‌تنها به معلم کمک می‌کند، بلکه به والدین نیز فرصت می‌دهد تا فعالیت‌های کلاسی را فراگیرند تا بعد از آن بتوانند آنها را در خانه برای تقویت کودکانشان به کار برند یا به دیگر والدین منتقل سازند.

هم‌چنین، تلاش‌های مستقیمی صورت گرفته‌اند تا والدین را در خانه‌هایشان به فعالیت‌های یادگیری با کودکان وادار سازند. این تلاش‌ها معمولاً متوجه دانش‌آموزانی است که آسیب‌پذیری بیشتری دارند. می‌توان این کار را در کارگاه‌ها به وسیله والدین و در خانه‌ها با بازدید معلمان یا ابزارهای دیگر تقویت کرد. از باب نمونه، والدین فنونی را فرامی‌گیرند که مهارت‌های هدایتی آنان را بالنده و یادگیری را فعال، خواندن و نوشتن را توسعه و آنان را به مباحثه و محاوره با کودکانشان تشویق می‌کنند. ممکن است قراردادی بین معلم و والدین منعقد شود که براساس آن، در ارتباط با درس‌ها و فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، وظیفه خاصی برای والدین معین شود.

با توجه به نقش روابط بهینه‌خانه-مدرسه در بهبود یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه، نباید این واقعیت را نادیده گرفت که خانه و مدرسه واحدهایی اجتماعی هستند که دیگر شبکه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی را متبلور و متجلی می‌سازند. توجه

به خانواده نباید به فراموشی نقش نهادها و سایر افراد جامعه منجر شود که می‌توانند به پیشرفت و رشد تحصیلی دانش‌آموزان کمک کنند.

این دیدگاه در «کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه» که در «جامتین» تایلند در سال ۱۹۹۰ زیر عنوان «چارچوب عمل برای برآوردن نیازهای اصلی یادگیری» برگزار شد، مورد تأکید قرار گرفت. این کنفرانس نقش چشم‌گیری را که مؤسسات اجتماعی، شرکت‌ها، مجامع مذهبی و سایر سازمان‌های غیردولتی در تدارک و حمایت از آموزش و پرورش پایه می‌توانند داشته باشد، برجسته و تأیید کرد.

برنامه‌های مربوط به نقش والدین، به‌ویژه اگر به شبکه‌ای از حمایت‌های اجتماعی پیوند بخورند، تأثیرات مثبت و شگرفی بر توانایی کلامی، زبانی، دانش و مهارت به‌دست آمده در محیط مدرسه و موفقیت در موضوعات درسی دانش‌آموزان خواهند داشت. این برنامه‌ها هم‌چنین در تغییر نگرش‌ها، خودباوری‌ها و رفتار والدین و نیز در تأثیرگذاری بر دیگر اعضای خانواده و در نهایت تأثیر بر جامعه‌ای که خانواده در آن زندگی می‌کند، بسیار مؤثرند [کله‌غان و همکاران، ۱۹۹۳].

نتایج

پژوهش در مورد روابط بین نحوه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و محیط‌های خانوادگی آنها، از به‌کارگیری شاخص‌های منزلت اجتماعی در طبقه‌بندی خانواده‌ها، به شناسایی فرایندهای خانواده (یعنی، تعامل میان والدین و فرزندان‌شان) ترقی کرده است که این فرایندها با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مرتبط‌اند. توصیف خانواده‌ها برحسب فرایندها در تنوع مقیاس‌های پیشرفت تحصیلی، اختلاف قابل‌توجهی با توصیف آنها برحسب موقعیت اقتصادی-اجتماعی یا متغیرهای موقعیت خانوادگی دارد. با این حال، از آن‌جا که مبنای یافته‌های تحقیق بر هم‌بستگی استوار است، لزوماً نمی‌توان از مشاهده یک رابطه، به روابط علت و معلولی دست یافت.

درواقع، اگر به پیچیدگی تعامل‌های موجود در محیط خانه توجه لازم مبذول شود- آن‌چه که در پژوهش‌هایی که تا به حال انجام گرفته‌اند، به شایستگی مورد توجه نبوده است- آن‌گاه

روشن می‌شود که هنوز این پژوهش‌ها در فراهم ساختن فهم قانع‌کننده‌ای از چگونگی تأثیر اوضاع جاری در خانه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، چنان‌که باید کارآمد نیستند. برای مثال، دانش‌ما در مورد چگونگی تأثیر ابعاد خاص محیط خانواده بر جنبه‌های خاصی از رشدشناختی تا پیشرفت تحصیلی بسیار ناچیز است.

هم‌چنین، دانش‌ما در مورد این‌که چگونه هر دانش‌آموز در برابر عناصر رفتاری محیط خانواده واکنش نشان می‌دهد و یا آن را دست‌کاری می‌کند، بسیار اندک است، اگرچه اختلاف در واکنش‌های دانش‌آموزان، پیامدهای کاملاً متفاوتی برای رشد و پیشرفت آنان به‌دنبال خواهد داشت، جنس و سن دانش‌آموزان ممکن است در این امر مؤثر باشد؛ زیرا به موازات رشد کودکان، تواناییها، نیازها و رفتارهای آنان نیز تغییر می‌کند. روش‌های دیگری غیر از بررسی‌های کلی دارای مقیاس وسیع و تحلیلهای فرعی و دست‌دوم اطلاعات مورد نیازند تا پرده ابهام از روی این مسائل بردارند.

با این حال، وضع کنونی دانش‌ما درباره روابط خانه-مدرسه دارای پیامدهای ضمنی برای عمل و سیاست‌گذاری است. نقش عوامل خانواده در پیشرفت تحصیلی به‌طور قابل توجهی مورد تأیید قرار گرفته است و برنامه‌هایی مبتنی بر تحلیل عوامل موجود در محیط خانواده ارائه شده‌اند که مرتبط با پیشرفت تحصیلی هستند و در بهینه‌سازی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تا حدودی موفق بوده‌اند.

گذشته از پیامدهای مهم و عملی این کار، موفقیت در تغییر محیط‌های خانواده که هم‌گام با عملکرد تحصیلی انجام شده است، از حمایت پژوهشی بیشتری برخوردار است تا تأییدی که در مورد مطالعات هم‌بستگی در دسترس است و می‌کوشد پیوند علت و معلولی میان آن دسته از متغیرهای دستکاری‌شده از خانواده را با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بیابد.

موفقیت در تدوین برنامه‌هایی که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند، بر چیزی بیش از درک عمیق تر فرایندهای خانواده که بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند، مبتنی است. چنین برنامه‌هایی باید در یک زمینه‌سیاسی به کار گرفته شوند که نه تنها خانواده‌ها را دربرگیرند که معلمان، مدارس و

دیگر شبکه‌های نهادهای اجتماعی را که بر زندگی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند نیز شامل شوند. در این راستا دسته‌ای از تحقیقات، غیر از پژوهشهایی که روابط خانه-مدرسه را بررسی می‌کنند، شرایطی را مورد بررسی قرار می‌دهند که طی آنها، والدین، معلمان و نمایندگان ارگانهای اجتماعی می‌توانند با مشارکت یکدیگر از موانع مربوط به ایفای نقش و نیز موانع نهادینه گذشته بگذرند و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را آسان کنند.

منابع

۱. احمدی، احمد. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. انتشارات ترمه. تهران. ۱۳۷۱.
۲. امین‌فر، مرتضی. «افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش». فصل‌نامه تعلیم و تربیت. سال دوم. پاییز و زمستان ۱۳۶۵. شماره ۷ و ۸. تهران. ۱۳۶۵.
۳. بازرگان، زهرا. «نگاهی دیگر به مسئله افت تحصیلی و شیوه‌های مؤثر مقابله با آن». نشریه پیوند. دی‌ماه ۱۳۷۹.
۴. بیابان‌گرد، اسماعیل. روش‌های پیش‌گیری از افت تحصیلی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۷۸.
۵. بهرام‌زاده، هیبت‌الله. «رابطه خانواده و افت تحصیلی در کازرون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. ۱۳۷۲.
۶. حسین‌پور، شهره و کافیان، محمدرضا. آموزش مهارت‌های تخصصی. دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۷۹.
۷. مجله معرفت، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۶۲.
۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. مبانی روان‌شناختی تربیت. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۶.
۹. شفیق‌آبادی، عبدالله. فنون تربیت کودک. انتشارات چهر. تهران. ۱۳۷۱.
۱۰. نریمانی، محمد. «مروری بر عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان». نشریه پیوند. بهمن ۱۳۵۱.
۱۱. مرتضوی‌زاده، حشمت‌الله. «مقایسه شیوه‌ها و استراتژی مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین دوره متوسطه استان کهگیلویه و بویراحمد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
۱۲. موریش، ایور. درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. ترجمه غلامعلی سرمد. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۳.
۱۳. انجمن اولیا و مربیان. راهنمای آموزش و مشاوره خانواده. دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران. تهران. ۱۳۷۲.
۱۴. به پژه، احمد. اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان. نشر رویش. تهران. ۱۳۸۰.
۱۵. سجادی، سیدمجتبی. بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در تغییر نگرش والدین شرکت‌کننده در کلاس‌ها نسبت به فرزندانشان در دوره ابتدایی شهرستان اراک. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی. اراک. ۱۳۸۰.
۱۶. شکوهی، غلامحسین. تعلیم و تربیت و مراحل آن. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۱.

جامعه‌شناسی و دیدگاه تلفیقی

گفت و گو با عبدالله نجفی اصل، دبیر جامعه‌شناسی استان بوشهر

گفت و گو: محمود اردو خانی

اشاره

عبدالله نجفی اصل، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است. او سال‌ها دبیر جامعه‌شناسی دبیرستان‌های استان بوشهر و در عین حال، مدرس مراکز تربیت‌معلم، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، و دانشگاه علمی- کاربردی بوده است. نجفی مقالات بسیاری به رشته تحریر در آورده است و مقاله او با عنوان «پوشش ایرانیان» سبب شد که به عنوان پژوهشگر برتر اداره ارشاد اسلامی استان بوشهر برگزیده شود. طرح‌های تحقیقاتی بسیار نیز ارائه داده که از آن جمله است: «حساس امنیت اجتماعی در استان بوشهر». با او در مورد رابطه زیست اجتماعی و زیست طبیعی به گفت‌وگو نشستیم.

○ آموزش و پرورش، به عنوان یک نمونه از محیط زیست اجتماعی، از نظر شما دارای چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی است؟ شما برای این محیط زیست اجتماعی چه مشخصه‌هایی قائل هستید؟

● در کتاب‌های جامعه‌شناسی، محیط زیست اجتماعی محیطی تعریف شده است که خودبه‌خود تحت تأثیر هنجارها، آموزش‌ها، قوانین و اصلاً خودساختار جامعه است. حالا این جامعه را چه جامعه بزرگ ایران حساب کنیم، چه جامعه کوچکی مثل استان بوشهر.

○ ارزیابی شما از محیط زیست اجتماعی

آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و استان مثبت است یا منفی؟

● نمی‌توان محیط زیست اجتماعی آموزش و پرورش را به‌تنهایی مورد بررسی قرار داد و این رابطه را باید بین بخشی بررسی کرد. در کتاب‌های دوره دبیرستان هم مشاهده می‌کنیم که این رابطه از بیرون است. یعنی حکومت، دین، رسانه‌ها و حتی نوع پوشش خانواده هم بر محیط زیست اجتماعی آموزش و پرورش تأثیر دارند.

در آموزش و پرورش کار زیاد شده است، اما عواملی هم وجود دارند که با وجود آن‌ها نمی‌توانیم به ایده‌آل‌هایمان به‌راحتی برسیم. از جمله این عوامل اینترنت و ماهواره است که به‌عنوان وسایل ارتباط جمعی روی آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارند.

○ این موارد چگونه مانع رسیدن به ایده‌آل‌ها می‌شوند؟

● مثلاً موبایل دانش‌آموزان حاوی عکس‌هایی است که با آن چه معلم در کلاس دین و زندگی یا علوم اجتماعی می‌گوید، تعارض زیادی دارد. یعنی در کلاس مطالب مثبتی به دانش‌آموز می‌گوییم، اما او از جاهای دیگر ماهواره، اینترنت و حتی خیابان، تأثیرات منفی می‌پذیرد. البته نکات مثبت زیادی هم وجود دارند؛ مثل کلاس هوشمند، نرم‌افزارهایی که وجود دارند و حتی خود اینترنت که دنیای علم است

و به‌روزرسانی آن می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی روی آموزش و پرورش داشته باشد. وقتی به محیط خانواده در گذشته نگاه می‌کنید، می‌بینید خانواده‌ها هم به بچه‌ها آموزش می‌دادند. یعنی دو نهاد آموزشی داشتیم: ابتدا خانواده و بعد مدرسه. اما در حال حاضر وسایل ارتباط جمعی با آموزش‌های مجازی، از خانواده و مدرسه بیشتر تأثیر دارند. در این میان، نقش خانواده مؤثرتر از مدرسه است. ما تنها شش ساعت در روز با دانش‌آموز در مدرسه هستیم او بیشتر اوقات روزانه خود را در

در آموزش و پرورش کار زیاد شده است، اما عواملی هم وجود دارند که با وجود آن‌ها نمی‌توانیم به ایده‌آل‌هایمان به‌راحتی برسیم. از جمله این عوامل اینترنت و ماهواره است که به‌عنوان وسایل ارتباط جمعی روی آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارند

خانواده می‌گذراند. فیلم‌های خارجی دوبله شده به فارسی که از ماهواره پخش می‌شوند، فرهنگ ما را از ریشه تغییر می‌دهند. متأسفانه پدر و مادر و اهل خانه می‌گویند ما که کاری نمی‌کنیم، یک فیلم سرگرم‌کننده تماشا می‌کنیم. اما همین فیلم‌ها موجب تضعیف جامعه ایرانی-اسلامی و هنجارهای آن می‌شوند.

○ به نظر شما چاره چیست؟ چگونه می‌توانیم با این‌گونه فیلم‌ها مقابله کنیم؟

● چاره این است که صدا و سیما جمهوری اسلامی باید برنامه‌های متنوع داشته باشد. برای مثال، زمانی که «شب‌های برره» پخش می‌شد، کسی به سراغ فیلم‌های دیگر نمی‌رفت. اما امروز می‌بینیم برنامه‌های ماهواره متنوع شده است. اگر صدا و سیما ما و رسانه‌های جمعی داخلی بتوانند خوراک رسانه‌ای خوبی را به مخاطبان بدهند، خودبه‌خود اخبار، گزارش‌ها و فیلم‌های آن‌ها به گورستان سپرده می‌شوند.

○ رابطه محیط زیست اجتماعی را با محیط زیست طبیعی چگونه می‌بینید؟

● رابطه آن‌ها متقابل و دوطرفه است. ممکن است بعضی بگویند محیط زیست اجتماعی روی محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد، ولی من معتقد هستم که این رابطه دوطرفه است. آقای منتسکیو که حقوق دانی فرانسوی است، عقیده دارد که حکومت‌داری با توجه به آب و هواست. مثلاً حکومت‌های جمهوری معمولاً در نوع آب و هوای خاص تشکیل می‌شوند و حکومت‌های استبدادی مخصوص آب و هوای سرد هستند.

شیوه حکومت یک زیست اجتماعی است. محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی تأثیر متقابل دارند. در زلزله بم، محل سکونت و زیست اجتماعی مردم دچار تغییر شد؛ چون شکل زندگی و خانه‌های باستانی را که در آن‌جا بود، تغییر یافت؛ مثل ارگ بم. محیط اجتماعی هم از طریق قوانین و هنجارها روی محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد.

○ شهروندان بوشهری تا چه حد با نهادهای رسمی-اجتماعی و وظایف و عملکرد آن‌ها آشنا هستند؟

● ضعفی که در جامعه ما حتی بین قشرهای آموزش‌دیده دانشگاهی مشاهده می‌شود، ناآشنایی با حقوق خودمان است. ما وقتی به دادگاه، شهرداری، مخابرات و... مراجعه می‌کنیم، از حقوق خود آگاه نیستیم و لذا اول به دنبال رابطه می‌گردیم. این خیلی وقت‌ها موجب می‌شود که به حقوق دیگران نیز تجاوز کنیم.

نظریات غربی را در کتاب‌ها نقد کنیم. بهتر است از همین دوره دبیرستان شروع کنیم تا به دانشگاه برسیم. این که بعضی موارد را بی‌دلیل حذف کنیم، به نظر من درست نیست. بهتر است در کتاب جامعه‌شناسی تلفیقی از نظریات غربی و اسلامی و نقد نظریات غربی آورده شود

○ برای بهبود این وضعیت نقش آموزش و

پرورش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● نقش آموزش و پرورش مطمئناً خیلی پررنگ است. در نظر بگیرید دانش‌آموزی که از کلاس اول دبستان به‌عنوان همیار پلیس فعالیت می‌کند و در دبیرستان کتاب قوانین اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و درس‌های پرورشی را آموزش می‌بیند، دانش‌آموز ناآگاهی نخواهد بود. من فکر می‌کنم صدا و سیما ناگزیر است که با آموزش و پرورش مشارکت کند. به قول یکی از همکاران، وقتی ما در

مدرسه چیزی را آموزش می‌دهیم بعد در خارج از مدرسه چیز دیگری می‌بینیم، این‌ها موجب تعارض می‌شود.

من خودم معلم هستم و آموزش و پرورش را هم مقصر می‌دانم، چون نتوانسته است به‌طور کامل آن‌چه را لازم است آموزش بدهد. ولی بنده می‌گویم نهاد آموزش و پرورش، شهرداری، نیروی انتظامی، و صدا و سیما اگر با هم خوب کار کنند، می‌توانند آگاهی‌های لازم را به جامعه بدهند. مثلاً اگر در خانواده کودک را رها کنند، او در آینده از حقوق خودش آگاهی نخواهد داشت.

○ نظر تان را در مورد نوروز، جایگاه آن در فرهنگ اسلامی و شاخص‌هایی که در زیست اجتماعی مردم استان ایجاد می‌کند بفرمایید؟

● نوروز مثال بسیار جالبی است برای ارتباط بین محیط‌زیست اجتماعی و طبیعی. مراسم و آداب نوروزی نشان از تأثیر محیط‌زیست اجتماعی روی محیط‌زیست طبیعی دارد. سال را با دعای مخصوص یا مقلب‌القلوب شروع می‌کنیم که این ناشی از علاقه ما به نگرش اسلامی و روایات است.

در زیست‌اجتماعی بوشهر نوروز جایگاه خاصی دارد. دیدوبازدیدها، سبزه، ماهی و بومی‌گرایی را می‌توان تأثیر نوروز بر محیط‌زیست اجتماعی استان دانست.

○ دغدغه‌های آقای عبدالله نجفی اصل،

دبیر جامعه‌شناسی استان بوشهر در مورد آموزش و پرورش چیست؟

● از تغییر کتب درسی مثل جامعه‌شناسی که به‌روز شده‌اند، خوش حال هستم و دیگر آن حالت‌های تکراری وجود ندارد. اما پیشنهاد می‌کنم در مورد کتاب جامعه‌شناسی از مفاهیم غربی هم استفاده کنیم و نظرات آن‌ها را هم در مورد پدیده‌های اجتماعی داشته باشیم. مثلاً در مورد عدالت، تلفیقی از دیدگاه‌های اسلام و قرآن و نظریات حضرت علی(ع) را داشته باشیم.

ضعفی که در جامعه ما حتی بین قشرهای آموزش دیده دانشگاهی مشاهده می‌شود، ناآشنایی با حقوق خودمان است. ما وقتی به دادگاه، شهرداری، مخابرات و... مراجعه می‌کنیم، از حقوق خود آگاه نیستیم و لذا اول به دنبال رابطه می‌گردیم

نظریات غربی را در کتاب‌ها نقد کنیم. بهتر است از همین دوره دبیرستان شروع کنیم تا به دانشگاه برسیم. این که بعضی موارد را بی‌دلیل حذف کنیم، به نظر من درست نیست. بهتر است در کتاب جامعه‌شناسی تلفیقی از نظریات غربی و اسلامی و نقد نظریات غربی آورده شود. رشته‌های علوم انسانی با رشته طبیعی و ریاضی تفاوت دارند. در آن‌ها $2 \times 2 = 4$ می‌شود، اما در علوم انسانی این‌طور نیست.

در مورد نیروی انسانی، من وقتی می‌بینم که معلمان ما دغدغه معیشت دارند و چندشغله هستند، اصلاً برایم قابل قبول و پسندیده نیست. امیدوارم که جناب وزیر و دولت کاری کنند که معلمان ما از لحاظ معیشت به جایی برسند که دیگر چندشغله نباشند.

دغدغه دیگرم در رابطه با خانواده‌هاست که نباید اجازه بدهند دانش‌آموزان هر میزان که می‌خواهند از وسایل ارتباط جمعی استفاده کنند. دانش‌آموزانی را می‌بینیم که بلوتوث‌ها، اینترنت، ماهواره و جاذبه‌های خیابانی برایشان مهم‌تر از کتاب و محتوای درسی شده و این برای آموزش و پرورش و خانواده هم چالش و هم ضعف است. نکته دیگر این که کسانی در آموزش و پرورش مشغول شوند که سیاسی نباشند و افراد سیاسی پست آموزشی نگیرند. کسانی پست آموزشی بگیرند که واقعاً تخصص آموزشی داشته باشند.

○ فکر نمی‌کنید این خواسته و تعریف شما جامعه‌شناسانه نیست؟ ● چرا. این فلسفی است و من قبول دارم، چون ما در فلسفه می‌گوییم اما باید در جامعه‌شناسی هم بگوییم آن‌چه هست. به هر صورت امیدوارم افراد آموزشی بیایند. من دوست داشتم آقای حاجی‌بابایی وزیر شود، چون خودش معلم است. ولی در بعضی دوره‌ها، مسئولان معلم نبودند و در حق کتاب، درس، تعلیم و تربیت، و آموزش و پرورش اجحاف شد.

○ آیا افراد سیاسی هم حق دارند بگویند

که آموزشی‌ها سیاسی نشوند؟ این‌گونه که نمی‌شود، بالاخره سیاست‌مدار هم دارای یک سلسله تفکرات آموزشی است. اصولاً چگونه می‌توانیم بین فرد سیاسی، جامعه‌شناس، و آموزش و پرورش مرزبندی کنیم.

● منظورم این بود که مثلاً در بین سیاسیون، فردی مثل آقای حاجی‌بابایی که هم سیاسی و هم معلم است، مناسب‌تر است. اگر مرا در نهاد اقتصادی بگذارند، جواب نمی‌دهد و در نهاد آموزشی مؤثرتر خواهیم بود.



مدرسه زندگی طرحی راهبردی

○ ارزیابی شما از رفتارهای اجتماعی و محیط زیست بوشهر چیست؟ آموزش و پرورش روی رابطه بین این دو محیط چه تأثیری دارد؟

● ما آموزش و پرورش را یک نظام باز تلقی می‌کنیم. از ویژگی‌های آن تأثیرگذار و تأثیرپذیر بودن آن است. رابطه جامعه، آموزش و پرورش، خانواده و مدرسه رابطه‌ای نزدیک است. مشارکت دو نهاد مقدس خانواده و مدرسه در بالندگی، و رشد و کمال انسانی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد.

○ لطفاً بفرمایید مدیران آموزش و پرورش برای شناسایی وضع موجود تا چه حد به امر پژوهش می‌پردازند؟

● بنده شخصاً به این نتیجه رسیده‌ام که در همه سازمان‌ها و به خصوص در آموزش و پرورش، مبنای همه جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید تحقیق و پژوهش باشد. دیگر زمان آزمون و خطا نیست.

○ آیا سایر مسئولان استان هم چنین نگرشی به امر پژوهش دارند؟

● بله. مخصوصاً مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان، خیلی بر این موضوع تأکید دارند و پژوهش را مبنا قرار داده‌اند. علاوه بر ایشان، اغلب مدیران آموزش و پرورش سعی می‌کنند که جهت‌گیری‌هایشان علمی و عالمانه باشد؛ چرا که امروز در آموزش و پرورش جایی برای جهت‌گیری‌های فله‌ای نیست و قطعاً بدون نقشه راه، کسی به جایی نمی‌رسد.

○ در ایام نوروز در استان بوشهر چه می‌گذرد و روابط اجتماعی مردم استان چگونه است؟

● نوروز در واقع زمینه‌ای است متناسب با فرهنگ معمول جامعه استان بوشهر. در ایام نوروز مردم به دید و بازدید می‌روند و در واقع نوروز موجب می‌شود که یک خانه‌تکانی دل هم در کنار خانه‌تکانی منزل در خانواده‌های استان اتفاق بیفتد که انصافاً مردم این استان فوق‌العاده عاطفی و اجتماعی هستند. اثرگذاری نوروز را بر روابط دلی خیلی مؤثر می‌دانم.

○ در استان بوشهر، آموزش و پرورش تا چه حد در آشناسازی مردم و خانواده‌ها با وظایف نهادها و سازمان‌ها موفق بوده است؟

● کارکردهای آموزش و پرورش را می‌توانیم در دو زمینه بررسی کنیم: یکی کارکردهای آشکار علم‌آموزی و حرفه‌آموزی، بحث تکمیل و تکامل شخصی افراد، و تحصیل افراد جامعه، و دوم کارکردهای نهانی است که به‌عنوان وظیفه آموزش و پرورش باید در نظر داشته باشیم. در بحث کارکردهای نهان، تکیه و تأکید ما بر مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری است که در روابط اجتماعی آثار این سه موضوع را می‌توان مشاهده کرد.

○ استان بوشهر آموزش علوم انسانی را چگونه می‌بینید؟

● ما معتقد هستیم که آمایش منطقه‌ای داشته باشیم و توزیع دانش‌آموزان براساس شاخص‌های مصوب به گونه‌ای باشد که هم در علوم انسانی و علوم پایه در شاخه‌های نظری، توزیع متوازن

گفت‌وگو با یدالله بام‌نشین،

معاون آموزش متوسطه

آموزش و پرورش استان بوشهر

گفت‌وگو: محمود اردوخوانی
تنظیم: محمود همدانی

اشاره

معاون آموزش متوسطه استان بوشهر از رابطه زیست‌اجتماعی و زیست طبیعی استان می‌گوید. وی در پست‌های متفاوت دبیری، آموزش، مدیریت و معاونت بیش از ۳۲ سال سابقه دارد. با روی باز گفت‌وگو با ما را



پذیرفت و دل‌نگرانی‌های دانش‌آموزان و دبیران را در مورد برخی از برنامه‌های آموزش و پرورش در استان بوشهر منعکس کرد. در ادامه، مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

داشته باشیم و هم متناسب با موقعیت و جایگاه صنعتی و اقتصادی استان، به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش توجه داشته باشیم. خوش‌بختانه در بحث توزیع‌های متوازن، به‌ویژه در بحث آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش، موفقیت‌های کیفی خوبی حاصل شده و جهت‌هایمان هم امیدوارکننده است.

○ آیا شما نگاهی به کتب علوم انسانی داشته‌اید؟

● بنده در جلسه گروه‌های آموزشی تأکیدم بر این بود که سعی کنید پای مؤلفان کتاب‌های درسی به استان باز شود، چون اثربخش است. اثرگذاری موضوع را در آخرین آمایشی که با حضور مؤلف ریاضی در کنفرانس نقد و بررسی محتوای کتاب داشتیم، شاهد بودیم. به نظر من این نشست‌ها و آمایش‌ها می‌تواند به تکمیل و تکامل محتوای کتب درسی کمک کند.

○ آیا نظرسنجی گروه‌های آموزشی متوسطه در این استان فعال است؟

● بله یکی از شاخص‌های مهم بحث نقد و بررسی کتب درسی است. نمی‌دانم اطلاع دارید یا خیر، ما در معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی بخش جدیدی را برای نقد و تحلیل کتب درسی تشکیل داده‌ایم که وظیفه نظرسنجی را عهده‌دار است.

○ در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستان داشتیم، گویا داشتند که در استان برنامه‌ریزی امتحانات ناهماهنگ است. برای مثال می‌گفتند سایر استان‌ها به موقع امتحانات را شروع کردند و تعطیلات هم داشتند، ولی در استان بوشهر این کار رعایت نشده است. نظر شما به عنوان معاون آموزش متوسطه چیست؟

● چنانچه شرایط خاص پیش بیاید و مدرسه پاسخ‌گویی برگزاری امتحانات بدون تعطیلی کلاس نباشد، کمیسیون خاص شهرستان و منطقه با ذکر دلایل باید چرایی ضرورت تعطیلی کلاس در ضمن برگزاری امتحانات را توضیح دهد و در صورت موافقت شهرستان و منطقه، امتحانات نیم‌سال اول بدون تعطیلی انجام می‌شود. آیین‌نامه

امتحانات تسریع کرده است که امتحانات نیم‌سال اول بدون تعطیلی کلاس برگزار می‌شود.

ما در طول سال تعطیلات زیاد و متفاوتی داریم؛ آلودگی‌های محیط‌زیست، گرد و غبار، گرمای زودرس در استان و مانند این‌ها، در نشست‌هایی که با معاون آموزش استان داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که یکی از راهکارهای جبران عقب‌ماندگی می‌تواند مقوله اجرای قانون باشد. البته نگاه من برتر از صرفه‌جویی در زمان است. من اعتقاد دارم، که معلم از آغاز سال تحصیلی با تکیه بر پرسش‌های تدریجی و ارزش‌یابی پیوسته تدریس کند، دانش‌آموز ما شب امتحانی نخواهد شد.

○ به‌طور کلی چند درصد از دانش‌آموزان شب‌امتحانی نیستند؟

● برآورد نکرده‌ایم، معمولاً در جوامع دانش‌آموزی ما، خیلی از آن‌ها به این مطلب توجه ندارند که با آموزش تدریجی از شروع سال تحصیلی، خودشان را براساس برنامه کتاب جلو بکشند. بنده معتقدم که اگر این موضوع به صورت یک فرهنگ و عین قانون در جامعه آموزش و پرورش ما دربیاید، می‌تواند یک راهکار مؤثر برای پیش‌گیری از افت تحصیلی دانش‌آموزان بر مبنای جهت‌گیری آموزشی و معلمان و دبیران ما در کلاس درس باشد.

○ دانش‌آموزان به عدم اجرای این قانون در سایر استان‌ها اعتراض داشتند. می‌پرسیدند چرا در این استان که با مشکلات خاص مواجه است، اجرا نشده است؟

● در مقایسه با سنوات قبلی، معاونین آموزشی و رئسای شهرستان‌ها در تحلیلی به این نتیجه رسیده‌اند که این کار مثبت است.

○ آیا می‌دانید که موجب افت تحصیلی در دانش‌آموزان شده‌اید؟ یا به نتیجه دیگری رسیده‌اید؟

● ما به جایی برخورد نکردیم که بگویند افت تحصیلی داشته‌ایم. ما کاری نکردیم که موجب افت تحصیلی شود. نکته‌ای را عرض کنم. از امتحانات نیم‌سال اول هیچ سندی باقی نمی‌ماند و نیازی



نیست که باقی بماند. در امتحانات نیم‌سال دوم، چهار نمره اثرگذاری آن است که دو نمره آن در اختیار معلم است و براساس ارزش‌یابی طی نیم‌سال داده می‌شود. فکر می‌کنم طی این ۱۰ یا ۱۵ روزی که مدرسه تعطیل می‌شود، افت آموزشی می‌تواند تیزتر باشد.

○ این نظر شماست که شاید درست باشد یا غلط. آیا با توجه به ساختار جامعه ما، مطالبی که شما گفتید موجب افت تحصیلی دانش‌آموزان نمی‌شود؟

● من سعی کردم کار اطلاع‌رسانی را به موقع انجام دهم. دانش‌آموز در ابتدای سال تحصیلی می‌دانست که امسال امتحانات نیم‌سال اول بدون تعطیلی کلاس درس برگزار می‌شود.

مهم‌ترین سودمندی این رویکرد آن است که تأکید معلم هم بر پرسش‌های تدریجی و ارزش‌یابی در طی سال تحصیلی بیشتر می‌شود. یکی از برنامه‌های ما در استان بوشهر، چند رسانه‌ای کردن آموزش است؛ بهره‌گیری از رسانه‌های دیداری، شنیداری در آموزش به شکلی که فرایند یادگیری و یاددهی هم عمیق شود و هم آسان.

براساس این نگاه به جرئت می‌توانم بگویم در زمینه توسعه کلاس‌های درس الکترونیک، استان بوشهر در سطح کشور از استان‌های پیش‌تاز است. ما در فاز اول ۱۶ کلاس را در دوره متوسطه، در فاز دوم ۲۷ کلاس را در دوره راهنمایی تحصیلی و در فاز سوم ۲۰۰ کلاس را به وسایل الکترونیکی مجهز کردیم. در مورد تعطیلات بین دو نیم‌سال هم تأکید می‌کنم، اگر معلم بتواند با تکیه بر ارزش‌یابی مناسب و نگاه خاص به‌ویژه به پرسش‌های مستند و تدریجی، دانش‌آموز را طی سال به دنبال خودش بکشد، ما دیگر نیازی به تعطیلی نداریم و دانش‌آموز هم دچار دلهره نخواهد شد. من ایمان دارم اگر جهت‌ها خوب ترسیم شوند، همه همکاران ما آمادگی دارند که در این زمینه همراهی و هم‌گامی داشته باشند. بنده اعتقاد دارم، هر زمان هر حرفی در نظام تعلیم و تربیت ما مبنای علمی و منطقی داشته باشد، پذیرش آن

راحت‌تر و برای اجرا و به نتیجه رساندن آن، کار راحت‌تر است. طرح جامع بهبود کیفیت آموزش و پرورش یا طرح مدرسه زندگی، یک تفکر راهبردی است که بومی شده و در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، بعد از بسترسازی فرهنگی، با تربیت مشاورین و آماده کردن جامعه هدف و برگزاری داده‌های کارگاهی مطلوب و مفید به اجرا درآمد.

ایده ما به مدت دو سال در ۱۰۲ مدرسه جامعه هدف تحلیل شد. آثار و دستاوردهای این طرح به یک معجزه بیشتر شباهت داشت تا به کاری که در مدارس اتفاق افتاده باشد. بنده می‌گویم ایده باید ارائه شود. توجه جامعه آموزشی ما امروز باید بیشتر به منابع انسانی باشد. باید نگاه خاص به مدیریت‌ها تغییر کند. نگاه مدیریتی، اجرای ایده‌های نرم‌افزاری است که می‌تواند جهت‌ها را ترسیم کند. به کمک حرکت‌های نرم‌افزاری باید روی توانمندسازی منابع انسانی مان فکر کنیم.

○ آیا موفقیت‌های این طرح را به صورت طبقه‌بندی شده و مکتوب دارید؟
● همه چیز را به صورت مستند حفظ کرده‌ایم. وقتی که حضرت آقا فرمودند باید یک تحول عظیم بنیادی در آموزش و پرورش اتفاق بیفتد، این جرقه خورد و در سال ۱۳۸۵ شروع کردیم و در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ اجرایی شد. در واقع طرح را از مجاری ذی‌ربط، از کمیته برنامه‌ریزی استان، شورای معاونین و شورای آموزش و پرورش استان گذراندیم و مصوب شد.

هم‌چنین، از مشاورین توانمند مانند آقای دکتر نوری‌زاد، مؤلف آموزش و پرورش، دکتر تورانی، مؤلف کتاب «مدیریت فرایندمدار»، و «شوق تغییر» و جناب آقای فضلی‌خانی استفاده کردیم. خیلی خوب هم جواب داد و یک مدل شد که در حوزه معاونت پرورشی قرار گرفت و شد طرح جامع بهبود کیفیت آموزش و پرورش.

○ چرا از چهره‌ها و بزرگان بوشهری و بومی استان استفاده نکردید؟
● از مجموعه شخصیت‌های علمی استان، در تشکیل طرح دیر استفاده کردیم.



سیدقاسم یاحسینی از فرهنگیان اهل قلم استان بوشهر است. وی سال‌ها در آموزش و پرورش خدمت کرده و در سمت‌های متفاوت معلمی، دبیری، مدیریت مدارس و مراکز تربیت معلم مشغول فعالیت بوده است. یاحسینی در موضوع و مسائل اجتماعی به خصوص در استان بوشهر دارای نگرش ویژه‌ای است و مسائل اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی این استان را به خوبی تحلیل می‌کند. یاحسینی از نویسندگانی است که نسبت به دفاع مقدس نیز بسیار حساس و متعهد است و تاکنون هفت بار کتاب‌های او به عنوان کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شده‌اند. هم‌اکنون او در حال آماده‌سازی «دانش‌نامه بوشهر» به سفارش استانداری است. این دانش‌نامه در ۱۲۰ جلد منتشر خواهد شد که ۳۰ جلد آن آماده شده است. این آماده‌سازی به وسیله گروهی از محققانی و زیر نظر یاحسینی، انجام می‌گیرد که پنج سال طول خواهد کشید. او دو فرزند دارد که هر دو از دانشجویان موفق هستند. همسر ایشان نیز نویسنده است و تاکنون هفت جلد کتاب منتشر کرده است. ایشان در آموزش و پرورش خدمت می‌کند.

■ گفت‌وگو

آموزش و پرورش

اجتماعی

گفت‌وگو با

سیدقاسم یاحسینی،

پژوهشگر

استان بوشهر

سؤال‌چ

۵۶

رشد آموزش و پرورش
دوره‌ی ۱۵
شماره ۳
بهار ۱۳۹۱

گفت‌وگو: محمود اردوخوانی

● لطفاً از سوابق علمی و اجرایی خودتان را برای ما صحبت کنید؟

○ متولد ۱۳۴۴ هستم و دیپلمه. من به این نتیجه رسیدم که در ایران دانشگاه جان ندارد. بنابراین به همان دیپلم اکتفا کردم و شخصاً از سال ۱۳۶۴ به کارهای پژوهشی و علمی روی آوردم.

نزدیک به ۱۲۰ جلد کتاب تألیف و چاپ کرده‌ام که ۴۵ جلد آن‌ها مربوط به بوشهر و همین تعداد مربوط به جنگ تحمیلی است. بقیه هم به جریان‌های تاریخی و روشنفکری می‌پردازند. آثارم تاکنون هفت‌بار در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شده‌اند. با دایره‌المعارف‌های ایرانی و خارجی همکاری داشته و دارم.

مهم‌ترین کاری که در چند سال اخیر دغدغه من شده، دانش‌نامه استان بوشهر است که امیدوارم با همکاری مسئولان محلی در ۱۱۰ جلد و ظرف پنج سال منتشر شود. سال گذشته اولین سالش بود و امسال حدود ۳۰ جلد آن انتشار می‌یابد. اگر مسئولان تسریع کنند، بقیه آن هم ظرف سه سال آینده آماده خواهد شد.

● دوست داریم مسئولیت‌های اجتماعی شما را بدانیم.

○ مدتی مسئول روابط عمومی استانداری بوشهر و حدود ۱۰ سال سرپرست روزنامه کیهان (در استان) بودم. بعد معاون «انجمن سینمایی جوان» استان شدم و چند سالی هم مسئول خبرگزاری و کتابخانه صدا و سیما بودم که ای کاش نبودم و آن سال‌ها را هم خرج کارهای پژوهشی می‌کردم تا مثل الان مال‌باخته و مغموم نباشم.

● در مورد ارتباط محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی

بوشهر نظرتان را بفرمایید؟

○ این دو دیالکتیک خیلی فشرده‌ای دارند، به طوری که محیط زیست و محیط اجتماعی را شکل‌بندی و قالب‌بندی می‌کند. چند چیز در بوشهر حرف اول را می‌زنند و تأثیر بسیار مستقیمی بر محیط اجتماعی بوشهر دارند. مهم‌ترین آن‌ها گرما و اتمسفر بسیار هاله‌ای این منطقه است که بچه‌های بوشهر را آدم‌های سست و کم‌انگیزه‌ای کرده است. این خلدون می‌گوید: مناطق بندری و مرطوب انگیزه اجتماعی لازم را ندارند. من وقتی از نگاه بیولوژیک بررسی می‌کنم، می‌بینم که همین جور است. آمار هم نشان می‌دهد بومی‌های بوشهر آدم‌های موفق نبوده‌اند. من خودم بوشهری هستم و خانواده‌ام و خاندانم هم بوشهری‌اند. بنابراین اگر این حرف را می‌زنم، با کمال درد می‌زنم. بازار بوشهر را غیربوشهری‌ها اشغال کرده‌اند مدیریت‌های کلان استان، غیربوشهری و غیربومی هستند. استاندار فعلی ما غیربومی است و بسیاری دیگر از مدیران دبلیش گرماسست که حوصله و حال اندیشیدن را از مردم بوشهر گرفته است. البته ما دانشمندان، مشاهیر و متفکران بسیار زیادی داریم که برخی از آن‌ها در سطح جهانی مطرح هستند. به عنوان نمونه عرض می‌کنم، ما ابوسعیدسیرافی را داریم که بزرگ‌ترین نحوی جهان بعد از سیبویه است. ایشان شرحی بر «الکتاب» سیبویه نوشته است که امروزه یکی از منابع معتبر در دانشگاه‌هایی مثل الازهر در مصر است. یک چهره شیعی داریم به نام ابن نوح سیرافی که ایشان



نخستین کتاب در مورد امام زمان (عج) و نواب اربعه را نوشته است و جالب این که نجاشی و شیخ طوسی شاگردان وی بوده‌اند.

● **نظر تان در مورد آموزش و پرورش و مدرسه به عنوان یک محیط زیست طبیعی و اجتماعی چیست و چه ویژگی‌هایی برایش قائل هستید؟**

○ پدر من آموزش و پرورش است و همسر من هم همین‌طور. بنابراین می‌توانم بگویم زاینده آموزش و پرورش هستیم و آموزش و پرورش هستم. به یک معنا باید بگویم آموزش و پرورش در ایران حیات چندانی ندارد، زیرا نمی‌تواند آرمان‌های اسلام و انقلاب را به جوانان انتقال دهد. هنوز نتوانسته است آرمان‌ها را درونی کند.

● **نقش شما اندیشمندان و پژوهشگران در این جامعه چیست؟**

○ ما به تعبیری زیبا خرمگس معر که هستیم، نباید بگذاریم این گونه مشکلات ایجاد بشود و جامعه به خواب خرگوشی برود. دکتر شریعتی می‌گوید روشنفکر آگاه کسی است که منتقد دائم اجتماعی است. اما متأسفانه این روشنفکران در کشور نمی‌مانند تا مشکلات را برطرف کنند. شما ببینید، دارایی ایرانی‌ها در آمریکا ۴۰۰ میلیارد دلار است که می‌تواند اقتصاد این مملکت را نجات دهد. شما ببینید چند درصد از کارکنان سازمان ناسا ایرانی هستند. چند ایرانی در شرکت زیمنس یا در دانشگاه‌های معتبر غربی مشغول کارند. ما باید این ایرانی‌ها را جذب کنیم و به کشور برگردانیم.

● **به نظر شما، چه راهکارهای کاربردی برای حل مشکلات در بوشهر وجود دارد؟**

○ یکی از راهکارها اصلاح دانشگاه است. وقتی فهرست ۲۰۰ دانشگاه پیش‌تاز دنیا را اعلام می‌کنند، ما در آن هیچ جایگاهی نداریم. ریاض پایتخت عربستان که زنان حق ندارند آنجا رانندگی کنند، دانشگاهش جزو این ۲۰۰ دانشگاه است. البته ممکن است که سوء نیت و مخالفت غربی‌ها با ما موجب شده باشد که دانشگاه‌های ما در این فهرست قرار نگیرد، اما اشکال از خود ما هم هست. متأسفانه برخی از استادان امروز دانشگاه‌های ما استاد نیستند، کارمند فرهنگی‌اند. من آقایان فروزان‌فر، زرین‌کوب، شفیعی کدکنی، زریاب خوبی و مانند آن‌ها را استاد می‌دانم. استادی که دارد برای پروپوزال (طرح تحقیق) ۴ یا ۵ میلیون می‌گیرد، استاد نیست. من در غرب مصاحبه‌ای داشتم با پرفسور شیخ الاسلام که در دوره دکترای دانشگاه آکسفورد تدریس می‌کرد. می‌گفت هفته‌ای چهار ساعت تدریس دارم و هفت دانشجو هم بیشتر ندارم، اما ۲۴ ساعته در اختیار این دانشجوها هستم. هر دانشجو در هر ترم سه ماهه باید هفت‌هزار صفحه مطلب بخواند؛ یعنی به‌طور متوسط روزی ۸۰ صفحه. کدام یک از فرهیختگان ما چنین مطالعه می‌کند؟ این همه مقام رهبری روی کتاب‌خوانی تأکید دارند. ما ساعت‌ها می‌نشینیم و تبلیغات تلویزیونی می‌بینیم، اما حاضر نیستیم رمان، کتاب تاریخی، کتاب فلسفه و جامعه‌شناسی یا کتاب‌های مذهبی بخوانیم.

● **آیا شما توانسته‌اید روی مردم بوشهر اثر بگذارید تا حداقل کمی بیشتر اهل مطالعه شوند؟**

○ ببینید، رییس‌علی دلواری قهرمان ملی این شهر است. تا قبل از من حتی یک مونوگرافی علمی برای رییس‌علی دلواری نوشته نشده بود. تنها رمان «دلوار تنگستان» بود که فیلم خوبی هم قبل از انقلاب از آن ساخته شد. من نخستین کتاب علمی و آکادمیک را براساس منابع داخلی و خارجی درباره رییس‌علی دلواری نوشته‌ام، اکنون و در میان روحانیت، بوشهریان به آیت‌الله بلادی افتخار می‌کنند. تنها مونوگرافی را که در مورد این بزرگوار وجود دارد، من نوشته‌ام. ما افتخار می‌کنیم که بوشهر ۱۰۰ سال تاریخ مطبوعات دارد و تنها تاریخ مطبوعات آن را هم من نوشته‌ام. افتخار می‌کنیم که بوشهر قهرمانان بزرگی چون میرمحنا، خالو حسین، غضنفر خان السلطنه و رییس‌علی دلواری دارد و من برای همه این‌ها یک تک‌نگاری نوشته‌ام. و الان که به صدا و سیما نگاه می‌کنم، می‌بینم که در شعار و آرمان حرف‌های مرا تکرار می‌کند. اما به این نتیجه رسیده‌ام که باید با این آرمان‌گرایی مبارزه کنم. من زمانی می‌خواستم در این جا غرور ملی ایجاد کنم تا تحرک اجتماعی ایجاد شود. خوش‌بختانه شده است، اما راضی‌کننده نیست. ما الان در بوشهر ۵ یا ۶ دانشگاه داریم و چیزی حدود ۲۰ هزار دانشجو، اما شمارگان کتاب در آن بسیار اندک است. در مورد شمارگان یک کار میدانی کرده‌ام و از تمام کتاب‌فروشی‌ها آمار گرفته‌ام. گفته‌ام کتاب‌های درسی نه، کتاب‌های علمی و پایه‌ای چند نسخه می‌آورد؟ به‌طور متوسط بین ۲ تا ۲۰ نسخه می‌آورند. این برای یک شهر با ۲۰ هزار دانشجو فاجعه است.

● **به این نتیجه رسیدیم که شما آموزش و پرورش را تا حدودی دچار مشکل می‌دانید؟**

بهار استان‌ها

بهار را با شور و نشاط آغاز کنیم. فصلی که تحول را نوید می‌دهد. بی‌گمان این فصل فقط به تهران و تهرانی‌ها تعلق ندارد. همه ایران اسلامی سرای ماست. این است که بهار را به استان بوشهر برده‌ایم و خود در هوای لطیف دریایی‌اش غوطه خورده‌ایم. بوشهر فرهنگی دیرینه دارد. فرهنگی که از دریا نشئت می‌گیرد. من به این فرهنگ می‌گویم: فرهنگ دریایی بوشهریان. در این فرهنگ بزرگانی چون سلیمان صیرافی (سیرافی) بوده‌اند که نخستین کشتی‌سازان و کشتی‌رانان دنیا به حساب می‌آیند آن‌ها قبل از مارکوپولو به چین رفته و ضمن کشف آن مبادلات گسترده‌ای با این سرزمین داشته‌اند. دروغگویان مستشرق کشف این سرزمین را به پای امثال مارکوپولو می‌نویسند. اما واقعیت آن است که سیرافی‌ها حتی پیش از فیلیپی‌ها کشتی‌های بزرگی می‌ساختند و نخستین کشتی‌سازان عالم‌اند و نخستین کاشفان چین‌اند.

این‌ها را گفتیم تا بدانید که چرا این همه به استان بوشهر پرداخته‌ایم. از ابتدای تابستان ۹۰ به چهار استان رفتیم تا چهره اجتماعی - فرهنگی این استان‌ها را بازنمایی کنیم و بدانیم که ما هویتی دیرینه داریم. از آن زمان که اسلام به سرزمینمان آمد و ایرانی‌ها آن را با جان و روح بلند خود، پذیرا شدند این هویت قوامی جاودانه و الهی یافت. این هویت وقتی به سامان رسید که ناخالصی‌ها را از آن زدود و فرهنگی پویا و آسمانی را به ارمغان آورد.

فرهنگ دریایی بوشهر از این روی مورد توجه قرار گرفت. نکته آنکه این فرهنگ از مردمان بوشهری دریادلانی ساخت که همیشه سرزنده هستند. این سرزندگی و ریزی‌بینی را در همه مطالب بوشهری این شماره می‌بیند. دریا جان و روح بوشهری است. بیاد آوریم دریادلانی را که از بوشهر به میدان‌های دفاع مقدس هشت ساله رفتند و دل‌های همه رزمندگان بزرگ ما را دریایی کردند. دل‌هایی به وسعت همه دریا‌های عالم.

پس مباد که بر ما خرده بگیرد. همه جای این سرزمین پر از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های غنی است. ما به میان استان‌ها آمده‌ایم تا این غنای اجتماعی را از زبان فرهنگیان عزیز بیاموزیم. در شماره‌های آتی این روند مبارک ادامه خواهد داشت آنچنان که دیدید در شماره‌های گذشته به خراسان رضوی و چهارمحال و بختیاری رفتیم و در تابستان نیز ایلام را بازنمایی خواهیم کرد. ان‌شاءالله

○ آموزش و پرورش مشکلات زیادی دارد؛ از دبستان تا بعد که این محصول معیوب به دانشگاه می‌رود. دختر من دانشجویست و در رشته کامپیوتر درس می‌خواند. سال دیگر لیسانس می‌شود. یک تعمیر ساده کامپیوتر یا یک برنامه‌نویسی ساده را نمی‌تواند انجام بدهد، اما تا بخواهید تئوری می‌گوید. چرا لیسانس، فوق لیسانس و دکترای ما انواع تئوری‌ها را می‌داند، اما اگر از او بپرسید این کاسب محله چه فانکسیون (کارکردی) در این محله داشته است، کوچک‌ترین پاسخی نمی‌تواند بدهد.

ما در برخی موارد، در آن چه که غرب سرمایه اجتماعی نامیده است، شاید پسرقت داشته‌ایم. اگر سرمایه اجتماعی را به المان‌های ریزتر تبدیل کنیم، می‌رسیم به گذشت، راستی، کمک به دیگران، مهرورزی و پرهیز از خشونت. ما ایرانی‌ها تا زمانی که سوار ماشین نشده‌ایم، ایرانی هستیم، ولی پامان که روی پدال گاز می‌رود، دیگر ایرانی نیستیم. شما اگر می‌خواهید ایران را بشناسید، نگاه کنید به وضعیت رانندگی. این ماکت کوچک شده‌ای از جامعه ماست. بی‌رحم، بی‌گذشت، پرخشونت، پرفریب... این المان‌ها را در جاهای دیگر هم می‌بینید. من اگر با دیپلم با شما سخن می‌گویم، ارزشی ندارم. اما یک نفر که دکترا دارد یعنی تجمل دکترا را دارد، حرف بزند، می‌گوید آقای دکترا فرمودند.

همه این‌ها نشان از سقوط ارزش‌های اجتماعی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی دارد. زمانی افتخار می‌کردید که ایرانی هستید. پرچم در شما احساس غرور ایجاد می‌کرد. آیا دانش‌آموزان ۱۷ یا ۱۸ ساله امروزی برای پرچم احترام قائل است؟ باید تلاش کنیم تا جوانان خود را وطن‌دوست بار بیاوریم تا سرمایه اجتماعی را از دست ندهیم باید قهرمانان ملی و دینی خود را معرفی کنیم.

● به نظر شما چگونه می‌توانیم جامعه‌شناسی ایرانی - اسلامی داشته باشیم؟

○ من بر این باور هستم که ما در حال حاضر، به جای غرب‌ستیزی اول انقلاب، به دوره کلاسیکمان برگشته‌ایم؛ یعنی جامعه‌شناسان ما مرعوب مکتب‌های غربی شده‌اند. من در کتاب «میرمخنا» این جمله را از اسپینوزا آوردم: نه تمسخر، نه ستایش، بلکه فهمیدن، ما مشکل داریم، ما غرب را نمی‌شناسیم. اولاً شناخت ما دست دوم است. چند درصد از متفکرین ما از منابع دست اول استفاده می‌کنند در سترون بودن نظام آموزش و پرورش همین بس که دانش‌آموز بعد از هفت یا هشت سال انگلیسی خواندن در مدرسه، دیپلم که می‌گیرد، هنوز در «ایز و آر» مشکل دارد. یا هفت سال قرآن و عربی درس می‌دهیم، اما دانش‌آموز بعد از دیپلم هیچ بهره‌ای از این دروس نمی‌برد. همان اندازه عربی بلد است که انگلیسی. آیا این مشکل آموزش و پرورش ما نیست؟

پروژه آموزش و پرورش و جامعه

زهرای فیض آبادی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش گرایش پیش از دبستان

مقدمه

● **نوآوری:** آموزش و پرورش می‌تواند منشأ تغییرات اجتماعی نیز

باشد. هر جامعه‌ای دستخوش تغییر و دگرگونی است. در اغلب جوامع تغییر با پیشرفت ارتباط دارد و از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که جامعه را در نیل به پیشرفت یاری رساند.

● **گزینش و تخصیص افراد:** آموزش و پرورش نقش مهمی در

گزینش و تخصیص افراد جامعه به مقامات و مشاغل اجتماعی ایفا می‌کند. آموزش و پرورش سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد برعهده دارد.

● **یگانگی اجتماعی:** آموزش و پرورش رسمی، وسیله مهمی

برای تبدیل یک جامعه نامتجانس به جامعه‌ای یگانه و یکپارچه از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. این موارد از جمله کارکردهای آموزش و پرورش و بخشی از انتظارات جامعه از آموزش و پرورش هستند. **آگوست کنت**، پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: «پیشرفت و ترقی بشر به آموزش و پرورش صحیح بستگی تمام و کمال دارد. زیرا تعلیم و تربیتی صحیح است که حسن تفاهم را بین افراد پرورش می‌دهد.» یعنی جامعه انتظار آموزشی صحیح را به نسل جدید دارد.

وارد، جامعه‌شناس آمریکایی، معتقد است: «تعلیم و تربیت

در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد. زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خواهد بود و مشکلاتی را که مانع پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی هستند، از بین خواهد برد.

انتظارات جامعه از آموزش و پرورش

جامعه جمعیتی سازمان‌یافته از اشخاصی است که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند، با همکاری در گروه‌ها، نیازهای اجتماعی، ابتدایی و اصلی‌شان را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند.

آموزش و پرورش از آن نظر در جامعه اهمیت دارد که اگر جامعه‌ای بخواهد اطلاعات و تغییرات مطلوب را سریعاً به مردم منتقل کند، به‌راحتی می‌تواند از طریق نظام آموزشی صحیح و قوی، آن را به تمام مردم به صورت ملموس و مؤثر انتقال دهد و بازخورد

آموزش و پرورش فرایندی ز گهواره تا گور است. در هر جامعه‌ای یافت می‌شود، ولی اشکال گوناگونی دارد، از یادگیری براساس تجربه‌های زندگی تا آموزش و پرورش آموزشگاهی، از اجتماعات صنعتی تا غیرصنعتی، از محیط‌های روستایی تا محیط‌های شهری، و از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر. بنابراین آموزش و پرورش پدیده‌ای اجتماعی است و مثل هر پدیده اجتماعی دیگری مورد مطالعه جامعه‌شناسی است. اهمیت آموزش و پرورش ناشی از گسترش کارکردهای آن است که به‌طور روزافزون آن را به کانونی مورد توجه خاص و عام تبدیل کرده است. اگر آموزش و پرورش را در وسیع‌ترین معنای آن، مسئولیت جامعه تلقی کنیم، در آن صورت هرچه در زندگی اجتماعی اتفاق می‌افتد، آکنده از امکانات و تجربه‌های آموزشی و پرورشی است. از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه را فراهم سازد. پاسخ‌گویی به این انتظارات دامنه گسترده‌ای از کارکردها را برای آموزش و پرورش به‌وجود می‌آورد. از جمله کارکردهای آموزش و پرورش، «انتقال فرهنگ» است. «فرهنگ» شاخص نحوه و روش زندگی است که هر جامعه‌ای برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث دوام، بقا و انتظار امور اجتماعی، اختیار می‌کند. به بیان دیگر، فرهنگ، ابزارها و رسوم، معتقدات، علوم و هنرها و همه آن‌چه که جامعه می‌آفریند نیز و به انسان‌ها واگذار می‌کند، فرهنگ نام دارد. در نتیجه، برای تولید دوباره فرهنگ یا بازآفرینی فرهنگی، آموزش و پرورش رسمی ضرورت پیدا می‌کند. برخی کارکردهای آموزش و پرورش از این قرارند:

● **جامعه‌پذیری افراد:** از طریق این کارکرد، انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی، به‌منظور اجتماعی کردن نسل‌های جدید جامعه، صورت می‌گیرد.

● **نظارت اجتماعی:** آموزش و پرورش با ابقای ارزش‌ها و وفاداری به نهادهای جامعه، به عنوان سازوکار کنترل اجتماعی عمل می‌کند؛ چون عناد فردی با این موارد، به منزله تهدیدی برای نظم اجتماعی به‌شمار می‌رود. از این‌رو آموزش و پرورش می‌تواند از طریق تربیت و آموزش اخلاقی، این تهدید را کاهش دهد.

آن را مشاهده کند تا در برنامه‌ریزی‌های بعدی به صورت سریع از آن بهره بگیرد.

جامعه توقع دارد که آموزش و پرورش فقط چرا زیستن را به دانش‌آموزان یاد ندهد، بلکه چگونه زیستن را به آن‌ها بیاموزد. ایوان ایلچ، در کتاب «جامعه مدرسه‌زدا»، در حالی که استدلال می‌کند بسیاری از آن‌چه که در مدرسه آموخته می‌شود، فراموش می‌شود و نامناسب است، با وجود این در باب آموزش و پرورش به عنوان نقطه مقابل تحصیل می‌گوید: «آموزش و پرورش وابسته است به ارتباط بین دوطرف که بعضی از کلیدهای دسترسی به محفوظات و خیره شدن در اجتماع را در اختیار دارند. آموزش و پرورش وابسته است به سؤال شگفت و غیرمنتظره‌ای که درهای جدیدی برای جست‌وجوگر و شریک او باز می‌کند.» (ایلچ، ۱۹۷۱: ۱۷).

جامعه انتظار دارد، آموزش و پرورش به شناخت و حل نیازهای فکری کودکان، نوجوانان و جوانان کمک کند. ارتقای کیفی آموزش و تربیت نسلی پرسشگر و خلاق امری ضروری است. هم‌چنین انتظار دارد که آموزش و پرورش افراد را به سمت خلاقیت سوق دهد. به انسانی می‌توان لقب «تخبه» داد و او را شایسته دانست که چه در مسائل علمی و چه در مسائل سیاسی و اجتماعی، ریزبین و جامع‌نگر باشد. از یافته‌های علمی دیگران و جریان‌های فکری و سیاسی اطلاع کافی به دست آورد و در برابر این اندیشه‌های متفاوت و گاه متضاد و متناقض، حساس باشد و قدرت تحلیل مسائل را به دست آورد. از دیگر انتظارات جامعه از آموزش و پرورش این است که منشأ نظم و بی‌نظمی در بسیاری از مراکز اداری و خانواده‌ها از مدرسه آغاز می‌شود. در این میان باید افراد قوی و دارای معلومات بالا، در مدارس و به‌خصوص دوره‌های ابتدایی و راهنمایی به کار گرفته شوند تا در دوره‌های بالاتر، به‌جای پرداختن به امور علمی، وقت دانش‌آموز صرف مسائل هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نشود؛ که اگر این مسائل رفع شوند؛ بسیار به نفع جامعه خواهد بود.

جامعه ایران اگر قرار است به سلامت از گردنه‌های صعب‌العبور تغییرات اجتماعی که در حال وقوع است، گذر کند، شایسته است که نظام آموزش و پرورش صرف‌نظر از تأخیرهایی که تاکنون در ورود به عرصه مهندسی اجتماعی داشته است، مسئولیت و سهم بیشتری در قبال جامعه به‌عهده گیرد و نقش جدی‌تری را در خروج از بن‌بست کنونی و نیل به جامعه مطلوب ایفا کند.

بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه، ریشه اغلب مشکلات، ناسامانی‌ها، نارسایی‌ها و بحران‌های اجتماعی را در نظام و فرایند آموزش و پرورش جست‌وجو می‌کنند. به‌زعم منتقدان، نظام فعلی آموزش و پرورش پاسخ‌گوی خیل عظیم مطالبات، نیازها و انتظارات جامعه نیست و نیازمند اصلاحات جدی و اساسی است. آموزش و پرورش باید خود را از قیدوبندها و مشکلات بی‌شماری که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، رها سازد و به منزله بازوی روشن‌فکری جامعه، زمینه‌های شکل‌گیری آموزشی و پرورشی انسان‌گرا و مقوم توسعه همه‌جانبه و درون‌زا را فراهم سازد.

جامعه جهانی اینک در حال ورود به مرحله جدیدی از توسعه موسوم به «جامعه سنتی»^۲ و «اقتصاد مبتنی بر دانش»^۴ است که در اثر آن، هم سامانه‌های تولید و توزیع کالا و خدمات، و هم سامانه‌های تولید، توزیع، تبدیل و ترویج دانش، دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد. برای نیل به چنین جهشی بلندی، باید سامانه اقتصادی خود را به یک سامانه یادگیرنده و تبدیل کارخانه و صنعت به مدرسه و دانشگاه و بالعکس، تبدیل کند. پیمودن بخش عظیمی از این مسیر متوجه آموزش و پرورش به منزله زیربنای فرهنگی و معرفتی سایر بخش‌هاست. جامعه اقتصادی، نیروی انسانی خود را از این بخش تحویل می‌گیرد و انتظار دارد که نیروی انسانی قوی در اختیار داشته باشد. جامعه انتظار دارد که آموزش و پرورش سنت‌هایی مثل احترام به اقتدار، اطاعت از قانون، میهن‌دوستی و ... را حفظ و تحکیم کند. از سوی دیگر انتظار می‌رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را فراهم سازد.



هر کشور و جامعه‌ای، در همه جا و همه وقت به اصالت فرهنگی خود افتخار می‌کند. بر آن تأکید دارد و همواره می‌کوشد با قدرت و غرور این هویت را زنده کند. هویت، تاریخ، آداب و رسوم، اعتقادات، ادبیات و هنر هر جامعه، معرفت‌شناسی‌های فرهنگی آن جامعه است و آن را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد. امروزه که تهاجم فرهنگی در جهت نابودی فرهنگ کشورهای اسلامی و جهان سوم به شدت ادامه دارد، آموزش و پرورش رسالت دارد که در تکوین هویت فرهنگی بکوشد.

جامعه انتظار دارد آموزش و پرورش طوری تنظیم شود و رسالت خویش را انجام دهد که نسل‌های آینده با انگیزه صحیح و براساس استعداد و علاقه بتوانند متغیرهای فرهنگی را درک کنند و گام‌های موفقیت را به خوبی بردارند. آموزش و پرورش یک نهاد ارزشی محسوب می‌شود که جامعه از آن انتظار دارد همواره یادگیری را بهبود بخشد و ارزش‌های اسلامی - ایرانی را به کودکان، نوجوانان و جوانان آموزش دهد. عشق به یادگیری، همکاری در ارتباطات روزانه، مهارت در کسب دانش و بینش، مهارت‌های زندگی و تفکر خلاق را مورد تأکید قرار دهد. تقویت آداب و مهارت‌های زندگی، تقویت آموزه‌های مربوط به فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، پژوهش محوری و سازمان‌دهی امور پژوهشی، کاربست یافته‌های پژوهشی، و پروژه‌های غنی‌سازی فکری را در برنامه‌های خود بگنجانند و تقویت کند. جامعه انتظار دارد تغییرات علاوه بر سطوح دانشی، نگرش، بینش و رفتارهای فردی و گروهی دانش‌آموزان را دربرگیرد. برای مثال دانش‌آموز پس از گذراندن دروس تعلیمات اجتماعی، تاریخ و هنر، کمک به دیگران از جمله افراد ضعیف و نیازمند جامعه را یک حق و تکلیف برای خویشتن تلقی کند و از انجام این کار حسنه، لذت ببرد و احساس رضایت کند. همچنین، در مقابل اهانت به مقدسات و ارزش‌های دینی، واکنش داوطلبانه نشان دهد.

جامعه انتظار دارد که در شرایط و وضعیت موجود، خروجی آموزش و پرورش تاسطح محصول و برون‌داد نباشد، بلکه انتظار جامعه را تاسطح پیامد و نتایج و وضعیت مورد انتظار برآورده سازد. برنامه‌های آموزشی مدارس که بیشتر در قالب کتاب‌های درسی و با روش‌های سنتی اجرا می‌شوند، قادر نخواهند بود دانش، نگرش، بینش و رفتار دانش‌آموز را با باورها و مبانی ارزشی جامعه متناسب سازند. برای مثال، فارغ‌التحصیلان به رغم قبول شدن و کسب نمره‌های ۱۸ و ۱۹ در درس تاریخ یا تعلیمات دینی و اجتماعی، از موقعیت‌ها و رفتارهای اجتماعی سالم و قابل انتظاری برخوردار نیستند. بنابراین آموزش و پرورش در جهت اثربخشی خود باید بکوشد.

انتظارات آموزش و پرورش از جامعه

آموزش و پرورش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی برای جامعه است و کلیدی‌ترین عنصر در توسعه جامعه و مردم آن است که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت‌های گوناگونی برخوردار باشند.

توشیرو مکلو، یکی از معماران توسعه‌ی ژاپن، امروزه نقش سازنده، بارورکننده و رشددهنده انسان و آموزش و پرورش را در فرایند توسعه

اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می‌کند: «ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی. ما فقط یک منبع در اختیار داریم و آن ظرفیت ابداع مغزهایمان است. این منبع پایان‌ناپذیر را باید ترکیب کرد، تمرین داد و مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه در آینده نزدیک گران‌بهارترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود.» در کشور ژاپن تربیت انسان‌ها، مهم‌ترین مسئله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می‌کنند، افراد بسیار محترم و دارای جایگاه اجتماعی والایی هستند. همین آموزش‌دهندگان هستند که در واقع توسعه و زمینه‌های آن را از طریق تربیت شهروندان آگاه و مسئول فراهم می‌آورند و آموزش و پرورش است که می‌تواند فرهنگ شهروندی را ارتقا بخشد.

با توجه به این که دانش‌آموزان و فرزندان ما بیشترین و بهترین ایام عمر خود را در محیط‌های آموزشی و در کنار معلمان سپری می‌کنند، و از سوی دیگر، با عنایت به نجابت، تعقل، آرامش، سلامت نفس، خلوص و اثربخشی صنف معلمان، این محیط و این قشر سالم‌ترین و قابل اعتمادترین حلقه جامعه برای بسترسازی و نهادینه کردن تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. آموزش و پرورش انتظار دارد، مسئولان و مدیران ارشد جامعه دقایقی از وقت خود را صرف آموزش و پرورش و بحران‌های عمیق آن کنند.

گفته می‌شود که قریب ۱۵ درصد از بودجه و منابع دولتی، در آموزش و پرورش هزینه می‌شود. اما با توجه به رسالت خطیر و سنگین نظام آموزشی و گستره تحت پوشش آن، افزون بر ۹۰ درصد بودجه مزبور صرف هزینه‌های جاری و کارکنان می‌شود و قاعدتاً دیگر بودجه‌ای برای ارتقای کیفی و به روز کردن اطلاعات معلمان و نظام آموزشی و تجهیز مدارس و نوسازی آن‌ها باقی نمی‌ماند. آموزش و پرورش انتظار دارد که آن را مهم‌ترین عامل توسعه فرهنگ اسلامی و ایرانی و وحدت ملی و توسعه اقتصادی و نظامی نظام مقدس اسلامی بدانیم و با تخصیص بودجه کافی به امر آموزش و پرورش، از برنامه‌های آن حمایت کنیم تا بتواند مسئولیت خود را بهتر ایفا کند.

پی‌نوشت

1. culture
2. social integration
3. knowledge society
4. knowledge based Economy

منابع

۱. علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان. تهران. ۱۳۷۵.
۲. بازخوانی انتظارات از آموزش و پرورش، سایت اسلام‌گرا.
۳. بهروش، علی. آموزش و پرورش و رسالت تربیت شهروندی.
۴. هیگن بانم، پی‌جی. اهداف آموزش و پرورش. ترجمه مجید طرقي و محمد عبداللهی. انتشارات به‌نشر. ۱۳۸۵.
۵. نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، سایت گوگل.
۶. حسن‌زاده، احمد. نقش آموزش و پرورش در انضباط اداری. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۲
۷. گروه جامعه سایت تبیان زنجان.
۸. سایت شبکه ملی مدارس رشد.

آشنایی با رورهای

آمریکا با توجه به نفوذ خود در رسانه‌های جهانی، همیشه ایران را متهم کرده که در فکر ساخت سلاح‌های کشتار جمعی است، اما همگان می‌دانند این آمریکایی‌ها هستند که دشمنان ایران زمین را به این گونه سلاح‌ها تجهیز کرده‌اند و آنان را در به کاربردن آن علیه ایران تحریک می‌کنند.

در خصوص مخالفت‌های آمریکا و رژیم اشغالگر فلسطین و برخی کشورهای غربی با فعالیت‌های هسته‌ای، کارشناسان بر این عقیده‌اند که آمریکا در این زمینه برخورد دوگانه و تبعیض‌آمیزی دارد، و کشورهای غربی دارای انرژی هسته‌ای، دانش مربوط به غنی‌سازی اورانیم را در انحصار خود قرار داده‌اند و از دسترسی کشورهای جهان سوم به این فناوری جلوگیری می‌کنند و در عین حال، هم‌چنان به سکوت حمایت‌آمیز خود از توسعه زرادخانه اتمی اسرائیل ادامه می‌دهند.

با تمام مشکلات و موانع، اکنون ایران در حالی وارد ششمین سالروز ملی فناوری هسته‌ای خود می‌شود که مطابق قوانین بین‌المللی و پادمان‌های جهانی در این زمینه عمل کرده است. بازرسی آزادانه بازرسان «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» و دوربین‌ها، تمامی دال بر این ادعاست.

در طول این مدت، سیاست‌مداران و مسئولان نظام در برابر سیاست‌های دو پهلوی آمریکا و اسرائیل غاصب و بر حسب شرایط سیاسی و بین‌المللی، سیاست‌هایی را اتخاذ کرده‌اند که دارای اوج و فرودهای بسیاری بوده است؛ به گونه‌ای که در یک دوره ایران تعلیق را پذیرفت و در دوره دیگر، نه تنها تعلیق را لغو کرد، بلکه سیستم خود را بسیار پیشرفته ساخت و سانتریفیوژهای بسیاری را راه‌اندازی کرد. در تمامی این مراحل، نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از بازرسی‌های حتی فراتر از قوانین موجود برخوردار بودند. به هر حال ما نیز امیدواریم که ایران تصمیماتی بگیرد که هم‌چنان موجب پیشرفت ایران و ایرانی مسلمان شود.

با ۱۲ فروردین جاهلیت مدرن می‌میرد

نسل امروز جهان، اگر میراث سیاسی و تاریخی انقلاب اسلامی را به درستی درک کند، به یقین امت مسلمان و بزرگی را خواهد آفرید که ترفندهای سخیف جاهلیت مدرن نخواهد توانست آن‌ها را به وادی فراموشی بکشاند. ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۹ در سالروز رفراندوم تعیین نظام جمهوری اسلامی ایران، **امام خمینی (ره)**، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «۱۲ فروردین روز غلبه جنسود الله بر جنود شیطان و روز فتح و نصر خدا و بندگان مؤمن به اوست.»

در عید و روز اسلامی و ملی جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین)، ملت بزرگ ایران در سایه رهبری‌های حکیمانه فرزانه دوران معاصر، امام خمینی (ره)، موفق شد جهان خفته را از جاهلیت مدرن بیدار سازد و با هدایت‌های این بزرگ مرد تاریخ ایران اسلامی، فرهنگ جدیدی را حاکم کند که نشانگر اسلام ناب محمدی بود و این نبود جز اراده پیر حکیم و مراد مردمان ایران زمین و تبعیت و اعتماد

بهاران، فصل مهرورزی ایران زمین

فروردین ماه و بهاران در ایران اسلامی همواره پر از خاطره است؛ خاطره‌های شگفتی که همراه با حماسه، افتخار و پیروزی بوده‌اند و گاه نیز غم جانکاهی بر دل‌های ایرانیان مسلمان گذاشته‌اند. این روزهای جاودانه را با هم مرور می‌کنیم.

روز ملی فناوری هسته‌ای

در پی تلاش‌های دانشمندان ایرانی برای دست‌یابی به فناوری انرژی هسته‌ای، علی‌رغم دشمنی‌هایی که از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت پذیرفت، سرانجام فروردین ماه سال ۱۳۸۵، خبر دست‌یابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیم و راه‌اندازی یک زنجیره کامل غنی‌سازی در «نطنز» اعلام شد. در پی این خبر، با تصویب «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، به پاس قدردانی از تلاش‌های افتخارآمیز دانشمندان جوان ایران اسلامی، بیستم فروردین ماه، مقارن با تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در تقویم رسمی ایرانیان «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام گرفت.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷، آمریکا که پایگاه خود را در ایران از دست داده بود، به دخالت‌ها و توطئه‌های بی‌پایانی دست زد. تلاش آمریکا برای جلوگیری از دست‌یابی ایران به فناوری هسته‌ای، با توجه به برخورداری ایران از منابع نفتی و گازی، در حالی ادامه دارد که چهار دهه پیش ایران اولویت اول در خاورمیانه برای استفاده از این فناوری معرفی شده بود و آلمان نیز نیروگاه بوشهر را تقریباً به نیمه رساند.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۴۷۸

عمیق مردم به هدایت‌های هوشمندان و آسمانی وی. این است که می‌گوییم ایران اسلامی شگفتی بزرگ قرن است و همه ملت‌ها را بیدار و آگاه می‌سازد؛ چنان‌چه در ماجرای بیداری اسلامی، این شکوه عظمت در دیگر سرزمین‌ها جلوه کرد و انقلاب‌های پیروزمندان‌های شکل گرفتند؛ باشد که نسل امروز بدانند گذشتگان چه عظمتی آفریدند و آنان نیز حامیان امینی برای این امانت الهی باشند.

روز ملی خلیج فارس

دهم اردیبهشت را «روز ملی خلیج فارس» نامیده‌اند. این عنوان بسیار افتخارآمیز و قابل تأمل است. ملت ما به هیچ کشوری اجازه نخواهد داد که ذره‌ای از خاک و فرهنگ ما را در تصرف خود گیرد. این ملت در طول همه تاریخ انقلاب اسلامی و با وجود این همه توطئه، توانسته است به حفظ همه ارزش‌های ملی و سرزمینی بپردازد و در برابر جهان‌خوارانی چون ایالات متحده، مقاومت کند. دنیا بداند، ملت ایران حتی روی نقشه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها اجازه نخواهد داد نام خلیج همیشه فارس خدشه‌دار شود و به غلط آن را خلیج یا هر نام جعلی دیگری نامند. آزاد مردان ایران اسلامی همیشه پاسدار نام بلند خلیج فارس خواهند بود.

روز معلم، روز انسان‌سازی

امام خمینی (ره) جریانی فرهنگی را در طول انقلاب اسلامی آفریدند که هر یک از شاگردان این مکتب، در جریان این حرکت عظیم تاریخی و در میان اقشار مختلف جامعه، تأثیر بی‌بدیل و اثرگذاری داشته‌اند. یکی از ماندگارترین شاگردان اثرگذار امام، شیخ علامه شهید مرتضی مطهری بود که بعدها به‌عنوان طراح اصلی و مبلغ فهیم اندیشه‌ها و تاریخ انقلاب اسلامی با نگاهی منحصر به فرد شناخته شد. اما این فیلسوف و عارف بزرگ اسلام و مکتب امام خمینی (ره)، به دست مزدوران بی‌منطق و متحجر «گروه فرقان» به شهادت می‌رسد. فرقانی‌های متحجر و بی‌مایه کسی را به شهادت رساندند که امام خمینی (ره) درباره وی گفت: «مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمت‌گزاری سودمند برای ملت و کشور بود.»

معلمان گران‌بایه باید به خاطر داشته باشند، روز شهادت این معلم زندگی، «روز معلم» نامیده شد؛ باشد که معلمان عزیز کشور در همه سطوح به‌عنوان «مردان مرد میدان انسان‌سازی» فرزندان‌ی چون مطهری را به جامعه اهدا کنند.

خرمشر به آزادی لبخند زد

در هنگامه دفاع مقدس، با اینکه رزمندگان اسلام از نظر نظامی، تجهیزاتی، راهبردی و نیروی انسانی ورزیده، به دلیل توطئه‌های دشمنان و خیانت‌های بنی‌صدر، رییس جمهور مخلوع، به شدت در مضیقه بودند، اما نصرت الهی به یاری آنان شتافت و معرکه‌ای آفرید.



بسیاری تصور می کردند فتح دژ خرمشهر ناشدنی است، اما به لطف پروردگار و با عشق به امام عزیز، در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ خرمشهر آزاد شد. فتح خرمشهر به قدری بزرگ و بی همتا بود که امام خمینی درباره آن فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.»

روح خدا به ملکوت اعلا پیوست

جانکاه ترین جمله ای را که انقلابیون مسلمان شنیدند، همین عنوان کوتاه، اما بسیار دردناک بود: «روح خدا به ملکوت اعلا پیوست!» بهاری بود که با تألم به پایان رسید. شیرینی فتح خرمشهر با این جمله تلخ به پاییزی بس جانکاه تبدیل شد. اما بهاران همیشه در پیش است. اگر خمینی نبود، خدای خمینی که بر همه ناظر بود و برای عاشقان حاضر. آزادی خوان جان جانان رفت. جان اخلاقیون، جان فقه و اصول، جان فلسفه، جان عرفان و حکمت، جان سیاست از دست رفته بود، اما خداوند چندی نگذشت که فرزند خلف خمینی را به جانشینی ولی اش برگزید. کاروان ولایت فقیه هم چنان استوار به پیش رفت؛ یعنی خداوند ولایت فقیه‌ی چون **آیت الله العظمی خامنه‌ای** را نصیب این ملت کرد. امام با وداعی تلخ و دائمی، سینه‌های مالامال امید رزمندگان را به داغ نشاناند و جان شریفش در تنگی دل زمانه خو گرفت؛ چرا که دنیا زندان بزرگی است که خردورزان و هوشمندان و فرهیختگان عالم را در خود می بلعد. اما خوشا آنان که به عشق خدا، «روح خدا» می شوند و با ملکوت معشوق به معاشقه می پردازند. چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸، سال پیوستن روح خدا به ملکوت اعلا بود.

پانزده خرداد، نقطه عطف نهضت

به خرداد سلام کردیم، پاسخ را با پیروزی خرمشهر گرفتیم. امام ما گفت: «۱۵ خرداد یک نقطه عطفی است در تاریخ کشور که از همان وقت شروع به فعالیت سیاسی شد و روحانیون از همان وقت خودشان را مجهز کردند و... در عین حالی که پانزده خرداد مصیبت برای ما بود، لکن این موهبت را هم خدای تبارک و تعالی به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و لبیک گفتند به روحانیون و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع شد و مبدأش از همان ۱۵ خرداد بود.» سال ۱۳۴۲ و ۱۵ خردادش، اگر چه شهدای زیادی به همراه داشت، اما این نهضت شکوفایی انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد؛ تا خدای خمینی (ره) این مصیبت را به حماسه‌ای بزرگ چون انقلاب اسلامی ایران تبدیل کند و بیداری کشورهای اسلامی به ثمر نشیند.



برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:
۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واريزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاهدارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....
.....
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱۰

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال